

هفتتہ

۲۰۸

سال پنجم - شماره ۲۰۸

پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۱ - ۲ اوت ۲۰۱۲

بها: ۲/۵۰ دلار / در مونترال رایگان

www.HafteH.ca

گزارش

گزارش و دیدگاه یکی از مربیان
کمپ تابستانی «کلاه قرمزی»
نفیسه حسینی

جهان دانش

راه دشوار زنان به دشت ستاره‌ها
پوریا ناظمی

سیاست

خوب که بنگریم،
پوتین در خدمت ایران است
کاظم ودیعی

اندیشه

گفت‌وگوی دوواری با استاد فلسفه؛
دین در برابر فلسفه: یک تعارض اشتباه
ترجمه رضا داودی

ادبیات:

داستان کوتاه
محاكمه، اثر علی المک
ترجمه: محمدحسن مامطیری

دختري از تبار مازندران، بر بال دانش

گفت‌وگو با دکتر مینا دانش، مخترع جوان مونترالی

سرمایه‌گذاری دیگری که از نظر شما نور مانده است!



سهام ممتاز (Preferred shares) به عنوان یکی از راه‌های درآمد، غالباً از نظر سرمایه‌گذاران پنهان می‌ماند زیرا آنها، درباردهی این نوع سهام اطلاعات کافی در دست ندارند. سهام ممتاز می‌تواند برای سرمایه‌گذاران محافظه‌کار و همچنین گروه طالب رشد، مناسب باشد و جذابیت‌های زیر را دربرداشته باشد.

✓ بهره با امتیازات مالیاتی

✓ در دست‌ترین بودن اصل سرمایه

✓ امنیت اصل سرمایه

Naghmeh Sabet, BSc, FCSI

Assistant Director, Wealth Management
Wealth Advisor

514-287-3690

naghmeh_sabet@scotiacleod.com

Scotia Tower

1002 Sherbrooke Street West, Suite 600

Montreal, Québec H3A 3L6

MacDougall Sabet Team

Personal & Family Professional Results

 **ScotiaMcLeod**[®]

© 2014 ScotiaMcLeod. All rights reserved. ScotiaMcLeod is a registered trademark of ScotiaMcLeod. ScotiaMcLeod is a registered trademark of ScotiaMcLeod. ScotiaMcLeod is a registered trademark of ScotiaMcLeod.



زولبیا و بامیه تازه از ایران

محصولات غذایی ۱۰۰٪ ایرانی

حال و هوای کاملاً ایرانی

۷ روز هفته
از ۹ صبح تا ۸ شب

فروشگاه



6685 St. Jacques
(NDG) Montreal,
QC, H4B 1V3

جانب Cora
متره و اندوم - توبوس 941 به سمت وست
ایستگاه اول بعد از کاوندریش

شما لایق بهترینها هستید

چرا زعفران بخرید؟
هر 50 دلار خرید از محصولات Golden Palm
یک عدد زعفران یک گرمی اعلاء هبیه بگیرد*

* با پرداخت های نقدی یا Debit

حراج هفته

نوع مشکی ۲ لیتری
تن ماهی ۱۰۰٪ ایرانی

\$2.99

1396 Ste Catherine St. West
Suite # 306 Montreal QC, H3G 1P9
(514)787-8848
info@hafteh.ca • editor@hafteh.ca • ad@hafteh.ca
ISSN 1918-4379 HafteH

در صورت تمایل برای حمایت از تلاش های ما کمک های مالی خود را به حساب زیر واریز کنید
Chacavac Cultural Centre
TD Canada Trust
Transit #: 0515
Account #: 5209119



سال پنجم - شماره ۲۰۸
پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۱ - ۲ اوت ۲۰۱۲
بها: ۲,۵۰ دلار / در مونتreal رایگان

David Berger
Immigration Lawyer
Avocat d'immigration

دیوید برگر
وکیل مهاجرت



♦ سال ها تجربه در نظام سیاسی، دیپلماتیک و اداری در سطح ملی و بین المللی
♦ وکیل حقوقی عضو کانون وکلای کبک

♦ نماینده سابق مجلس فدرال کانادا و سقیر

♦ متخصص در فرجام خواهی دادگاه فدرال، مهاجرت و پناهندگی

مهاجرت از طریق:

- نیروی متخصص
- خویشاوندی
- سرمایه گذاری



۳۴

پوریا ناظمی

جهان دانش

راه دشوار زنان به دشت ستاره‌ها؛
همزمان با درگذشت سالی راید...



۳۲

س. موریس

موسیقی

پینک فلوید
و موسیقی که همچنان میخ کوب می کند.
به بهانه‌ی حضور راجر واترز در مونتreal ...



۳۰

کازم ودیعی

سیاست

خوب که بنگریم
پوتین در خدمت ایران است
لیلا چراتسوا L.Chevtsova، سیاست‌شناس
عضو مؤسسه کارنگی Carnegie می گوید...



۳۵

رضا داودی

اندیشه

دین در برابر فلسفه:
یک تعارض اشتباه
گفت‌وگوی روزنامه دووار با ژان گروندن (۱)



۱۳

گزارش تصویری نفیسه حسینی

گزارش و دیدگاه یکی از مریبان
کمپ تابستانی «کلاه قرمزی»

۵ سخن هفته: مینا دانش، نمونه‌ای درخشان برای جوانان ایرانی در مونتreal / سردبیر

۷ خبرهای کبک و کانادا / سیما کاویانفر

۱۱ اخبار جامعه افغان و ایرانی

۱۸ از خوانندگان: یک سروده / رکسان آریانا

۱۸ از خوانندگان: روزگار عجیبی است... / تورج عاطف

۲۶ یافته‌ای تلخ برای نژادگرایان: ما ایرانیان، ایرانی هستیم نه آریایی بخش ۷ / مهرداد معمارزاده طهران

۲۸ ادبیات، داستان کوتاه: گردش محاکمه اثر علی المک / ترجمه: محمدحسن مامطیری

۳۶ سینما: نگاهی به: «شوالیه تاریکی برمی خیزد» / آتوسا اخوان

۳۸ ورزش: رطوبت، باران، گوسفند و ترافیک؛ المپیک لندن از دید گزارشگران رسمی ایران / بابک سرانی آذر

۴۰ تغذیه سالم: رواج قاچاق اعضای بدن انسان / دکتر پرویز قدیریان

۴۷ ساکن اطلس دریازده: آب اسید / مهدی عسکری

برای صحبت به زبان فارسی مستقیماً با
همکار ما، خانم آریستا معتزلی
تماس بگیرید

514-621-7796

1635, rue Sherbrooke West,
Bureau/Suite 400
Montreal, Quebec H3H 1E2

Tel: 514-961-8746

Fax: 514-935-2663

bergerdav@gmail.com

مینا دانش، نمونه‌ای درخشان برای جوانان ایرانی در مونترال

همان‌جا بود که چند باری هم مینا را دیدم؛ مینای جوان را که پدر با افتخار از پیشرفت‌های درسی او سخن می‌گفت.

در این شماره از هفته به همان مینا خانم و موفقیت‌هایش پرداخته‌ایم که می‌تواند امیدبخش همه جوانان ایرانی در مونترال باشد. مینا دانش، سختی‌ها را به جان خرید و کوشش بسیار کرد و امروز...

در پرونده شماره ۲۰۸ با مینا، که افتخاری برای هر زن و دختر و مرد ایرانی‌ست، آشنا می‌شویم. مینا و خانواده‌ی دانش! با همگی شما تبریک می‌گوییم، برای اینکه به ما امید را نشان می‌دهید! ■

سی.دی بگذارم و آن را در محل‌های ایرانی، مثل فروشگاه‌ها و رستوران‌ها به طور رایگان ارائه کنم. تهیه سی.دی خام سخت نبود و برنامه هم که به صورت دیجیتال آماده شده بود، اما کپی کردن صدها سی.دی هزینه‌ای داشت که به طور قطع، از توان مالی چکاوک، که با هزینه شخصی راه‌اندازی شده بود، خارج بود.

در این‌جا بود که رضا دانش وارد تصویر شد. انگار از آسمان آمد، مثل فرشته نجات. از آن پس تا ماه‌ها، هر یک‌شنبه منزل رضا دانش میهمان بودم؛ با مهربانی این خانواده و این انسان ایران‌دوست و اهل علم و هنر و فرهنگ، بیشتر و بیشتر آشنا شدم و در

چندین سال پیش، دقیق‌تر بگویم، دسامبر ۲۰۰۵، برای اولین بار با خانواده دانش از نزدیک روبه‌رو شدم. برنامه رادیویی «چکاوک» برای اولین بار روی آنتن رفته بود. یک ساعت برنامه در هفته، در میان هزاران ساعت برنامه رادیویی که به زبان فارسی ساخته و پخش می‌شود، در کنار هزاران وب‌سایت و صدها کانال تلویزیونی، همچون سوزنی بود که در میان انباری از گاه باشد و بخوای او که سوزن را لازم دارد، آن را بیابد. طبیعتاً چنین انتظاری بی‌جا بود. پس باید برای معرفی برنامه تلاش می‌شد.

دوستی پیشنهاد کرد برنامه را به طور کامل روی



۲۱ پرونده هفته / نیما حبیب‌زاده، پروین زرساو

دختری از تبار مازندران، بر بال دانش گفت‌وگو با دکتر مینا دانش، مخترع جوان مونترالی

در دوران تحصیل در تورنتو، به پیشنهاد استاد راهنما تحقیق بر روی طراحی تراشه‌ها با استفاده از فن‌آوری سیلیکون را شروع کردم که هنوز در مقایسه با کارآیی گالیوم در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گرفت. هدف کار من افزایش بهره‌وری در استفاده از ترکیب سیلیکون بود که کمتر کسی به علت پیچیدگی‌های این کار به سمت آن می‌رفت. نتیجه کار فوق‌العاده بود و بسیار مورد تأیید استادان کانادایی و آمریکایی در کنفرانس‌ها قرار گرفت ...

غافل است از حال مرغان مرد خام

صورت آواز مرغ است آن کلام

گروه فنی تارنمای هفته: پیمان سلیمی و شروین برزگر

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: رکسانا آریانا، نیما حبیب‌زاده، تورج عاطف، مهدی عسکری، سیما کاویانفر، پرویز قدیریان، محمد حسن مامطیری، مهرداد معمارزاده طهران، پوریا ناظمی

کارپاکتور است: سیروس یحیی‌آبادی

عکاس: لورین گو و مرجان راهنورد

اخبار مونترال: مهدیه مصطفایی

سینما: آنوسا اخوان

ورزش: بابک سرانی‌آذر و شروین برزگر

سیاست: دکتر کاظم ودیمی

جامعه: فریده خوش‌عاطفه، میترا روشن، حمیده غیاثوند

ناشر: مجله‌ی هفته

سردبیر: خسرو شمیرانی

ویراستار: مهدی مرعشی

مدیر هنری: آتلیه هفته

تحریریه آتاوا: دکتر ماریا صبای مقدم

صفحه‌آرایی: آتلیه هفته

- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

- هفته از همه‌ی علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه‌شمار ورود) نگاه دارید.
- هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

امنیت عزیزان شما در ایران در دست شماست

با **گدار** سانسور اینترنت
در ایران را بی اثر کنید



با استفاده از گدار، آی پی کانادا را به دست آورده و از مزایای آن
برخوردار شوید

- اینترنت آزاد
آزادی اینترنت را همان طور که در آمریکا و اروپا هست تجربه کنید
- تلفن رایگان به آمریکا و کانادا
با استفاده از سرویس هایی مانند گوگل کال، به کانادا و آمریکا رایگان تلفن کنید
- حساب شخصی بی پال
حساب بی پال شخصی خود را گشوده و به راحتی در اینترنت خرید کنید

www.godarnet.com

1-888-568-1247

514-447-9597

Financière
MoneyWise
Financie



ارسال ارز به ایران و
سایر نقاط جهان

مطابق با قوانین و استانداردهای
بانکی بین المللی

514-485-6000

6520 St. Jaques
Montreal, QC H4B 1T6



Currency Exchange & Money Transfer

WESTERN UNION || **MONEY TRANSFER**

دکتر شریف نائینی
جراح دندانپزشک



DDS
دانشگاه تهران ۱۹۷۳

DMD
دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

514-731-1443

5450 Cote des Neiges
Suite 308
Metro: CND

روزهای پنجشنبه و جمعه در کلینیک جدید
Centre Metro Beaubien
544 Beaubien Est
Montreal H2S 1S5





چهارشنبه به کلیسای نوتردام- دنتر در شمال مونترال رفتند تا به سخنان پدر پائولو دال اوگلیو که چند هفته پیش مجبور به ترک سوریه شده بود گوش دهند.

گزارشگر رادیو کانادا در این رابطه نوشته است که حضور آنان در این کلیسا، همچون فراخوانی علیه توطئه جنگ‌های داخلی این چند ماه اخیر در سوریه بود.

قرار دادن مسیحی در برابر مسلمان یا شیعه در برابر سنی، برای حاضران در این گردهم‌آبی، ستاریبی است که توسط مبلغان رژیم طراحی شده است. آنها معتقدند سوری‌ها صدها سال است

انتخابات در پنجمین دوشنبه پس از فرمان انتخابات برگزار می‌شود. در صورتی که دستور در دوشنبه، سه‌شنبه یا چهارشنبه صادر شده باشد و در صورتی که در یک روز دیگر صادر شده باشد، به ششمین دوشنبه موکول خواهد شد. اگر روز رأی‌گیری به یک روز تعطیل بیافتد، انتخابات روز بعد برگزار خواهد شد.

افطار سوری‌ها پس از اذان، در کلیسای مونترالی

حدود ۲۰۰ نفر از مونترالی‌های سوری‌تبار، از مسلمان و مسیحی، روز

تشویق خواهد کرد.» در پاسخ به سؤالی در مورد این اظهارات در یک نشست خبری در جلسه شورای فدراسیون، ژان شاره تعجب خود را پنهان نکرده و پرسید: «او این حرف را گفته؟» و زمانی که از او در مورد صحت مطلب سؤال شد، رهبر لیبرال‌ها با خوشنودی و لبخند اعلام کرد: «نه، با آقای لسار به تازگی صحبت نکرده‌ام، ولی این پیشنهاد مطرح شده، بنابراین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.»

اگر تاریخ ۴ سپتامبر برای رأی‌گیری انتخاب شده، بر اساس قانون انتخابات، فرمان انتخابات باید حداکثر تا چهارشنبه، ۱ اوت به تصویب برسد.

یک وزیر کابینه زمان انتخابات مجلس ملی کبک را اعلام کرد: ۴ سپتامبر ۲۰۱۲

از زمانی که شایعات انتخابات استانی قریب‌الوقوع آغاز شده، این اولین بار است که یک عضو از کابینه ژان شاره Charest، نخست‌وزیر کبک، آشکارا در مورد حضور در پای صندوق‌های رأی صحبت می‌کند.

اوران لسار، وزیر امور شهری در مصاحبه‌ای با یک خبرنگار اعلام کرد: «من فکر می‌کنم که نخست‌وزیر ما را برای شرکت در انتخابات ۴ سپتامبر

Sam Bayat & Associates
A Canadian and International Law Firm

CLS international

Canadian Legal Services

Tel: +514 357 4692 Fax: +514 357 4069
www.ilsgroup.com Email: cls@ilsgroup.com
1470 Peel Street, Suite B-915, Montreal, Quebec, H3A 1T1

دفتر وکالت و مشاوره حقوقی سام بیات

وکیل پایه یک دادگستری کانادا با بیش از هفده سال سابقه در زمینه مهاجرت (با تخصص در مهاجرت سرمایه گذاران، مدیران و صاحبان مشاغل آزاد) و اخذ تابعیت، در شعبه‌های امارات، ایران، کانادا، انگلستان و کویت آماده ی ارائه ی خدمات به ایرانیان عزیز است.

ملل، در طول جنگ یک کودک بوده و ما باید مطابق با قوانین بین‌المللی عمل کنیم، همان‌گونه که از کشورهای دیگر انتظار داریم.»
او افزود: «من نمی‌گویم که او نباید در زندان باقی می‌ماند، اما زمان آن است که او به کانادا بازگردانده شود. او یک

حاوی خبرهای روز از اوضاع کشورشان را در بین مردم توزیع می‌نمایند.
همسر ایرانی تبار پیتر مک کی، خواستار بازگرداندن عمر خضر همسر وزیر دفاع کانادا پیتر مک کی،

دوست بوده و این دو خانواده با یکدیگر مراودات همیشگی داشته‌اند.
چند روز پس از تولد خالد کوچک در خانواده امام، همسر کشیش هم زایمان داشته و نام پسرش را خالد گذاشته است.

پدر پائولو نیز به نوبه خود، از قتل یک امام و یک کشیش در منطقه یمرود سخن گفت، درحالی‌که هر دوی مقتولان برای برقراری آشتی بین دو فرقه‌ای که با هم مشکلات داشتند می‌رفتند. از نظر پدر پائولو، این موارد نشان‌دهنده اتحاد سوریه در حین داشتن تمام تفاوت‌هاست.

این دیدارها با مشارکت انجمن دانشجویان سوریه، شورای سوریه - کانادا و انجمن دموکراتیک سوریه صورت می‌گیرد.

از زمان آغاز شورش در سوریه، مشارکت، سازمان‌دهی رویدادهای مختلفی برای آموزش عموم مردم و به‌خصوص برای افزایش جلسات میان سوریه‌ها در مونترال و جاهای دیگر کانادا را به عهده داشته است.

ماه رمضان نیز فرصت دیگری برای برقراری جلسات و جمع‌آوری کمک‌های مالی است.

فیصل العازم، یکی از برگزارکنندگان، به خبرگزاری رادیو کانادا اعلام کرد که عمل‌کردهای مختلف سازمان‌ها در کانادا این فرصت را پیش آورده که ۱/۵ میلیون دلار جمع‌آوری گردد و با همکاری سازمان حقوق بشر به سوریه فرستاده شود.

برای بازتاب حوادث در سوریه، هر جمعه، اعضای مشارکت تقاطع خیابان Bishop و Sainte-Catherine در مرکز شهر تجمع می‌کنند و برگه‌های

که بدون مشکل با هم زندگی می‌کنند. در همین راستا، این گروه از مونترالی‌ها، برای از بین بردن ترس ناشی از این تقسیم‌ها و تمایزها، دیداری سمبلیک ترتیب داده بودند.

مسلمان و مسیحی، همه سوریه‌ها، برای افطار روز ششم ماه رمضان، در این کلیسا گرد هم آمدند. با غروب آفتاب، صدای اذان در کلیسا پخش شد و زمان افطار اعلام شد.

قبل از صرف شام، پدر پائولو دال اوگلیو Paolo Dall'Oglio و امام خالد البکار Khaled El-Bekkar تاکید کردند که مجامع مختلف سوریه، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.



امام البکار، از خیابانی که در سوریه ساکن آن بوده صحبت کرد و اشاره نمود که در یک سر خیابان، مسجد و در طرف دیگر کلیسا بوده، و پدر او که امام مسجد بوده، با کشیش کلیسا



شهروند کانادایی است و می‌تواند در اینجا محاکمه شود. کانادا حکم او و این را که چه اتفاقی خواهد افتاد، تعیین خواهد کرد.»

خانم افشین جم، چهارشنبه، بر روی صفحه فیس‌بوک خود، این اظهارات را در روزنامه گاردین پذیرفت، اما ابراز تأسف کرد از اینکه خبرنگار او را به عنوان همسر وزیر دفاع معرفی کرده است. او ترجیح می‌داد که خبر روزنامه مبتنی بر ابراز نظر شخصی او می‌بود.

او نوشته: «خبرنگار به وضوح می‌خواسته من را به سمت یک بحث انتقادی از دولت سوق دهد [...] بگذاریم

نازنین افشین جم، خواستار بازگشت عمر خضر به کانادا است. او به مدت ۱۰ سال است که در زندان آمریکا در خلیج گواتانامو به سر می‌برد.

در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین در شارلوت، جزیره پرنس ادوارد، روز چهارشنبه، خانم افشین جم اظهار داشت که مرد جوان ۲۵ ساله که به جرم کشتن یک سرباز ایالات متحده در افغانستان در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۲ زندانی شده است، باید در اسرع وقت به کانادا بازگردانده شود.

فعال حقوق بشر، که دختر شایسته کانادا در سال ۲۰۰۳ نیز هست گفت: «عمر خضر با توجه به تعریف سازمان

مینو اسلامی
مشاور املاک در مونترال بزرگ - مسکونی و تجاری

تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه‌واردان
گام به گام با شما تا پایان قرارداد
ارزیابی رایگان

Minoo Eslami
Real estate broker
Minoo.eslami@century21.ca
Cell: 514-967-5743



Maison de Voyages
House of Travel
آژانس مسافرتی / قرنیز معتمدی

پرواز به ایران و سایر نقاط با بهترین نرخ‌ها
مناسب‌ترین بسته‌های مسافرتی Last Minute

23 years experience in Montreal
Titulaire d'un permis du Québec

farnaz@hot.ca
www.hot.ca

514-842-8000 Ext. 296
1170 Place du Frère André (Square Phillips)
Montréal, Québec, H3B 3C6

دولت‌های کانادا و ایالات متحده، که همه به حقایق و جزئیات این مورد آگاهی دارند، تصمیم‌گیری‌های مناسب را در زمان مناسب انجام دهند.»

دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل کانادا، الکس نو Alex Neve، نیز از اتاوا خواست تا برای بازگرداندن عمر خضر که از اکتبر واجد شرایط بازگشت به کشورش است، اقدام فوری به عمل آورد.

سناتور لیبرال و مدافع سرسخت «کودک سرپازان»، رومنو دالر Roméo Dallaire نیز اخیراً با آن دسته از وکلایی که خواستار بازگشت عمر خضر به وطن هستند، هم‌صدا شده است.

این جوان تورنتویی که اکنون ۲۵ ساله است، ماه اکتبر ۲۰۱۰ از سوی دادگستری نظامی ایالات متحده به پنج مورد جنایات جنگی متهم شده بود، و به هشت سال زندان محکوم گردید.

دولت محافظه‌کار که همیشه از درخواست بازگشت تورنتویی جوان خودداری کرده، در سال‌های اخیر نظر خود را تعدیل کرده است. در یادداشت مورخ اکتبر ۲۰۱۰، سفارت کانادا در ایالات متحده گفت که این کشور «مایل به مطلوب در نظر گرفتن هرگونه درخواست برای عمر خضر است.»

اجرای حکم دادگاه مبنی بر بازگشت عمر خضر به وطن در بهار گذشته مطرح شده بود.

علاوه بر این، در هفته گذشته، وزیر امنیت عمومی، ویک توز Vic Toews، گفت قبل از درخواست بازگشت به کشور اطلاعات بیشتری در مورد مشخصات روانی عمر خضر خواسته‌اند.

وزیر فدرال Toews گفت: به همین دلیل پرونده برای درخواست انتقال از

زندان آمریکا در گوانتانامو، در اتاوا کند صورت گرفته است.

رکود نرخ تبهکاری در کانادا

بر اساس گزارش رسمی مرکز آمار کانادا، سال ۲۰۱۱، امن‌ترین سال کانادا در طول ۴۰ سال گذشته بوده است. بر اساس این گزارش در سال گذشته، کمترین گزارش جرم و جنایت در ۴۰ سال گذشته، به پلیس اعلام شده است.

در سال ۲۰۱۱، دو میلیون گزارش و درخواست سرویس به پلیس کانادا اعلام گردیده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۰ کاهشی معادل ۱۱۰۰۰۰ گزارش داشته است. بر همین اساس شدت جرم‌های صورت‌گرفته نیز کاهشی معادل ۶ درصد داشته، بدین معنی که جرم‌های جدی نیز در سال گذشته کاهش چشم‌گیری داشته است. بر اساس مطالعات صورت‌پذیرفته، این هشتمین کاهش متوالی آمار جرم و جنایت در کانادا بوده است. با وجود این‌که این آمار در سال ۱۹۹۱ در اوج خود قرار داشت، از سال ۱۹۷۲ تا کنون، آمار جرم و جنایت در حداقل خود قرار گرفته است.

این یک واقعیت است، اگرچه در سال گذشته جرایمی همچون قتل، آزار جنسی کودکان و مواد مخدر در قیاس با سال ۲۰۱۰ افزایش یافته و ۴۴ مورد بیشتر از سال گذشته گزارش گردیده است و این آمار در سال ۲۰۱۱ به ۵۹۸ مورد رسیده است.

بر اساس گزارش ایرانتو، در نقاط مختلف کانادا، نرخ جرم و جنایت و شاخص آن کاهش یافته یا از ثبات

برخوردار بوده است. به طور کلی، ساکنان استان‌های غربی در مقایسه با استان‌های شرقی کانادا شاهد میزان جرم و جنایت بیشتری بوده‌اند.

بر اساس این گزارش، اگر چه این روزها انتاریو شاهد وقوع جرم در این استان است، در سال گذشته، ساکنان سرزمین‌های شمال غربی و اونتاریو، جرم و جنایت کمتری را به پلیس گزارش نموده‌اند. / منبع ایرانتو

سهام استان بریتیش کلمبیا از لوله نفت

دولت استان بریتیش کلمبیا قصد دارد مذاکراتش را در ارتباط سهم بردن از پروژه جدید خط لوله Enbridge شمالی آغاز کند و این سود عایدشده، جزئی از پنج شرطی باشد که در ایجاد خط لوله‌های جدید نیاز است تا موافقت آن استان به دست آید.

وزیر محیط زیست، Terry Lake، گفت در شرایط کنونی درحالی‌که احتمال خطرات دریایی برای ترمینال بندر و ترافیک نفت‌کش در ساحل غربی ۱۰۰ درصد و خطرات زمینی تهدیدکننده برای خط لوله احتمالی بالغ بر ۵۸ درصد است، سود عایدی از درآمد این خط لوله برای بریتیش کلمبیا فقط ۸ درصد است.

وی روز دوشنبه در ونکوور خاطرنشان کرد که ما احساس نمی‌کنیم سود درآمد خط لوله به طور مناسبی تقسیم شده است. استان ما در پی مذاکرات مجدد با دولت فدرال است و رقمی برای عایدی این سود لحاظ نکرده است. همچنین وقتی از آقای Lake پرسیده شد: آیا اگر دولت فدرال مجوز احداث خط را داده باشد، دولت

بریتیش کلمبیا می‌تواند آن را متوقف کند، وی پاسخ داد: بیش از ۶۰ درصد از مجوز لازم برای پیشروی پروژه توسط این استان باید صادر گردد.

آقای Lake گفت: بریتیش کلمبیا هم‌اکنون اطلاعات ناکارآمدی در مورد خط لوله Enbridge در دست دارد. همچنین استان ما قصد دارد حقوق خود را در کسب اطلاعات از Enbridge در مورد خط لوله پیشنهادی، در نشست آتی دولت فدرال بررسی کند.

بر اساس گزارش ایرانتو، خانم Mary Polak گفت: من از بومیان کانادا که از پروژه پشتیبانی می‌کردند آگاهی نداشتم و استان وظیفه داشت که در این ارتباط با بومیان کانادا مشورت می‌کرد.

آقایان Terry Lake و Mary Polak موضع جدید دولت را در مورد پروژه خط لوله سنگین نفت در روز دوشنبه در ونکوور بررسی نمودند.

خانم Polak گفت ما بر این باور هستیم که سهم بومیان در خط لوله بزرگ و اصلی باید مشخص گردد. همچنین بررسی‌هایی برای محافظت در برابر صدمات زیست محیطی حاصله از آن، باید انجام گردد.

در جایی دیگر نخست‌وزیر استان آلبرتا، Alison Redford، طی یک سخنرانی کوتاه از بریتیش کلمبیا خواست تا همکاری بیشتری تحت عنوان ضرورت ملی با هم داشته باشند و این همکاری را به نفع اقتصاد کانادا دانست.

همچنین Alison Redford اظهار داشت، پیشگامی و مدیریت این نیست که استانی فدای استان دیگر گردد، بلکه مدیریت و رهبری، در همکاری و مشارکت است / منبع: ایرانتو

محضر دار کبک و دانش‌آموخته حقوق از ایران
مشاور حقوقی و همراه هم‌میهنان

خدمات ما برای شما

تایید امضا	توافق نامه رسمی جدایی	وصیت نامه
رونوشت برابر اصل	امور مهاجرت	وکالت نامه
حقوق خانواده	امور املاک، خرید و فروش، اجاره‌نامه	امور ارث
و دیگر خدمات حقوقی	تیت و امور شرکتها	ازدواج رسمی

www.MonaSalehiNotaire.com
514-903-8560 3859 Décarie, Montréal, QC, H4A 3J6

مونا صالحی
سر دفتر اسناد رسمی
Notaire-Notary

اخبار جامعه افغان و ایرانی مونترال



ایرانی علاقه‌مند شرکت کردند. این برنامه با عنوان نشست پرسش و پاسخ با امیر خدیر، قرار بود به این سؤال بپردازد که: «در یک جامعه‌ی دموکراتیک و قانون‌مند، نافرمانی مدنی تا چه اندازه مجاز است؟»

پیش‌زمینه این نشست در اعلامیه‌ی آن چنین توضیح داده شده بود: «بیش از چهار ماه پیش، حرکت اعتراضی دانشجویان کبک به افزایش شهریه‌ها آغاز شد که همچنان ادامه دارد. در همین رابطه، در ماه مه ۲۰۱۲، «قانون ۷۸» توسط دولت کبک به تصویب رسید که به نظر گروه بزرگی از حقوق‌دانان، حق آزادی اجتماعات را محدود کرده و از این زاویه با متمم قانون اساسی کانادا، منشور حقوق و آزادی‌ها، در تضاد است. دکتر امیر خدیر که مخالف تصویب این قانون بود، به نافرمانی مدنی و عدم رعایت آن دعوت کرد.»

این اعلامیه در ادامه نوشته بود: «فراخوان آقای خدیر به عدم رعایت قانون ۷۸ و تلاش‌های عملی وی در این راستا، محور نشست پرسش و پاسخ با اعضای جامعه ایرانی مونترال است.»

انجمن زنان ایرانی مونترال، مرکز فرهنگی مکیک، کافه لیت، فرهنگسرای سینا و نشریه هفته، دعوت‌کنندگان به این جلسه بودند و مدیریت آن را آقای علی پاک‌نژاد به عهده داشت.

در این جلسه که به منظور بحث و گفت‌وگوی پیرامون لزوم یا عدم لزوم نافرمانی مدنی در جوامع آزاد، برنامه‌ریزی شده بود، دکتر خدیر به شرحی از کاستی‌های نظام سرمایه‌داری، فسادهای مالی و کمبود نظام سامان‌یافته‌ای به منظور اعمال عادلانه‌ی مالیات بر درآمد پرداخت.

این فعال سیاسی چپ‌گرا و نماینده مجلس، طی سخنرانی خود بر فساد مالی در نظام سیاسی کبک تأکید کرد و گفت: این فساد به حدی است که یک



امیر خدیر در نشست بررسی موضوع نافرمانی مدنی در کانادا گزارشی از هفته

پنج مرکز فرهنگی و اجتماعی مونترالی، دکتر امیر خدیر، نماینده مجلس ملی کبک و سخن‌گوی حزب هم‌بستگی کبک، در فرهنگسرای سینا سخنرانی کرد. در این برنامه که با چند دقیقه تأخیر نسبت به زمان اعلام‌شده، ساعت ۱۸:۳۰، شروع شد نزدیک به صد تن

روز پنج‌شنبه، ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۲، به دعوت

دکوراسیون و طراحی داخلی منزل و محل کار (رستوران، کافی شاپ،...)



Deco Design
Mitra Moini
Interior Designer
514-784-0257

- انتخاب رنگ مناسب برای کاربرد بهینه محیط
- امکانات تغییر در نقشه فعلی و طراحی مناسب با نیازهای شما در منزل و محیط کار
- طراحی و ساخت مبلمان و وسایل مناسب برای فضاهای کوچک و بزرگ
- انواع نقشه‌های ۲ بعدی و ۳ بعدی و پرسپکتیو با اتو کد (کامپیوتر)

مشاور املاک در مونترال بزرگ و حومه

Masoud Nasr

Courtier immobilier Agréé
Chartered Real Estate Broker

- Cell : (514)571-6592
- office: (514)769-7010
- Fax: (514)769-7030
- 38 Place du Commerce #280
île des soeurs, Verdun, Qc H3E 1T8
- email: mnasr@sutton.com



www.masoudnasr.com



پس از بررسی برخی از کاستی‌های نظام سرمایه‌داری، خدیر راه حل مشکلات مالی نظام آموزش عالی را در راه‌کارهای دیگری غیر از افزایش هزینه تحصیل دانشجویان عنوان کرد.

تنها نماینده حزب «همبستگی کبک» در مجلس، که از حامیان نافرمانی مدنی آرام و بدون خشونت است، در پی حمایت خود از جنبش دانشجویی کبک، خشونت اعمال‌شده از طرف دانشجویان را چشم‌گیر ندانست و اشاره کرد، به شکستن چند شیشه بانک. به نظر سخنران، «این خشونت پلیس است که باید مورد انتقاد قرار گیرد.»

امیر خدیر همچنین از فرصت بهره برد و درباره گسترش نفوذ حزب همبستگی کبک در چند سال اخیر و به‌ویژه از آغاز جنبش دانشجویی به این سوی صحبت کرد و آماری ارائه داد که بر مبنای آن تعداد اعضای حزب متبوع وی از بنیان‌گذاری تاکنون، تقریباً دو برابر و بیشتر شده و از سرعت گسترش حزب خود ابراز خشنودی کرد.

هرچند که عنوان این نشست، حکایت از بحث و تحلیل این نکته بود که آیا نافرمانی مدنی در جوامع آزاد، روشی مناسب به منظور پیشبرد اهداف فوق است یا نه، این مسأله در این نشست کمتر مورد تحلیل قرار گرفت. ■ گزارش از هفته



در ادامه گفت که، در این کمیسیون ژاک دوشنو، رئیس پلیس سابق کبک به نتیجه تحقیقات تکان‌دهنده خود مبنی بر وجود روند گسترده‌ای از بی‌عدالتی و فساد در شیوه به مناقصه گذاشتن قراردادهای اشاره کرده است.

امیر خدیر ادامه داد که، نظام سرمایه‌داری فعلی همچنان در سطح جهانی به راهکاری دست نیافته، یا تلاشی به این منظور نکرده که بر درآمد حاصل از سرمایه‌های اندوخته‌شده در پناهگاه‌های مالیاتی بین‌المللی مالیات اعمال کند.

کمیسیون به نام «کمیسیون شاربونو» قراردادهای دولتی با شرکت‌های راه و به منظور رسیدگی به شیوه توزیع ساختمان‌سازی تشکیل شده است. او



منشور جهانی حقوق بشر / ماده ۱۰

هر کس حق دارد در تصمیمات مربوط به حقوق و تعهدات خود یا هر اتهام جزایی که به او وارد شود با تساوی کامل از رسیدگی منصفانه و علنی در دادگاهی مستقل و بی طرف برخوردار باشد.



تصویر برگرفته از: سایت مردمک

خبر گذاری هرانا: صفیه غفوری زن ۲۸ ساله بی پناه شیرازی که از سال ۱۳۸۵ به اتهام قتل در زندان شیراز محبوس بود و در حالیکه حکم اعدام ایشان از سوی دیوان عالی کشور مردود اعلام شده بود با اصرار، فرماندار و دادستان شیراز و همچنین توصیه امام جمعه بیرم از توابع شیراز، اعدام شد. گفتنی است که صفیه قبلاً به وکیل خود گفته بود؛ قاتل اصلی پسر امام جمعه بیرم بوده و او بازپچه این شخص قرار گرفته است. صفیه همچنین اعلام کرده بود که در زندان توسط رییس زندان، دادستان، و امام جمعه بیرم و بسیاری دیگر مورد تجاوز قرار گرفته بطوریکه پچه ۴ ماهه خود را سقط کرده است.

با امید به صلح پایدار،
انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران-مونترال

www.addhi.org
e-mail: info@humanrightsiniran-montreal.org

تقویم رخدادهای جامعه ایرانی در مونترال

از پنجشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۱ / ۲ اوت ۲۰۱۲

برای درج برنامه‌های خود در «تقویم هفته» اطلاعات مربوطه را به آدرس montreal@hafteh.ca ای میل کنید

		۳ آگوست
		فلسفه زیبا شناسی کانت زاگرس /رضا داودی
		18:00 Fri Agu.03.2012 1396 Ste-Catherine W #309
		۱۰ آگوست
		سناریوهای واقعی پایان دنیا زاگرس /پوریا ناظمی
		18:00 Fri Agu.10.2012 1396 Ste-Catherine W #309
		۱۷ آگوست
		اهمیت فلسفه در اسلام زاگرس /احمد عادل
		18:00 Fri Agu.17.2012 1396 Ste-Catherine W #309
		۱۹ آگوست
		خاطرات محله های مونترال کافه خاطره /مهدی غفوری
		13:00.Sat.Agu.19.2012 Saint Zotique Saint Lawrence/
		۳۱ آگوست
		فلسفه ریاضی زاگرس /حسین مهدیزاده
		18:00-Fri.Agu.31.2012 1396 Ste-Catherine W #309



کمپ کلاه قرمزی، تلاشی برای پاسخ‌گویی به یک نیاز گزارش و دیدگاه یکی از مریبان کمپ تابستانی «کلاه قرمزی»

■ نفیسه حسینی



PROFUSION
IMMOBILIER

\$ 1 598,000

The Bizard
واحد ۳ خوابی در بهترین منطقه با بیش از 2000 sq. ft. قابل خوابی، ۲۰۱ متریوس، پودمانتی، اسکن مینا، خانگی، ۲۲ اتاق خواب، استخر، سرویس و ...

\$ 199,500

Kirkland
واحد ۲ خوابی، ۱۷۰ متر مربع، کلر، زمین ۱/۴، ۳۷ اتاق خواب، پودمانتی، سرویس، ۲۰۱ متریوس، سرویس، ۲۲ اتاق خواب، استخر، سرویس و ...

مشاور املاک مسکونی و تجاری
مریم خانی
Maryam Khaleghi
Real Estate Broker
514.983.5415

حمید صدیق کاغذچی
Hamid Sedigh Kaghazchi
Real Estate Broker
514.928.5415

1361, avenue Greene
Westmount (Qc) H3Z 2A5
T 514.935.3337
F 514.935.3303
www.profusionimmo.ca
mkhaleghi@profusionimmo.ca
hsedigh@profusionimmo.ca

ASSOCIATE OF
CHRISTIE'S
INTERNATIONAL REAL ESTATE

WHAT YOU WANT TO
LUXURY
REAL ESTATE

بچه‌ها شعر «زیبا زیبا زیبایی ای ایران» و صبح را با یک آهنگ نرمش شاد و پرتحرک شروع می‌کنیم که بچه‌ها و مربی‌ها را سر حال می‌آورد. جالب است که هر روز بچه‌ها خودشان حرکت‌ها و جاشنی‌هایی به این فعالیت اضافه می‌کنند. توجه به اصل فراهم کردن زمینه خلاقیت و شکوفایی بچه‌ها، در رأس اهداف و اساس کار ماست. مطمئن هستیم که اگر محیط این قدر صمیمانه و پذیرا نمی‌بود، این فرصت برای بچه‌ها به وجود نمی‌آمد که در طرح و اجرای برنامه‌ها مشارکت کنند و با خلاقیت‌های خود برنامه‌های کمپ را شیرین‌تر و پرهیجان‌تر نمایند.

هر روز بعد از تمام شدن ورزش، بچه‌ها شعر کوتاه دلنشینی می‌خوانند که دعایی کودکانه است: با این دو دست کوچکم، دست می‌برم پیش خدا... دعا برای مادرم، دعا به شادی بابا... هدف ما برقراری توازن در برنامه‌های کمپ، برای تقویت همه‌جانبه توان فیزیکی و ذهنی بچه‌هاست و باور داریم که نیازهای معنوی کودکان نیز باید همچون نیازهای دیگر آنها مورد توجه قرار بگیرد. بعد از این دعاگونه

صبح شده و من تند تند مشغول آماده شدن برای رفتن به کمپ کلاه قرمزی هستم. هر روز یک «کلاه قرمزی» زودتر از همه با مادر باردارش از راه می‌رسد و نمی‌خواهم مبادا پشت در بماند. تلفن زنگ می‌زند. مادر همان کلاه قرمزی سحرخیز من است. می‌خواست به من اطلاع بدهد که در صف آزمایشگاه است و امروز دیرتر می‌آید. خیلی لطف کرده بود. خبر داد تا من زمان بیشتری برای خودم داشته باشم. خوب، دیگر لازم نیست عجله کنم. می‌توانم با فرصت بیشتری به صبحانه دادن به دخترم برسم. با خودم فکر می‌کنم چه خوب است که این رابطه دوستانه بین ما به وجود آمده که بالاتر از یک رابطه معمولی بین والدین و مربی‌ها است. اگر هم وطن نمی‌بودیم و تنها آشنایی مان به همین یکی دو هفته محدود می‌شد، نمی‌توانستیم این قدر با هم راحت و صمیمانه برخورد کنیم.

به مدرسه که می‌روم، اول در و پنجره‌ها را باز می‌کنم تا بچه‌ها که می‌آیند هوای تازه استنشاق کنند. کمپ «کلاه قرمزی‌ها» از راه می‌رسند

قصه‌گویی در مکان‌های مختلف با اشکال و شیوه‌های مختلفی برگزار می‌شود تا همیشه برای بچه‌ها جذابیت خودش را حفظ کند. درست کردن کاردستی‌های مرتبط با این قصه‌ها، بخشی است که بسیار زیاد مورد استقبال بچه‌ها قرار گرفته است.

اساطیر ایرانی و داستان‌های شاهنامه برای بچه‌ها جالب است و وقتی می‌بینند پهلوان‌های قوی و انسان‌های دانا در داستان‌های شاهنامه داریم، خیلی خوشحال می‌شوند. عموماً بعد از داستانی که شنیده‌اند نقاشی می‌کشند و هر کدام آنها بخشی را که در ذهنش بهتر ماندگار شده، می‌کشد، یا با لوازمی که در اختیار دارد کولاژ می‌کند. اکنون همه بچه‌های ما داستان زال و سیمرغ را به خوبی می‌دانند. آنها این داستان را شنیده‌اند و نمایش آن را بازی کرده‌اند و کاردستی‌های مختلفی با آن درست کرده‌اند. یک نوبت در هفته داستان‌های پیامبران هم به همین طریق برای آنان بازگو شده است.

سه‌شنبه‌ها همه با هم با «پرواز کلاه‌قرمزی» به ایران می‌رویم و هر هفته یک شهر بزرگ ایران و دانستنی‌های آن را با هم به تماشا می‌نشینیم. می‌خواهیم بچه‌های ما با دماوند، درکه، شمال، ماسوله، مشهد، تبریز، تخت جمشید، خلیج فارس، کلوچه شمال، سی و سه



صحبت کردن فارسی، هم افزودن دایره لغات و هم کاربرد اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های ایرانی، ضمن آشنایی با آداب و رسوم و سایر مسائل فرهنگی. فعالیت

کاری را انجام دهند که به آن علاقه دارند. مثلاً اگر نوبت سفال است و کسی به هر دلیلی دوست ندارد سفال بسازد، می‌تواند هر کار دیگری که دوست دارد انجام دهد و مربی دیگری فقط او را همراهی می‌کند. البته این برای ما آسان نیست و از مربی وقت زیادی می‌گیرد. با این وجود اولویت ما خوشحالی و موفقیت بچه‌هاست. ضمناً در این خصوص نوجوانان کمپ کمک فوق‌العاده‌ای به ما می‌دهند. بچه‌ها دوست دارند با گروه سنی بزرگ‌تر از خود بازی کنند و در عین حال دوست دارند که از آنها یاد بگیرند. اینجا نوجوانان ما فرصت تمرین مسئولیت‌پذیری و کار در محیط واقعی را پیدا می‌کنند، و برای خودشان نیز فرصت مناسبی برای بازی و با هم بودن در اوقات فراغت تابستان فراهم شده است. کمپ کلاه‌قرمزی در محیطی سالم، آشنا و امن، امکان فراگیری و تمرین مسئولیت‌های مختلف را برای نوجوانان فراهم آورده است.

هر روز بخشی از برنامه بچه‌ها به بازگو کردن قصه کتاب‌هایی می‌گذرد که روز گذشته به خانه برده‌اند. بعد مربی نقش‌های قصه را بین بچه‌ها تقسیم نموده و با هم نمایش کوتاهی را اجرا می‌کنند. این بازگویی قصه‌ها چند هدف را با هم برآورده می‌کند؛ هم تمرین



www.imeris.ca

IMERIS

Agence hypothécaire

Tel.: (514) 606.5626

behrooz@babakhani.ca

بهروز آقاباخانی

مشاور رسمی وام مسکن



- وام برای افراد خوداشتغال
- وام مسکن برای تازه واردین به کانادا
- تمدید و تجدید وام با پایین ترین نرخ موجود


VOYAGES SKY LAWN TRAVEL
آژانس مسافرتی اسکای لان
 بهترین نرخ های بلیط به ایران و از ایران به سایر نقاط جهان



www.skylawn.net
Tel: 514-388-1588
Fax: 514-388-2815
433 Chabanel Ouest,
Suite 111
Montréal, P.Q. Canada
H2N 2J3

یاسمین
Cell: 514-594-0344
yasmeentali@yahoo.ca

شادی
Cell: 514-660-7135
shadim.sky@gmail.com

مدرسه فردوسی مونترال
بایش از ۲۰ سال سابقه کار
ارائه می کند:

کلاس های تک درس ریاضی، فیزیک و شیمی
توسط دبیران مجرب، رسمی و با سابقه
با شهریه بسیار مناسب

ثبت نام در مقطع ابتدایی و راهنمایی

با کارنامه رسمی مورد قبول وزارت آموزش و پرورش

7085, Cote-Des-Neiges
Montreal, Qc H3R 2M1
514-962 3565
mad.dolatiyeferdosi@gmail.com

پل و ارگ بم و بیستون مانوس باشند، تا وقتی خاطره ای از جنگل های شمال و زیبایی های جنوب و شیشلیک های شاندیز یا شاهتوت های دربند می گوئیم، بدانند درباره چه چیز صحبت می کنیم. اگر کسی می پرسد که آیا در ایران برف می بارد کوه های بلند و شهرهای پربرف پادشان بیاید و اگر کسی از آنها پرسید که آیا ایر کشوری تمام گرم و خشک است، از دریا و زیبایی های شمال برایش بگویند. گاهی وقت ها زمانی دست می دهد که بعضی از بچه ها دوست دارند خارج از برنامه ای که برایشان فراهم شده با هم وقت بگذرانند. ما امکانات این بازی آزاد را هم در اختیارشان قرار می دهیم.

آب بازی در پارک یا در محل کمپ، یکی از بازی های پرطرفدار است که گرمای تابستان را برای مری ها و بچه ها دلپذیر کرده است، به خصوص که در انتها همیشه با یخک پذیری می شود! بازی ها اساساً توانایی های بسیاری را در بچه ها تقویت می کند و ما در حد توان هر زحمتی را برای فراهم آوردن زمینه لازم برای تقویت مهارت های اجتماعی و فردی بچه ها در قالب بازی به جان می خریم. برای بچه ها بازی های ایرانی و بازی در فضای باز، بخش خوبی از برنامه های روزمره را به خود اختصاص داده است. فراگیری بازی های ایرانی مثل آموزش نجرباف، وسطی، استپ هوایی، دستش ده، شنبه یکشنبه و مانند اینها، برای بچه ها خیلی هیجان انگیز است و همکاری خوبی برای اجرای آنها با مری های خود دارند. شاید رابطه دوستانه ای که بچه ها با مری ها توانسته اند در مدت کوتاهی برقرار کنند، مربوط به توان مری ها در سهم شدن در بازی های بچه ها و شور و هیجان بخشیدن به آنها بوده است.

«آشپزی»، عنوانی است که ما برای بخشی از برنامه مان در نظر گرفته ایم که به آموزش انواع خوراکی ها، اسامی و فواید آنها اختصاص دارد و ضمناً بچه ها را با ابتکار و خلاقیت هم آشنا می کند و اشتیاقشان را هم باز می کند!

برای اینکه بچه ها بتوانند بعد از پایان کمپ و شروع مدارس خود بازدهی بالایی داشته باشند، تمرین های ریاضی و فرانسه در برنامه روزانه آنها قرار می گیرد. در این راستا از داوطلبان کالج فرانسیز هم دعوت شد، تا چند جلسه برای بچه ها کتاب خوانی و قصه گویی به زبان فرانسه، در محل کمپ داشته باشند. روزهای چهارشنبه برنامه با حضور در پارک شروع می شود و با روزهای دیگر متفاوت است.

فضای شاد صبح های چهارشنبه و آب بازی و تاب و سرسره و قایم باشک در پارک، همیشه به مری ها و کلاه قرمزی ها انرژی فراوانی می دهد. در روزهای چهارشنبه ناهار را در فضای آزاد می خوریم و بعد خندان و پرانرژی به کمپ برمی گردیم، چون معلم های خوب سفال گری و نقاشی با آبرنگ منتظر ما هستند. علاقه بچه ها به کار با سفال برای همه ما و خانواده ها شگفت انگیز و جالب است. بچه ها هر هفته یک کار کوچک با سفال درست می کنند. خاک رس را که در دستان کوچک شان می بینیم و تلاشی که برای شکل دادن به آن می کنند، برایمان خاطره انگیز است. هنر سفال گری و خلاقیت درست کردن چیزهایی که به ذهنشان می رسد، لحظات خوبی را برای همه ما رقم می زند.

در اولین جلسه سفال گری یکی از بچه ها به من گفت، خاله من با خمیر هم می توانم این را درست کنم. گفتم حالا با سفال هم یاد بگیر و ببین چه فرقی با هم دارند. همان کلاه قرمزی ساعت آخر، وقتی گلدانی را که درست کرده بود، به من و مری سفال گری نشان می داد گفت: کار با سفال خیلی خوب بود. من تا حالا نمی دانستم که می شود با خاک هم این چیزها را درست کرد.

در کلاس آبرنگ بچه ها بعد از تماشای مناظر زیبایی از ایران که معلم آبرنگ برایشان آماده نموده، آموزش می بینند که چگونه از روی آن عکسی که دیده اند نقاشی کنند. مری آبرنگ برای همه توضیحات قشنگی درباره تصاویر می دهد. دفعه قبل نقاشی های بچه ها که نمای زیبایی از سی و سه پل در شب بود، تحسین هم را برانگیخت.

یکی از مسائلی که در کمپ با آن مواجه شدیم، سطوح مختلف توانایی کلاه قرمزی ها در خصوص زبان است. برخی از کلاه قرمزی ها تازه از ایران آمده اند و زبان فارسی را به خوبی می دانند و در کنار آنها بعضی ها با فارسی دست و پا شکسته، تسلط کاملی به زبان های فرانسه یا انگلیسی دارند. در مواردی کمپ در عمل، محیطی سه زبانه بوده چون مثلاً وقتی از بچه ها اسم یک حیوان پرسیده شده، بعضی ها

از نوجوان‌هایی که اشتراکشان با پدر و مادر و نسل قبل از آنها رو به کاهش می‌رود؛ از نسلی که هر یک کمتر و کمتر از ایران می‌داند و مثل درختی که آکنده باشمیش، دچار تناقضات هویتی می‌شود.

ما بچه‌ها را به خارج از کشور می‌آوریم، اما شرایط و محیطی برای آنها فراهم نمی‌کنیم که با اصل، ریشه و هویت خود مرتبط بمانند. این ارتباط به خاطر خودشان خوب است نه صرفاً به دلیل ما. ارتباط با این ریشه غنی باعث تقویت اعتماد به نفس بچه‌ها می‌شود و به بالندگی آنها و مشارکت موفق‌تر و غنا بخشیدن به محیط‌های غیرایرانی که در آن هستند کمک می‌کند.

نمی‌دانم تا به حال پیش آمده نگران این باشید که اگر در ظرف غذایان را باز کنید و همکاران یا همکلاسی‌هایتان یک بقچه تقریباً سیاه ببینند که بوی خاصی هم دارد، چه خواهند گفت، و درباره شما چه فکر می‌کنند، وقتی که می‌خواهید این بقچه یا همان دل‌ما را با ولع تمام ببلعید؟ بچه‌ها در محیط‌های خارجی نگرانی‌های زیادی از این دست دارند. مثلاً استرس به خاطر لهجه حرف زدن والدین‌شان یا مسائلی که بعضاً سلامتی‌شان را به خطر می‌اندازد و ممکن است که کسی اصلاً خبردار نشود. در محیط کمپ که همه ایرانی هستند هیچ بچه‌ای این نگرانی‌ها را ندارد که دیگران درباره لباس پوشیدن، غذا خوردن و حرف زدن او و خانواده اش چه واکنشی نشان می‌دهند. حداقل کاری که این محیط ایرانی برای بچه‌ها انجام می‌دهد، این است که باعث می‌شود فرد اعتماد به نفس را تقویت کند و بتواند از این اعتماد به نفس و مهارت‌هایی که در محیط بی‌استرس به دست آورده، در محیط خارجی استفاده کند.

ما با دست خالی این کمپ را برپا کردیم و بدون امید کمک از جایی شروع کردیم. این اولین تجربه ما در برگزاری کمپ تابستانی برای بچه‌های ایرانی بود و مسلماً نمی‌تواند بی‌کم و کاست باشد.

ماهیت کمپ تابستانی مشکلات خاص خودش را در پی دارد، از جمله اینکه در مدت زمان کوتاه باید بچه‌ها و خانواده‌ها و نیازها و انتظارات آنها را شناخت و بر اساس آن عمل کرد و مدام شرایط را با نیازهای جدید منطبق کرد. بسیاری از برنامه‌ها که قبلاً تدارک دیده شده ممکن است هرگز زمینه اجرا شدن برای آنها فراهم نیاید، یا برعکس، نیاز به انجام کارهایی باشد که قبلاً تدارک دیده نشده‌اند. بعضی از مشکلات ما مربوط به محل و مسائل مخصوص آن بود. علاوه بر آن، منابع مالی و منابع انسانی، مهم‌ترین نیازهای کمپ بودند که تمام تلاشمان در برنامه‌ریزی بر اساس شرایط موجود صورت گرفت.

با وجود همه مشکلات، ما اهداف کمپ را در طول سال تحصیلی با تمام توان دنبال می‌کنیم و از همه می‌خواهیم که سهمی در این مهم داشته باشند.

ما دست کمک به سوی همه کسانی دراز می‌کنیم که به نوعی می‌توانند در برگزاری کلاس‌های هنری آموزشی و ورزشی برای بچه‌های ایرانی کمک کنند. بچه‌های ایرانی به نوبه خود آینده همه ما در این کشور را رقم می‌زنند. اگر امروز قدمی برای این بزرگ‌ترین



رو بگی؟ این سؤال او مرا به فکر فرو برد. بچه‌ها از داشتن دوستان ایرانی بسیار خوشحال‌اند و با آنها احساس راحتی می‌کنند و مدام اصرار دارند که مربی‌ها و دوستان خود را به خانه دعوت کنند. امیدواریم که این دوستی‌ها که در کمپ پی‌ریزی شده، آن را به فرانسه می‌دانسته‌اند و یکی فقط به انگلیسی و نفر سوم به فارسی، اما بعد به سه زبان این اسم را یاد گرفته‌اند. خاطره‌ای که من هرگز فراموش نمی‌کنم این است که یک روز در کمپ، جشن تولد یکی از بچه‌ها بود و همه مشغول کمک کردن برای برپایی این



تداوم داشته باشد، چون داشتن دوستانی که فرهنگ و خانواده‌های مشابهی دارند برای بچه‌ها لازم است. ایده تشکیل این کمپ در واقع برگرفته از نیازی است که همه ما آن را حس می‌کنیم و هرچا که فرصتی دست می‌دهد از آن صحبت می‌کنیم و بعضاً می‌نالیم

جشن بودند. یکی از بچه‌ها از من پرسید که چه کاری می‌تواند انجام دهد و من به او گفتم که برو و به محمود کمک کن. او حرف من را به طرز سؤالی تکرار کرد و من متوجه نشدم که کدام قسمت برای او نامفهوم هست. تا اینکه پرسید: محمود؟ می‌شه انگلیسی‌اش



آتوسا تنگستانی فر

مشاور شما در امور وام مسکن

514-995-3041



- دریافت بهترین نرخ بهره از بانک‌های معتبر
- وام مسکن برای افراد خوداشتغال
- وام مسکن برای تازه واردان به کانادا
- کاهش نرخ کنونی شما به پایین ترین نرخ موجود
- پرداخت بدهی‌ها از طریق ارزش افزوده‌ی مسکن

245 Victoria Ave, Suite 525 Westmount
Qc H3Z 2M6



Atosa_ta@yahoo.com

فیروز همتیان

مشاور املاک و مستغلات

- ◆ در مونتreal و South Shore
- ◆ مسکونی و تجاری
- ◆ ارزیابی رایگان- تهیه وام مسکن

Firouz hemmatian
Chartered Real Estate Broker

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

Fax: (514) 364-3649

9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.



رمز موفقیت در دنیای دوم سلف هیپنوتیزم



- رسیدن به خودشناسی کامل
- فراگیری کامل تمرکز فکر
- کنترل بر تمام افکار پراکنده
- فراگیری کامل ریلکس کردن
- تسلط کامل بر تمام حالات منفی از قبیل هیجان، اضطراب، دلشوره و نگرانی و...
- به وجود آوردن یک اعتماد به نفس کامل
- قاطع بودن برای تصمیم‌گیری
- فراگیری بوجود آوردن آرامش در نهایت خشم
- یادگیری اینکه چطور شبها به راحتی بخواب برویم
- فراگیری اینکه زندگی آنطور که هست از آن لذت ببریم و به آرامش‌های درونی دسترسی پیدا کنیم

با گذراندن این پدیده نوین شما می‌توانید به کلیه
آرمان‌های زندگی خود براحتی دسترسی یابید.

Ali Salimi Tel: 514.347.4353

Fax: 450.689.1051 Email: ga_salimi@hotmail.com
1140 Jean Talon E #306 Montreal H2R 1V9



سرمایه خود برنداریم، فردا آنان را به نوعی از دست داده‌ایم، ضمن این‌که کل جامعه ایرانی از منافع این اقدام بهره‌مند خواهد شد. بچه‌هایی که تازه آمده‌اند نیاز به یک محیط ایرانی دارند که برایشان پذیرش شرایط جدید را آسان‌تر کند و مانع از احساس انزوا و شوکه شدن آنها در محیط خارجی شود. از سوی دیگر، بچه‌هایی که مدت طولانی در کانادا بوده‌اند، حالا از یادگیری زبان و بازی‌ها و قصه‌های ایرانی لذت می‌برند و به غنی کردن مهارت‌هایشان در فارسی می‌پردازند و این به برقراری ارتباط آنها با اقوام ایرانی‌شان کمک مؤثری می‌کند.

هنرمندان ایرانی امکان بیشتری برای آموزش دادن به بچه‌های ایرانی خواهند



یافت و اگر این محیط گسترده شود، کتاب‌فروشی‌ها و سایر مشاغل ایرانی هم ارتباط تسهیل‌شده‌ای با مخاطب خود پیدا خواهند کرد.

هدف ما تبلیغ خدمتی که انجام می‌دهیم نیست، بلکه هدف ما نشان دادن اهمیت این نیاز است که ما با برپایی این کمپ تنها تلاش می‌کنیم پاسخ‌گوی بخش کوچکی از آن باشیم و به دست‌آوردهای آن افتخار می‌کنیم.

از همه کسانی که در برپایی کمپ به نحوی ما را یاری می‌کنند، از جمله مربی‌های افتخاری و مهمانان ویژه‌ای که وقتشان را به «بچه‌های کلاه‌قرمزی» اختصاص دادند، تا آنها را با مشاغل مختلف آشنا نمایند، صمیمانه تشکر می‌کنیم. از همه والدینی که فرزندان‌شان را به کمپ می‌آورند و ما را تشویق می‌کنند و خدا قوت می‌گویند و از فعالیت کمپ به هر طریقی که برایشان مقدور است حمایت می‌کنند، بی‌نهایت سپاس‌گزاریم. بی‌شک بدون این پشتوانه تداوم کار کمپ ممکن نمی‌شود.

از هم‌اکنون در تدارک برنامه‌های زیادی برای مه‌رمه و سال تحصیلی آینده هستیم که مسلماً با کمک جامعه ایرانی اجرای آنها بهتر خواهد بود.

کمپ کلاه‌قرمزی، در هفدهم آگوست به فعالیت تابستانی خود پایان خواهد داد و برنامه‌های بعدی برای بچه‌ها، در فرصت‌های آینده به طور رسمی اعلام خواهد شد. ■

شماره تماس: 514962 3565

آدرس: 7085-Cote- des- Neiges

کمپ کلاه‌قرمزی مدرسه فردوسی

بخش «از خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تأثیری ندارد.

یک سروده

ای گل گلزار پدر، عاشق و دلدار پدر

یار پدر یار پدر

پاک تویی، خاک منم، قصه تویی، غصه منم

شعر تویی، شور منم، غزل تویی، واژه منم

مهر تویی، عاطفه و عشق تویی، گریه منم، گریه منم

ماه تویی، راه تویی، ساز تویی، نوای آواز تویی

نقش تویی، رخس تویی، سپاه و سالار تویی

سرو چمنزار تویی، شمع شب تار تویی

یار پدر یار پدر

بوته پر خار منم، زار منم... زار منم

بلبل خوش‌نوا تویی، سار منم... سار منم

روشنی روز تویی، تار منم، تار منم

گوهر شب‌تاب تویی، ناب تویی، خواب منم، قطره منم... آب منم

سرو چمنزار پدر، بوته بی‌خار پدر

یار پدر یار پدر

چشمه جوشنده جان، خزر تویی... خزر تویی

چشم منم، چشم منم، نظر تویی، نظر تویی

شادی جانم تو بدی، غرق وجودم تو بدی

فخر و شرف، غرور من، نام و نمودم تو بدی

بی تو دلم خسته شده، درد دل گاه به گاه، ناله پیوسته شده

چشم به ره مانده من، کور شده، بسته شده

یار پدر یار پدر

از نگهم دور شدی، در دل من خانه زدی

از نظرت رفتم و من، لانه به ویرانه زدم...

یار پدر یار پدر

لبریخته

به گاه ۱۴ اکتبر ۲۰۰۱، مونترال

روزگار عجیبی است...

به قول آن ترانه‌سرای مشکی‌پوش، همه‌جا پر از عارف است؛ عاشقی را نمی‌توان پیدا کرد. در این روزگار باید فکر کرد کجا می‌توان سکوتی یافت که بی‌ادعایی را مشق کند و... صبح‌دمی آغاز شده است. صدای پرنده‌ای مرا یاد بلبل خوش‌نوا باغ غزل، حافظ شیرازی، می‌اندازد و گوش به او می‌سپارم. از نغمه او چنان سرمستم که نمی‌توانم بستر را رها کنم. چشم‌هایم را می‌بندم و او می‌خواند. ناگهان اما خاموش می‌شود. با دل رنجیده‌خاطر به سوی پنجره می‌روم تا او را ببیام، اما سکوت همه‌جا را فرا گرفته. ناگهان کلاغی بنای آواز می‌گذارد و صدایش بقیه کلاغ‌ها را هم به سمفونی قار قار دعوت می‌کند.

اولی که در بالکن خانه نشسته است، وادارم می‌کند که از بستر برخیزم تا او را فراری دهم، اما بازمی‌گردد و آهنگ قار قار را آغاز می‌کند. با خود می‌اندیشم، شاید بلبل صبحگاهی من به دیدن سیل عظیم کلاغ‌ها پرکشید و رفت و دوباره به کلاغ می‌اندیشم. به‌راستی آیا کلاغ گناه‌کار بود؟ مگر نه اینکه کلاغ می‌خواند تا با دیگر کلاغ‌ها ارتباط برقرار کند و مگر نه اینکه لذت من از صدای بلبل دغدغه او نیست. تازه مگر نه اینکه آن بلبل خوش‌آواز هم نه بهر من بود که می‌خواند؟ او هم در پی هم‌آهنگی با طبیعتی است که وی را در خود غرق کرده است.

شاید این ذهن درگیر ما آدمیان است که چنین قضاوت می‌کند و خشم‌اش را نثار کلاغ بی‌نواپی می‌کند که کاری با ما ندارد و اصولاً برای او «ما» معنی نداریم، به جز اینکه باید از زمان بترسد... حکایت بلبل هم جز این نیست. او به تمنای ما اهمیتی نمی‌دهد زیرا برای خویشتن و رفقاییش می‌خواند و نه بهر ما.

به نظر می‌آید ما بهر خویش هیچ نخواستیم. این خواهش‌ها همه از آن روست که روح در زنجیر است. تمامی عمر به دیگری خشمگین شدیم و بغض کردیم و حسادت و طمع ورزیدیم، و به دنبال پول و جاه و مقام رفتیم، اما هیچ‌گاه ندیدیم که سرانجام همه ما همان تنهایی‌هایمان است و بس.

بلبل بهر خوش‌آیند خود خواند، اما ما خانه و ویلا و کاخ بنا کردیم برای چشم دیگران. ارابه و اتومبیل خود را عوض کردیم و بهر ارضای خودخواهی‌ها دست به جنایت آلودیم. ای کاش می‌توانستیم درس برای خود خواندن و به دیگری لذت بخشیدن را از بلبل بیاموزیم و بدانیم کلاغ، دشمن آواز بلبل نیست و نه از ما خبری می‌برد به جایی و نه خبری از کسی برای ما می‌آورد. پس خبرچین خواندنش جهل است و دیگر هیچ.

چرا بلبل خوشبخت است؟ می‌دانیم کلاغ خبرچین نیست؟ و هنگامی که باد می‌وزد، وزش باد است و دیگر هیچ؟ و بارش باران دلیل نمی‌خواهد؟ بگذاریم پرنده بهر خویش بخواند کلاغ قار قار خود را آهنگ کند و من آغوش بگشایم به سوی تنهایی‌ها



با مدیریت جدید

سالن آرایش و زیبایی ایو Eve & M

با خدمات کامل / متخصص آرایش عروس

Cote-St-Luc Metro: Villa Maria 5393

514-481-6765 / www.eveandm.com



بازرسی فنی ساختمانهای مسکونی و تجاری

حسین آذر نیگ

بازرس رسمی المپک مسکونی و تجاری در کانادا
گزارش با توضیحات کامل تصویری

Hossein Azarnik, B.S.c

NACHI certified home & commercial inspector

Licensed building renovator

Service in Montreal, Ottawa, Quebec and Toronto

1-800-910-2990

438-990-4966

www.montrealhomeinspectorpro.ca

ALAYA

Prêt-à-Porter

با مدیریت علی قاسمی

444 Renelevesque W. Montreal

www.bergamo.ca

• شیکترین لباس های مردانه

• با بهای مناسب

• تعمیرات لباس زنانه و مردانه

514.861.9444



هفته میوه تلاش
جمعی علاقمند است
که گروهی بزرگ از یاران
بی چشم داشت
درخت کوچک آن را آبیاری
و تیمار می کنند

هفته فقط یک نشریه نیست،
یک ایده است:

با هم بودن
با هم ساختن
با هم برداشتن

هفته را مشترک شویم

514-787 8848

info@HaftaH.ca



دختری از تبار مازندران، بر بال دانش

گفت‌وگو با دکتر مینا دانش، مخترع جوان مونترالی

■ نیما حبیبزاده / پروین زرساوه

دانشجویی نزدیک به رشته شما، بسیار تحت تأثیر موفقیت‌های شما قرار گرفتیم. تلاش‌های شما بسیار غبطه‌برانگیز است. می‌خواهم خوانندگان از زبان خودتان با شما آشنا شوند.

من متولد مونترال، در سال ۱۹۷۴ هستم. پدرم ۴۵ سال پیش به مونترال آمد، با مادرم در همین شهر آشنا شد و ما دو فرزند این خانواده هستیم، من، مینا و برادرم، حسین. تمام دوران قبل از دوره فوق لیسانس را در همین شهر گذراندیم و از همان اولین کلاس‌های ریاضی فیزیک به این مباحث بیش از مباحث دیگر درسی علاقه پیدا کردم و این انگیزه‌ای بود تا به دنبال ادامه راه در رشته‌ای باشم که به این مباحث پایه نزدیک باشد. نگاهی که به گذشته و دوران نوجوانی دارم به یاد می‌آورم که همیشه مباحث فیزیک برایم جذابیت داشت و همواره در حال تجسس و پیگیری مباحث فیزیک در زندگی روزمره بودم. البته نمی‌توان تأثیر حضور پدر و خانواده‌ای را که همیشه در کنار صنعت رایانه و برق بودند، کتمان کرد.

شما نقش خانواده را در ادامه راه خودتان در مسیر مخابرات پررنگ می‌بینید. شاید جالب باشد کمی هم از خانواده‌تان صحبت کنید. پدر پدربزرگ من در شهر ساری، در مازندران، ساعت‌سازی داشت که امروز هم این ساعت‌سازی توسط عموی بزرگم فعال است. ساعت‌سازی آن زمان به نوعی بالاترین فن‌آوری به شمار می‌رفت و پدربزرگم، محمدتقی دانش، در این مغازه شروع به کار کرد. بنا بر خاطرات گفته‌شده، به علت مهارت

جوانان ایرانی بسیاری در داخل و خارج از کشور مشغول تولید دانش و هنر هستند و روز به روز در این رابطه خبرهای بیشتری می‌شنویم. در پرونده این شماره، با یک دانشمند جوان ایرانی در مونترال آشنا می‌شویم. او دوره دکتری را در هلند طی کرد. نتیجه طرح دکتری وی در حوزه مخابرات، یک سیستم اتونوم مینیاتوری بود، که در حوزه دانشگاهی مورد توجه ویژه قرار گرفت. این خانم افتخارآفرین دوران تحصیلی درخشانی را در مونترال، تورنتو و همچنین در کشور هلند طی کرد و امروز به عنوان یک کارآفرین جوان در مونترال، شرکتی مخابراتی به نام Wibicom را اداره می‌کند که آن را در سال ۲۰۰۵ ثبت کرده است.

خانم دکتر مینا دانش، متولد ۱۹۷۴ مونترال با پیشینه خانوادگی در صنعت برق و مخابرات در ایران و مونترال است. او به اذعان استادان و همکارانش یکی از نخبگان است که تلاش‌هایش باعث فخر جامعه مهاجر ایرانی است. به یقین در این شهر در کنار «مینا» چهره‌های دیگری هم هستند که با کار خود به موفقیت‌های علمی و هنری رسیده و در جامعه تأثیرگذار شده‌اند.

همه اینها نمادهای موفقیت مهاجران ایرانی هستند. امروز اگر نام مینا در دانش مخابرات می‌درخشد و نام ایرانی موفق دیگری در تجارت، و نام جوانی دیگر در موسیقی و هنر و... همه و همه نشان آن است که دستمزد تلاش مستمر، دیر یا زود، موفقیت خواهد بود.

خانم دکتر مینا دانش عزیز، من پیش‌تر کمی از سابقه تحصیلی شما را مطالعه کردم و نگاهی به‌اختصار، به پایان‌نامه شما داشتم، و به عنوان



در تعمیرات وسایل جنگی در زمان رضاشاه، او از ساری به تهران می‌رود و در تهران در صنعت برق، که آن هم در ایران بسیار نوپا بود، شروع به کار می‌کند. او همچنین اولین مغازه تعمیرات رادیویی را در خیابان لاله‌زار نو و بعداً خیابان منوچهری تهران دایر کرد. البته باید توجه داشته باشیم که در آن این زمان، رادیو ایران هنوز راه‌اندازی نشده بود و تنها امواج رادیوهای خارجی در تهران قابل دسترسی بود. رادیو هم یک وسیله لوکس به شمار می‌رفت، در نتیجه کار پدربزرگم بسیار مورد توجه دربار و سفرای خارجی بود که به خدمات تعمیر رادیو نیاز داشتند.

این میراث به پدرم، محمدرضا دانش، می‌رسد و او هم‌زمان با تحصیل خود، در مغازه پدربزرگ در خیابان منوچهری مشغول تعمیرات انواع دستگاه‌های الکترونیکی می‌شود. پدرم پس از استخدام در اداره هواشناسی، به عنوان دانشجوی ممتاز با دریافت بورس دولتی به منظور ارتقای سیستم‌های رادار هواشناسی در ایران، به کشورهای اروپایی نظیر انگلیس و فنلاند رفته و دوره‌های فشرده مربوط را دیده است. او سرانجام در سال ۱۹۶۷ (۴۵ سال پیش) برای ادامه تحصیل به مونترال می‌آید.

جالب است بدانید در سال ۱۹۸۲ در زمانی که حرف استفاده از رایانه در دنیا به آهستگی از حوزه‌های خاص بیرون می‌رفت، یکی از سه شرکت اولیه شهر مونترال در تولید رایانه‌های مشابه (Apple) و بعداً (IBM) به نام تجاری (دانش) توسط

شرکت خودشان وارد بازار شد و مورد توجه مشتریانی نظیر دانشگاه‌های کنکور دیا، مک‌گیل و شرکت‌های مهندسی در آن زمان قرار گرفت. شرکتی که پدر در مونترال دایر کرد، هنوز هم مشغول به فعالیت است و با بازنشستگی پدر، برادرم آن را مدیریت می‌کند.

پیشینه خانواده شما بسیار جالب و باعث افتخار است. بنابراین درست بگوییم که رشد در چنین فضای، انگیزه اصلی برای تمایل شما به مباحث فیزیک و الکترونیک به شمار می‌رود؟

بله. به یقین بی‌اثر نبوده و همه اینها و علاقه شخصی من، سبب شروع به تحصیل در دانشگاه کنکور دیا در مونترال شد.

با توجه به وجود چندین انتخاب در این شهر، آیا در آن زمان دلیل خاصی برای انتخاب دانشگاه کنکور دیا بود؟ با توجه به نمرات بالا در دوران دبیرستان در آن زمان توانستم بورس کامل دولتی برای دوران لیسانس بگیرم. در نتیجه می‌توانستم از هر دانشگاه کانادایی پذیرش بگیرم. دانشگاه‌های انگلیسی‌زبان نظیر



کنکور دیا و مک‌گیل را مد نظر قرار دادم و با توجه به شناخت آن زمان، کنکور دیا برایم عملی‌تر از مک‌گیل بود.

تحصیل در دانشگاه و تجربیات علمی شما در اینجا چگونه بود؟

یادم می‌آید سال دوم (کلاس مغناطیس) بود که اولین جرعه‌های علاقه به این مباحث در این کلاس

زده شد و با گرفتن بالاترین نمره از طرف استاد، دوره کارآموزی تابستانی زیر نظر ایشان (پروفسور کریس ترومن) به عنوان کار دانشجویی گذراندم. این وضعیت برای تابستان سال سوم نیز ادامه یافت و در این زمان بود که تحقیقات درباره میدان‌های الکترومغناطیس (Electromagnetic fields) را به صورت حرفه‌ای شروع کردم و مدتی از دوره کارآموزی را نیز در اتاوا در (Canadian Space Agency) گذراندم.

از جمله کارهایی که در آن زمان و در دوران تحصیل لیسانس مورد توجه اساتید قرار گرفت، «تأثیر امواج الکترومغناطیس تلفن همراه در سیستم عمل‌کرد مغز انسان» بود. در سال ۱۹۹۶ و با گرفتن بالاترین معدل در دوران لیسانس برای ادامه تحصیل به دانشگاه تورنتو رفتم و در آنجا زیر نظر یکی از بهترین استادان الکترومغناطیس کانادا، پروفسور John Long به طراحی تراشه‌های فرکانس بالا در آزمایشگاه‌های مجهز آن مشغول شدم.

تا آنجا که می‌دانم در دوران فوق لیسانس موفقیت‌های مشخصی هم داشتید. درست است؟

در آن زمان فن‌آوری طراحی و ساخت مدارات مجتمع و تراشه‌های مخابراتی فرکانس بالا بر مبنای استفاده از gallium arsenide پایه‌ریزی شده بود، ولی در دوران تحصیل در تورنتو، به پیشنهاد استاد راهنما تحقیق بر روی طراحی تراشه‌ها با استفاده از فن‌آوری سیلیکون را شروع کردم که هنوز در مقایسه با کارایی گالیوم در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گرفت. هدف کار من افزایش بهره‌وری در استفاده از ترکیب سیلیکون بود که کمتر کسی به علت پیچیدگی‌های این کار به سمت آن می‌رفت.

نتیجه کار فوق‌العاده بود و بسیار مورد تأیید استادان کانادایی و آمریکایی در کنفرانس‌ها قرار گرفت و مدرک فوق لیسانس من به عنوان یکی از برترین پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاه به شمار رفت و عمل‌کرد من به عنوان مقاله‌ای برتر در کنفرانسی در آمریکا در سال

۱۹۹۸ معرفی شد. عمل‌کرد شما جهش بزرگی در ساخت و طراحی تراشه‌های فرکانس بالا به شمار می‌رود. آیا این تراشه‌ها در زندگی عادی به درد می‌خورند؟

بله، صد درصد. مثلاً تلفن‌های همراه که الان در کیف یا جیب هر کسی



هست، با استفاده از این تکنولوژی درست شده. در آن زمان ۱۰ سالی بود که استادم با شرکت Nortel کار می‌کرد که برای خود شرکت قدرت‌مندی در جهان به شمار می‌رفت. این طرح همان وقت به نام ایشان به ثبت رسید و در «نورتل» و دیگر کمپانی‌های جنبه کاربردی پیدا کرد. کمی بعد این فن‌آوری در اختیار شرکت بزرگ آمریکایی به نام Qualcomm قرار گرفت و در طراحی تلفن‌های همراه به کار رفت که سودهای افسانه‌ای به تولیدکنندگان می‌رساند.

البته با توجه به این‌که در آن زمان این کار تحقیقاتی دانشجویی به شمار می‌رفت، برای من تنها منفعت علمی به دنبال داشت و امتیازات مالی شامل من نشد.

ادامه راه بعد از اتمام فوق لیسانس چگونه بود؟

در اواخر فوق لیسانس فرصت را مناسب دیدم وارد بازار صنعت شوم و در واقع بازخوردهای مناسب از طرح درسی من به ناگاه من را به سمت کار در شرکت‌های قدرت‌مند



دکتری تعریف شد.

به صورت کمی دقیق‌تر بگویم؛ در این طرح مدارات مخابراتی خیلی کوچکی در باند فرکانسی ۳ تا ۱۰ مگاهرتز با بهره‌گیری از انرژی نور درست شد، که در آنها آنتن و سیستم انرژی در یک مدار مجتمع قرار گرفته‌اند. در نمونه‌ای از آن، سیستمی با توان مصرفی زیر ۱ میلی‌وات در زمان فعالیت و با نرخ ارسال داده ۱۰۰ کیلو بیت در باند فرکانسی ۳ تا ۱۰ مگاهرتز وارد بازار صنعت شد که در جای خود بی‌نظیر است.

این محصولات تحت عنوان کدام شرکت یا مؤسسه تحقیقاتی در اختیار استفاده‌کننده قرار می‌گیرد؟ بعد از فارغ‌التحصیلی و بعد از انجام آزمایش‌های بسیار بر روی انواع طراحی‌های انجام‌شده، به تدریج به این نتیجه رسیدم که بعد از یک دهه کار و فعالیت در زمینه طراحی مدارات مخابراتی، شاید وقت آن رسیده که توسط شرکت مهندسی مشاور تحت مدیریت خودم، محصولات را به بازار عرضه کنم. در سال ۲۰۰۵ شرکتی با نام Wibicom و با آدرس اینترنتی www.wibicom.com تأسیس کردم و از آن روز تا به حال سعی در تثبیت این شرکت در کنار نام‌های آشنای شهر دارم و با این‌که شرکتی بسیار نوپا است، موفقیت آن چندان کم نبوده.

خانم دکتر مینا دانش گرامی از شما سپاس‌گزاریم

*گفت‌وگو با دکتر مینا دانش، در دفتر مجله هفته در مونترال، توسط نیما حبیب‌زاده، در ماه جولای ۲۰۱۲ انجام شده است.

موضوع تحقیقات شما این بار بر پایه چه موضوع حل‌نشده‌ای بود؟ باید گفت که پروفیسور Long همیشه همراه من بوده و است؛ دانشگاه Delft هم بدون شک یکی از بهترین‌ها در زمینه سیستم مخابرات بدون سیم، در سطح اروپا، به شمار می‌رود و گروه بسیار قوی و فعالی دارد و شرایط اولیه مناسبی برای یک محقق در آنجا هست.

تحقیقات مانند همیشه بر روی طراحی مدارات مجتمع مخابراتی دنبال می‌شد. به صورت کلی می‌توان کار دوران دکتری را در پروژه‌ای تحت نام Ultra low power wireless mega system خلاصه کرد.

کمی از جزئیات کارتان در دوره دکتری بگویید. حاصل کار شما سروصدای زیادی در محیط تحقیقاتی هلند به پا کرد. نتیجه آن در کجا به عنوان محصول صنعتی دنبال می‌شود؟

در سیستم‌های مخابراتی، کوچک بودن تجهیزات، مصرف کم مدارات مخابراتی و اطمینان‌پذیری برای مدت حداقل ۵ سال و در حالت ایده‌آل ۱۰ سال همواره حائز اهمیت است. بدیهی است که استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند نور و باد و... امروزه بسیار مورد توجه متخصصان زیست محیطی و مهندسان طراح سیستم‌های مخابراتی قرار دارد.

در طرح پیشنهادی من سعی بر آن شد که از انرژی محیط و نور محیط برای مصرف مدار بهره ببرم و از طرفی دیگر طراحی مدار به گونه‌ای باشد که مدارات فرستنده و گیرنده در کنار منابع تولید انرژی قرار گیرند و به سهم خود اندازه و وزن مدارات را کاهش دهد. در واقع طرحی در زیر مجموعه Free Energy from Environment-Harvesting Energy تعریف شده که نتیجه آن تولید مینیاتوری یک «سیستم اتونوم» Autonomous system است که بدون مراقبت و سرکشی قابلیت کارایی حداقل ۵ سال و در حالت ایده‌آل ۱۰ سال را داشته باشد. این طرحی بود که در دوره

دبیرستان به عنوان حسابدار در شرکت پدرو مشغول به کار بودم و حتی این سال‌های اخیر برای توسعه آن به فکر تحصیل در رشته تجارت افتادم و بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ به صورت پاره‌وقت، هم‌زمان با کار روزانه به تحصیل در دانشگاه مونترال در رشته MBA پرداختم و فارغ‌التحصیل شدم.

پس به این ترتیب دارید وارد حوزه تجاری می‌شوید؟ درست است؟

خیر! این‌طور نیست. میل به دانستن همواره با من بوده و است. مثلاً در همان زمان بعد از گذشت ۵ تا ۶ سال کار تمام‌وقت در شرکت هریس به فکر برگشت به دانشگاه افتادم. در مدت فعالیت حرفه‌ای هرگز جدا از تحقیق و مقالات نبودم و در زمان کار نیز چندین مقاله در زمینه‌های مختلف مخابراتی در کنفرانس‌های بین‌المللی ارائه دادم. علاقه به دانشگاه همیشه بوده و تمام این مدت با استاد دوره فوق لیسانس در تماس بودم و تصمیم برای بازگشت به دانشگاه را نیز با ایشان در میان گذاشتم. ایشان هم مانند گذشته بسیار مشوق و پذیرای من برای ادامه تحصیل بود. زمانی که این تصمیم با مشورت‌های استاد قطعی شد، با توجه به سابقه علمی گذشته و تا حدودی به روز نگه داشتن خودم با ارائه مقالات، انگیزه‌ای شد برای رقابت و دریافت بورسیه دولتی کانادا برای مطالعه در خارج کانادا. دریافت این بورسیه بسیار سخت است. می‌خواستم دوره دکتری را در دانشگاه Delft هلند، جایی که استاد قبلی‌ام مشغول به فعالیت بود، بگذرانم و در آنجا خودم را محک بزنم.

خوشبختانه هر دو درخواست، هم از دولت فدرال و هم دولت کبک مورد تأیید قرار گرفت. بدین ترتیب در سال ۲۰۰۵ از طرف دولت فدرال کانادا برای دو سال، از قرار سالی ۲۰ هزار دلار و از طرف کبک برای سه سال، سالانه ۲۱ هزار دلار واجد شرایط پشتیبانی مالی تحصیلی شدم. کار و تحقیقات در کنار استاد قدیمی بعد از گذشت چند سال چگونه بود؟

مخابراتی سوق داد و با این‌که پیشنهادهای کاری مناسبی در سایر شهرهای آمریکایی داشتم، ترجیح دادم که در شعبه مونترال Harris Corporation، که یک شرکت آمریکایی است، شروع به کار کنم. در زمینه Microwave Communications از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ به عنوان مهندس RF Design به صورت تمام‌وقت مشغول بودم. در اینجا جوان‌ترین مهندس و تنها دختر گروه بودم. در قالب گروه کارم طراحی تراشه‌های فرکانس بالا بود و نتایج کار همواره مورد تأیید و پشتیبانی شرکت قرار می‌گرفت. حتی به یاد می‌آورم در زمان رکود اقتصادی ۲۰۰۰-۲۰۰۱ که بعد از سال‌های Internet Bubble بود و تعدیل نیرو در بسیاری از شرکت‌ها و بخش‌ها فراگیر شده بود، بخش طراحی شرکت ما با قدرت به کار خودش ادامه داد و مشکلی چه از لحاظ حقوقی، و چه از نظر نیروی کار و مشتریان پیدا نشد.

با توجه به رشد چشم‌گیر شما در عرصه‌های علم و صنعت، آیا نگاهی هم به شرکت خانوادگی «دانش الکترونیک» داشتید؟



بله. یقیناً موفقیت خانوادگی و وابستگی به این شرکت، از دوران نوجوانی تا به امروز بوده و ادامه دارد و بخشی از فعالیت‌های من همیشه حول و حوش پیشرفت «دانش الکترونیک» است. از دوران



بازار همیاری بنیاد نیکو امسال نیز برگزار می شود! ۱۸ آگوست ۲۰۲۱

همان طور که در جریان هستید، بنیاد نیکو همه ساله به مناسبت آغاز سال تحصیلی در ایران اقدام به برگزاری بازاری می کند تا با فروش لوازم نو و دست دوم تمیز، عواید آن را به دست کودکان محروم کشور برساند. در این راستا هر ساله هموطنانی که تمایل به همکاری دارند با واگذاری اجناس غیر موردنیاز خود به این بنیاد در این کار خیر و انسان دوستانه ما را یاری نموده اند. امسال از کلیه علاقمندانی که خود امکان ارائه محصولی را در این بازار دارند نیز دعوت می شود تا ضمن هماهنگی با بنیاد نیکو آمادگی خود را اعلام کنند. خواهش مندیم چنان که قصد مساعدت با ما را دارید با شماره تلفن زیر تماس حاصل نمایید. مزید اطلاع است که همچون گذشته کلیه عواید این فروش بدون هیچ گونه هزینه ای به موسسه خیریه بهنام دهش پور ارسال می شود تا در امر کمک به کودکان نیازمند، مصرف شود.

تاریخ برگزاری این بازار ۱۸ اوت ۲۰۲۱ می باشد.

تلفن اطلاعات: ۴۵۷۹-۸۰۴-۵۱۴

جنب فروشگاه اخوان وست آیلند
15760-Boul.Pierrefonds Montréal
Québec H9H 3P6



هفته میوه تلاش
جمعی علاقمند است
که گروهی بزرگ از یاران
بی چشم داشت
درخت کوچک آن را آبیاری
و تیمار می کنند
هفته فقط یک نشریه نیست،
یک ایده است:

با هم بودن
با هم ساختن
با هم برداشتن

هفته را مشترک شویم

514-787 8848

info@HafteH.ca



RitaCall Communications

International phone service

ارزانترین قیمت مکالمه تلفنی راه دور

پیشرفته ترین تکنولوژی
صدای شفاف
کاربری ساده

مزایای استفاده از این سیستم :

- ✓ بدون نیاز به وارد کردن پین
- ✓ برای برقراری ارتباط
- ✓ بدون قرار داد
- ✓ بدون هزینه اتصال
- ✓ امکان تماس شما، هنگام سفر،
- با عزیزانتان، در هر جای جهان که باشند
- ✓ امکان مکالمه از هر جا
- (هتل- تلفن همگانی و...)
- ✓ بهره گیری از سیستم **Callback**

برای آگاهی بیشتر از پکیجهای دیگریا ما تماس
بگیرید

514-906-1527

Featured Rates

	Canada	FREE*
	USA	FREE*
	Afghanistan	15.5 ¢*
	France	2 ¢
	Germany	2 ¢
	India	2 ¢
	Iran	4.5 ¢*
	Malaysia	2 ¢
	Sweden	2 ¢
	Turkey	2.9 ¢
	UK	2 ¢

*Some conditions maybe applied

See all countries:

www.ritacall.com

تماس نا محدود عزیزانتان با شما از ایران به کانادا
ماهیتانه فقط ۱۶ دلار و ۹۹ سنت

یافته‌ای تلخ برای نژادگرایان: ما ایرانیان، ایرانی هستیم نه آریایی (۷)

نوشته‌های بخش دیدگاه، نظرات نویسندگان است و درج آنها جهت تأیید یا رد آنها نیست. اعتبار علمی نویسنده و انسجام نظر ارائه‌شده، مبنای چاپ نظرات در این بخش است.



نقشه ایران فرهنگی، کاری از بنیاد نیشابور

از نظر مارکرهای ژنتیک، چیزی به نام «نژاد آریایی» وجود ندارد

بنده همواره دشمن سرسخت کاربرد واژه «آریایی» در روزگاران کهن و کنونی کشورمان بودهام، چرا که کاربرد آن، چه در دل تاریخ و چه به روزگار امروز، بسیار آسیب‌زاست. برای نمونه در همین نوشته بالا، که دیدیم با جایگزینی واژگان، به یک‌باره چه بیسروته شد. همچنین، چنانچه امروزه از هر ایرانی پرسی «آیا تو ایرانی هستی؟»، اگر مانند «پانترکها» نباشد (حساب مردم شریف استانهای آذربایجان از ایشان جداست)، بیدرنگ خواهد گفت، «آری». اما اگر پرسی، «آیا شما آریایی هستید؟»، آنگاه هممیهنان ترکمنان و نیز برخی از ایرانیان جزیره‌های خلیج فارس و بسیاری دیگر از هممیهنان آگاه و آزادمان پاسخ خواهند داد، «نه، ما آریایی نیستیم»، و درست هم میگویند.

به راستی آیا نژادگرایان تاکنون با خود اندیشیده‌اند که آن هممیهنان گرمی در شهرهای گنبد و آق‌قلا، یا آن کودک سیه‌چرده در جزیره‌های ایرانی «خلیج فارس» که همگی نیز فرهنگ، زبان، جهان‌بینی و شناسنامه‌های ایرانی دارند، چه گناهی کرده‌اند که مانند ایشان به افتخار «آریایی بودن» نایل نیامده‌اند؟! تا کی می‌خواهیم با این انگاره‌های نژادپرستانه آبروی خود و دیگر ایرانیان را در جهان ببریم؟ در جهان امروز، همگان بر «Racism» نژادپرستی تف می‌اندازند، اما ما تازه یادمان آمده که «آریایی!» و برتر هستیم! بنده تاکنون، تنها و تنها جایی که یک سخن درست و به‌حق از گروه موسوم به «پانترک» شنیده‌ام، این بوده که ایشان به آن گروه نژادپرست و آریازده بدتر از خودشان (!)، «پارانویا» می‌گویند؛ که درست هم هست.

در همین‌باره، به روزگار کنونی کشورمان «ایران» دو دسته ناآگاه داریم، «یکی آنها که خود را فارس می‌نامند و دیگری آنان که خود را غیرفارس می‌خوانند». چرا که ما ایرانیان «فارس (پارس)» نیستیم، پس در برابرش چیزی به نام «غیرفارس!» هم نداریم. زیرا نامیدن تبار یک مردم به نام زبانشان کار بی‌بهدهای است. بنابراین، از آنجا که نام زبان مادری ما ایرانیان «فارسی» است، این بدان معنا نخواهد بود که تبارمان نیز «فارس!» است. «پارسی‌ها (پَرسِیها)» نیز خود تیره‌های از تیره‌های ۱۷گانه ایرانی

نام نژاد، تعریف‌شده نیست. یک مشخصه ژنتیک، تنها در یک صفت خاص تعریف می‌شود. یعنی مثلاً سیستم ایمنی چه واکنشی به یک مهاجم نشان می‌دهد، یا مارکرهای دیگر سطح سلول. ازین رو، اصلاً چه نیازی است که از نظر ملی، چیزی به نام آریایی به وسط کشیده شود؟! *****

این را باید بدانیم که «زیرگونه سفید» هیچ‌گونه برتری بر دو زیرگونه دیگر ندارد. درازی جمجمه، تنها اندکی گنجایش مَخ در این گروه «انسانی ژنتیکی» را بالا برده که کارساز نیز افتاده و در کنار ویژگی‌های سرزمینی، ما را در جایگاه نخستین شاروندان و شهرنشینان جهان نشانیده است. اما برای نمونه، بهره هوشی زردها به برهان بهره‌گیری درازهنگام از خوراکی‌های دریایی (جایگاه زندگی کرانه دریاهای آزاد شمالشرق سبیری)، اندکی بیشتر از دو زیرگونه دیگر است. همچنین توان بدنی شگرف زیرگونه سیاه، که برهان آن، دارا بودن بافت میانبافتی روشن و نیز شمار یک و نیم برابری گویچه (گلبول‌های سرخ خون در این زیرگونه است. بنابراین «رنگ» نشانه بالا یا پایین بودن جایگاه اجتماعی انسانها نیست. نشانه‌های بنیادین در تبارشناسی، همانا ویژگی‌های بنیادین در ریخت و اندامشناسی جمجمه است، مانند دولیکوسفال (درازسر) و میزوسفال (پهنسر).

شاید بتوان «بخش‌بندی گروه‌های جمعیتی انسانی» را بدین‌گونه برشمرد. چند صد هزار سال پیش، گونه‌های از «نخستیها» بر روی زمین جهش یافته و پا گرفتند. این جانوران، از خانواده بزرگ پستانداران بوده و همگی آنها از ویژگی‌های یکسانی برخوردارند. از آن‌گونه، دارا بودن شمار ۴۶ فامتن (کروموزوم) در هسته یاخته‌های بدن، جای گرفتن شست دست روبه‌روی ۴ انگشت دیگر، دارا بودن ۲ پستان در بخش بالایی قفسه سینه، جای گرفتن دو چشم در بخش جلویی جمجمه، دارا بودن نسبت بزرگ‌تر «مغز و مخچه به توده بدنی» از دیگر پستانداران و... (دیدگاه داروین، تنها زبانی کودکانه از نوشته‌های «نَسفی دانشمند ایرانی» در چند سده پیش از خود بود، اگرچه که یافته‌های نسفی نیز برداشتی از دانشهای کهن ایرانی پیش از زمان خود به شمار می‌آید).

به هر روی، بازماندگان آن گونه جهش یافته، امروزه «آدم» نامیده می‌شوند. در زبان ایرانی کهن، آ ایوا:

نخست، یکم، اول، one، آدم: من (اندیشه)، آ ایوا آدم (نخستین من، نخستین اندیشه): آدم: adam. دانشمندان برین باورند که این گونه ویژه، از نزدیک یکصد تا نود هزار سال پیش به این سو، ویژگیهای کنونیاش را به دست آورده است. خاستگاه نخستین این شاخه، آفریقا است، که دانشمندان دیرینشناس آن را شرق این قاره میدانند. این گونه راستقامت که همه مردم امروز جهان از بازماندگان آن میباشند، بر روی قارههای گوناگون پراکنده شده و گسترش یافتند.

این «گونه» پس از گسترش، به سه گروه پایه بخش شد، زیرگونه سیاه با خاستگاه پرورش آفریقای، زیرگونه زرد با خاستگاه سرزمینهای شمال شرق آسیا (شرق سیبری کنونی) و زیرگونه سفید با خاستگاه فلات پهناور ایران (غرب هیمالیا و هندو کوش تا شرق مدیترانه). سیاهپوستان کنونی، از بازماندگان آن گونه که در آفریقا ماندند، پدید آمده و در سرزمینهای جنوبی بیابان بزرگ آفریقا تا غرب آن قاره و نیز بیابان نامیب و دریاچههای بزرگ میانه آن، که بیشتر جنگلهای پرباران استوایی را در برمیگرفت، پراکنده شدند. زردپوستان نیز از پهنههای یخی سیبری در سرزمینهای شمال شرق آسیا تا آلاسکای کنونی که هنوز باریکهای از خشکی آنها را به هم میپیوست، میزیستند، که سپس با بالا آمدن آبهای آزاد جهان، تنگه کنونی برینگ پدید آمده و شمال قاره آمریکا از آسیا جدا شد. بازماندگان آلاسکایی زردها، از شمال قاره آمریکای شمالی تا جنوب قاره آمریکای جنوبی پراکنده شده و شاخه‌ای به نام «سرخپوستان» را پدید آوردند. آن بخش از زردها نیز که در آسیا مانده بودند، تا بخشهای مرکزی آسیا و نیز جنوب شرق آن قاره پراکنده شدند.

و اما سفیدپوستان (درازسرها دولیکوسفالها)، گروههایی از ایشان کوچ گسترده‌ای را از خاستگاه نخستین خویش (فلات ایران) که در آغاز از شرق آفریقا در ۶۰۷۰ هزار سال پیش بدان جا گام نهاده بودند، آغازیده، و سپس شاخه‌ای از آن به سوی هند، شاخه‌ای به غرب سرزمین خود، شامل میان‌رودان، آسورستان، اروپا و شمال آفریقا کوچیدند. بخشهایی از ایشان هم که در کرانه‌های جنوب شرقی دریای باختر (مدیترانه) تا کناره دریای سرخ جای گرفته بودند، به مانند شاخه سرخ از زیرگونه زرد که ویژگیهایی برای خود یافتند، ایشان نیز ویژگیهایی یافته، و سامیها که شاخه پهنسر از زیرگونه سفید هستند، از

ایشان پدید آمدند. و اما سفیدپوستان درازسر در هند، اروپا و شمال آفریقا پراکنده شدند که این گسترش، سرزمین‌های غرب رشته کوه‌های اورال تا دریای بالتیک، قفقاز و فرای آن، و نیز میان‌رودان و آناتولی و همچنین فرارود تا غرب هیمالیا را در بر می‌گرفته است.

درباره ویژگیهای ذاتی هر یک از این گروهها باید گفت، زیرگونه سیاه با توان بدنی بالا و میانه هوشی برابر با میانگین بهره هوشی جهانی، موهای فردار با پایه موی کشیده، نیز توان‌مندی بالای سامانه پدافندی بدن در برابر بیماریها و... گروه ویژگیهای با برتریهای چشم‌گیر را پدید آورد. زیرگونه زرد نیز از دیدگاه اندامشناسی، گونه‌ای حجمه پهن (مزوسفال) را داراست. چشمان بادامی، قدهای کوتاه و موهای صاف با پایه موی گرد از دیگر ویژگی‌های این گروه است. زیرگونه سفید هم، همه آن کسانی را در بر می‌گیرد که ویژگیهای دو گروه دیگر در آنها دیده نشود، از آن‌گونه حجمه دراز، موهای با پایه گرد تا گرد کشیده، پوست روشن تا گندمگون (گاه نیز تیرهتر) و...

جابه‌جاییهای سرزمینی گروههایی از اینها میتواند در درازهنگام، دگرگونی‌هایی نه آنچنان بنیادین را در آنها پدید آورد. بدین‌گونه که برای نمونه، هندیها در پس چند هزاره زندگی در سرزمین‌های جنوبیتر از خاستگاه پرورش زیرگونه سفید، تیره‌یوستتر گشته، اما هنوز هم همه ویژگیهای گروه خود را داراست. ازین رو، نمی‌بایست تیرگی پوست هندیها و روشنی چشمان اروپاییها ما را گول زده و به پذیرش دستهبندیهای «نژادی!» ساخته غرب وادار نماید. زیرا اروپاییان خود را، تنها نمایندگان سفیدپوستان جهان دانسته و شگفتا که این زیرگونه را «نژاد!» نامیده و برتر از دیگران برمی‌شمارند! همچنین، ایشان دیگر شاخه‌های این زیرگونه را که خود از شاخه‌های پایهای این گروه هستند، تنها به بهانه تیره‌تر بودن رنگ پوست، با نامهای ساختگی تیره‌پوست قفقازی و... (!) دستهبندی می‌نمایند.

در این میان، هر سه زیرگونه، آمیختگیهایی در برخی سرزمینها با هم داشته و تیره‌های میانهای را پدید آورده‌اند. همانند آمیختگی زردها با هندیان در بخشهایی از شرق و شرق میانه آسیا، همچنین برخورد زیرگونه زرد با ایرانیان در فرارود و نیز آمیختگی سفیدپوستان ایرانی شمال آفریقا با سیاهپوستان آن قاره در کمربند جنوب بیابان بزرگ آفریقا و... اگرچه این نکته را باید دانست

که همه این گروههای پایه و نیز تیره‌های میانه پدیدآمده از آمیختگی آنها، برآمده از همان گونه آدمیان نخستین می‌باشند، که بدبختانه در سده‌های گذشته و نیز اکنون، برخی سفیدپوستان از تیره سرزمینهای غربی (اروپا)، با نگاهی برده‌دارانه به زیرگونه‌های دیگر نگریسته و این رویه ناپسند را در جهان امروز گسترش داده‌اند که «نژاد سفید (اروپایی!)» نژاد برتر است (!). اما از نگاه فرهنگهای گوناگون و از آن میان فرهنگ سترگ و کهن ایرانی، همه مردمان از هر تیره و گروه و دستهای که باشند، آدم بوده و از برتری و حقوق برابر با دیگران برخوردارند.

دکتر اشرفیان در بخش پایانی گفت‌وگویشان، به بررسی تأثیر حمله اعراب پرداخته و چنین گفته‌اند که:

«ردپای حمله اعراب را بیش از جاهای دیگر، میتوان در جنوب غربی کشور و استانهای خوزستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد و اندکی بوشهر به چشم دید. اما این ردپاها، به قدری محدود و ناچیز است که نشان میدهد «اختلاط جمعیتی» اقوام ایرانیای که پیشتر ساکن آنجا بوده‌اند، و در اثر این هجوم، «یک مختصری» محتوای ژنتیکی قوم مهاجر را گرفته‌اند، «بسیار بسیار ناچیز» است. با بررسی مارکهای روی کروموزوم Y (پدری)، شاید بشود در بخشی از کسانی که «سادات» نامیده میشوند، این ریشه مشترک با مهاجمان را در ۱۴۰۰ سال پیش پیدا کرد. اما مطالعات ژنتیکی نشان میدهد، کسانی در این جمعیت حضور دارند که نمیتوانند ریشه مشترکی با دیگر اعضای این جمعیت در چهارده سده پیش داشته باشند».

در این باره، گرامیانی که برآشفتهاوند و دکتر اشرفیان را برای یادآوری همین سهم بسیار بسیار ناچیز ژنتیکی، آن هم در میان بخش بسیار اندکی از هممیهن‌انمان، نکوهش میکنند، یادشان باشد که زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرینکوب، فقط درباره رخداد‌های پس از جنگ جلولای گفته‌اند: «دینوری مینویسد که عمر مکرر میگفت از فرزندان این زنان ایرانی که اسیر شده‌اند، به الله پناه میبرم».

بنابراین با چنان وحشی‌گریهایی که عربان کرده‌اند، این تأثیر بسیار اندک و ناچیز ژنتیکی که تنها در گوشه‌های از کشورمان و آن هم به گونه‌های بسیار بسیار محدود به چشم می‌خورد، نمیتواند و نباید که ما را چنین برآشفته نماید. / دنباله دارد... ■

1449 St. Catherine W. ⚡ Guy
Montreal QC. H3G 1S6
Toll Free: 1-866 989 229



صرافی خضر

514-989-2229
514-289-9003

انتقال فوری ارز به ایران و برعکس و با تضمین بهترین نرخ روز

تبدیل و انتقال ارز بصورت عمده برای شرکت‌ها و موسسات تجاری

محاكمه

علی المک (۱) در خارطوم پایتخت سودان به دنیا آمد و تحصیلات دانشگاهی‌اش را ابتدا در دانشگاه خارطوم و بعد در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی ادامه داد. او استاد دانشگاه خارطوم و رئیس بخش ترجمه شد و مدتی هم در دانشگاه ایالتی نیومکزیکو تدریس کرد.

داستان‌های کوتاه المک غالباً توصیفی است از جنبه‌های گوناگون زندگی مردم سودان. از او پنج مجموعه داستان کوتاه به چاپ رسید و برخی از داستان‌هایش به زبان انگلیسی ترجمه شد. در سال (۱۹۷۴) مجموعه‌ای از آثار ادبی نویسنده‌گان سودان با انتخاب و ویرایش این نویسنده به چاپ رسیده است.

طبق بخشنامه، دادگاه باید سر ساعت نه تشکیل شود...

البته این قانونی است بر روی کاغذ. هرگز دادگاه‌ها رأس ساعت نه کارشان را شروع نمی‌کنند، قاضی هم به خود زحمت نمی‌دهد که کارش را سر ساعت نه شروع کند. این به علت تنبلی نیست، چون ساعت هشت صبح در دفتر کارش حاضر می‌شود، ولی ترجیح می‌دهد مدتی را به خواندن درباره‌ی قوانین و مقررات یا اخبار تنیس بگذراند. از سوی دیگر این قاضی وسواس عجیبی دارد که قوانین را مو به مو اجرا کند. به همین دلیل همه از او می‌ترسند، به‌خصوص آن‌هایی که دوروبرش در دادگاه هستند و با او سر و کار دارند. برای همین، اگر چیزی دزدیده شود، سروصداه‌ای نمی‌اندازند. اگر دعوا و اختلافی رخ دهد، آهسته و درگوشی از کنار آن می‌گذرند.

آن صبح روز یک‌شنبه، قرار بود فقط محاکمه‌ی یک نفر در دادگاه انجام شود... هر چند تعدادی جوان اهل نوبیان (۲) که شب گذشته در خیابان اصلی شهر با خوردن مشروب و رقص و بدمستی نظم شهر را به هم ریخته بودند، به همت گروه‌بان کهنه‌کار عبدالکریم، بدون زحمت و مقاومتی دستگیر و زندانی شده بودند. در این محاکمه متهم، زینب، ساکن خیابان ششم در شهر مهدیه بود. کارش این بود که هر سال به حجاز (عربستان) سفر می‌کرد و از آنجا مال‌التجاره وارد می‌کرد. چهل‌وپنج ساله بود ولی چاقی مفرط، زیبایی زنانه‌اش را زائل کرده بود.

حاج زینب همراه همسرش محمود سوار تاکسی شدند. راننده به محض ورود آن‌ها آینه را طوری تنظیم کرد که بتواند حاج زینب را دید بزند. حاج زینب متوجه این حرکت راننده شد و با خود گفت: «بی‌خود نیست که این همه از راننده‌ها بدگویی می‌کنند. آدم حساسی که نیستند.» راننده حاج زینب را از توی آینه و رانداز کرد

و با خود گفت: «چنگی به دل نمی‌زند.» اکثر زن‌های شهر مهدیه، حاج زینب را می‌شناسند، چون او لباس، دامن و پیراهن زنانه می‌فروخت. او این وسایل لوکس و ممتاز را از حجاز می‌خرید و با سود سرشاری به زنان شهر مهدیه می‌فروخت.

محمود به خود می‌گفت: «حاج‌خاتم زینب، این دفعه بند را به آب دادی. دوره ساعت طلا به مأمور گمرک دادن تمام شده. حالا مأمور دیگری آمده.» تا همین اواخر، چمدان‌های زینب را که وارد فرودگاه خارطوم می‌شد اصلاً باز نمی‌کردند. عبدالفتاح افندی، مأموری بود عیال‌وار که خرج و دخلش با هم نمی‌خواند. اول هر ماه، طلب‌کارها بر سرش آوار می‌شدند و با داد و فریاد دنبال طلب‌هایشان می‌آمدند. عبدالفتاح افندی روز ورود زینب را دقیق می‌دانست. می‌رفت و روی چمدان‌های او با گچ علامت می‌گذاشت. روز بعد از ورود، به عنوان خوش‌آمدگویی، چمدان‌ها را می‌برد دم در خانه‌ی حاج زینب تحویل می‌داد و انعامش را می‌گرفت. این کار را برای چند نفر دیگر هم انجام می‌داد و حالا او به گمرک دیگری منتقل شده بود. چه بدشانسی‌ای! حاج زینب سه هفته بود که به حجاز سفر کرده بود و در این فاصله‌ی کوتاه عبدالفتاح از گمرک خارطوم به جای دیگری انتقال داده شده بود. حاج زینب وقتی وارد فرودگاه شد و جای عبدالفتاح را خالی دید، یکه خورد. جوان باریک‌اندامی که جای عبدالفتاح بود با دقت و هیجان گذرنامه‌ها و چمدان‌ها را کنترل می‌کرد. وقتی نوبت حاج زینب شد، جوان مأمور پرسید: «خاتم، همه این چمدان‌ها مال شماست؟» زینب نگاهی به سالن دراز فرودگاه انداخت و پرسید: «عبدالفتاح افندی نیست؟» جوان مأمور، بی‌آن‌که به پرسش زینب توجه کرده باشد، دوباره پرسید: «همه‌ی این هفت تا چمدان مال شماست؟» زینب محکم جواب داد: «بله»

نگاهشان به هم تلافی کرد. زینب از حالت نگاه مأمور چیزی نفهمید. سکوت کوتاه میان مأمور و زینب، با باز شدن نخستین چمدان به پایان رسید. محتویات آن که در جای سخت و تنگی محبوس مانده بود، بیرون ریخت. چیزهایی مانند نایلون، قالیچه و عطر.

- خاتم، همه‌ی این چیزها وسایل شخصی‌تان است؟ زینب جوابی نداد. مأمور جوان ابرو در هم کشید و هر آنچه داخل چمدان بود بیرون کشید. بعد از آن سراغ چمدان دوم رفت، بعد هم سراغ سومی. - غیرممکن است! می‌خواهی بگویی این همه وسایل را شخصاً استفاده می‌کنی؟ امکان ندارد! مأمور جوان با لحنی تند اضافه کرد: «این همه بار، برای

برپا کردن یک بازار کافی است.» بعد واژه‌ی «قاچاق» را به کار برد، کلمه‌ای که او یک عمر از آن می‌ترسید. «کالاهای قاچاق... باید همه این کالاها را توقیف کرد.» زینب که در میان این مخمصه گیر کرده بود، با خود گفت: «چه خوب می‌شود اگر این جوان تا فردا صبح به من مهلت بدهد. آن وقت صبح می‌آید و دم او را می‌ببند و یک ساعت طلا به او هدیه می‌دهد. ولی نه! این طرز برخورد مأمور جوان نشان می‌دهد به ساعت بیگین (۳) هم رضایت نمی‌دهد. اگر این جنس‌ها را به نفع دولت مصادره کنند چه خاکی به سرم بریزم؟ آخر چرا؟ مگر دولت با جیب خودش آن‌ها را خریده؟ مگر این دولت بود که جان کند و این همه جنس را جمع و جور کرد؟ یا این دولت بود که زحمت کشید مراسم حج را به جا آورد؟ به شیطان سنگ زد و دور خانه خدا طواف کرد و هفت بار مسیر صفا و مروه را طی کرد؟ مگر دولت ریخ سوار شدن هواپیما را تحمل کرد و از روی دریاچه نمک عبور کرد و وحشت برخواستن و فرود آمدن هواپیما را به جان خرید؟ سیصد پوند برای این کار مایه گذاشتم، پولی که با زحمت، اشک و عرق ریختن به دست آمده...» کلمات بی‌اختیار بر زبانش جاری می‌شد و خطاب به مأمور می‌گفت: «فرزندم، رحمت خدا بر تو باد! رحمی به این عمه‌ی بیچاره‌ات بکن. رحم به زنی بینوا...»

مرد جوان خندید و گفت: «بیچاره! زن بینوا! بیچاره و بی‌نوای واقعی من هستم نه تو حاج‌خاتم...» زینب چنان حالش بد شد که دیگر نفهمید بعد از این گفت‌وگو چه شد. بقیه‌ی حوادث مسیر خود را طی کرد و اکنون زینب در برابر دادگاه قرار گرفته است. همسرش، محمود، مردی بود سالم و خوش‌بینیه. حدوداً چهل سال داشت، کار و حرفه‌ی خاصی نداشت. خوش‌هیكل بود با شانه‌های پهن و خوش‌لباس. زینب با درآمد خود زندگی او را تأمین می‌کرد. زینب با این‌که می‌دانست او شغل و درآمدی ندارد، همسرش شد. سنگین‌ترین مسئولیت او، تهیه و تدارک غذا و مشروب برای خودش بود و وظیفه‌ی دیگریش که برخلاف میلش بود، رسیدن به زن چاق و چله و بدقواره‌ای مثل زینب. در این گرفتاری محمود با خود فکر می‌کرد: «زن، تو با این کار خلافت حساسی توی دردسر افتادی. اسمت سر زبان‌ها افتاد. حالا چه کار می‌شود کرد؟» زینب انکار می‌دانست که در سر او چه می‌گذرد در دل می‌گفت: «اگر پول من نبود تو از گرسنگی گوشه‌ی خیابان افتاده بودی و مثل یک آدم گرسنگی‌ی کثیف می‌مردی.» تاکسی دور زد و آمد کنار دادگاه توقف کرد. دو مسافر، به ظاهر ساکت و آرام اما با درونی آشفته، پیاده شدند. همان‌طور که در سالن انتظار در سکوتی طولانی منتظر

MSMILINE
DENTAL HEALTH CENTER



دکتر رامین میرموجی

دندانپزشک در کلینیک

MSmiline و آیلند و

از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel : 514-675-3332

4935 St-Charles boulevard, Pierrefonds, QC H9H 3E4

www.msmiline.com

خدمات حسابداری و دفترداری

سرور صدر SOROOR SADR

◀ امور دفترداری و حسابداری

◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی

◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES

With Appointment

Gestion Financière Loyale

5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514-777-3604

loyale.accounting@gmail.com



مهاجرین عزیز

• آیا می‌دانید که خریداران نیازی به پرداخت پورسانت ندارند؟

• هدیه‌ی ما به خریداران: ۱۲۰۰ دلار هزینه محضر

• اخذ وام برای مهاجرین با کمترین پیش پرداخت و بهره

• مشاوره رایگان و سرمایه‌گذاری در املاک

• محل کار برای هر صنف در وست‌مونت خیابان سن‌کاترین

مشاور املاک

نادر خاکسار

514-969-2492



شرفین بزرگ
طراح و گرافیک
تلفن
۵۱۴-۸۶۶ ۳۱۵۳

بودند حاج زینب با فکری آشفته فضای دادگاه را در ذهن خود مجسم می‌کرد: «دادگاه برای زنان قاچاقچی... زنان بدکاره و من تشکیل جلسه داده است.»

قاضی هم که دلش می‌خواست کسی اسم واقعی‌اش را نداند و دلش به همان لقب «عالیجناب» خوش بود، در اتاقش را بست و در افکار و تخیلات خود فرو رفت. زیر لب به خود می‌گفت: «آه... این هم شد زندگی... وحشتناک است... اگر کار وام درست شود آن وقت می‌توانم آن خانه‌ی خشتی را بخرم... هر چند رطوبت دارد و سقفش را با برگ خُل پوشانده‌اند.» قاضی نگاهی به دوروبرش انداخت. دیوارهای اتاق تمیز بود، کف اتاق هم همین‌طور، ولی فرش زیر پایش رنگ و رو رفته و پر از لک و پیس بود، اما ناجورترین تجهیز در دفترش، میز تحریر زهواردررفته‌اش بود. «خدای من! حیرتانگیز است. وضعیت قاضی را نگاه کن، چه میز فکسنی‌ای! قاضی‌ای که آن قدر قدرت دارد که حکم اعدام صادر کند، آدم‌ها را روانه زندان کند یا از زندان آزاد نماید، روی یک صندلی می‌نشیند که مال عهد دقیانوس است... چه می‌شود کرد. اگر دست من بود می‌دادم دیوارها را رنگ خاکستری بزنند. ولی تدارکات‌چی‌های اداری این‌طور مقرر کرده‌اند که فقط دیوارهای اتاق وزیر خاکستری رنگ باشد. چرا؟ خدا می‌داند!»

صدای در که به گوش قاضی رسید سریع خودش را جمع و جور کرد. متوجه شد که این باید گروهیان عبدالکریم باشد. هیچ‌کس دیگر نه اجازه‌ی این کار را دارد و نه جرأت آن را. قاضی با صدای بلند و خشکی گفت: «بیا تو، عبدالکریم!» در باز شد و عبدالکریم که سرش را پایین انداخته بود، وارد شد و همراه او موجی از هوای گرم و سروصداهای بیرون اتاق به درون جریان یافت. سالن دادگاه پر از جمعیت شده بود. با قدم‌های محکم و نظامی گروهیان، انگار کف اتاق در حال شکافته شدن بود. گرومپ... گرومپ... گرومپ.

گروهیان تند و تیز پاشنه‌هایش را به زمین می‌کوبید. پاهای او مثل دو بازوی خودکار و قوی عمل می‌کردند. «عالیجناب! همه چیز آماده است. محاکمه‌ی یک قاچاقچی.» گرومپ... گرومپ. یک قدم به عقب، سلام نظامی غزایی داد و خبردار ایستاد.

- بسیارخوب، گروهیان عبدالکریم. مرسی!

بیشترین شادی و هیجان گروهیان برای وقت‌هایی بود که سالن دادگاه پر بود از آدم‌ها، آن زمان بود که او می‌توانست با نشان دادن موقعیت و جدیت خود در کار احساس رضایت و غرور کند. «الان هفده سال است که لباس نظامی بر تن دارم. چقدر خوشحالم که در تمام عمرم فقط یک روز تن به مدرسه دادم و در همان روز، در اولین فرصت، از مدرسه دررفتم.»

سالن دادگاه چندان بزرگ نبود. تعداد پنجره‌ها به اندازه‌ای بود که هوای خنکی در سالن جریان داشته باشد. در انتهای غربی سالن، سکوی بزرگی و کنار آن میز تحریری بود اندازه‌ی میز تحریر اتاق قاضی. میز خیلی تمیزی بود، شاید به خاطر اینکه در چنین جایی قرار گرفته بود تا حدی با شکوه جلوه می‌کرد.

گروهیان عبدالکریم امور سالن را زیر نظر داشت و با گفتن جملاتی مثل: «ساکت باشید؛ لطفاً حرف نزنید؛ گوسفندها، سکوت را رعایت کنید؛ اینجا دادگاه است، طوبله که نیست و...» خطاب به حاضران، سالن را مدیریت می‌کرد. مردم هجوم آوردند که وارد دادگاه شوند، همدیگر را هل می‌دادند. عبدالکریم با لحنی تندتر و صدایی بلندتر گفت: «کار و کاسی ندارید که آمدید شاهد مصیبت یک زائر خانه‌ی خدا باشید.» طوری این کلمات را ادا کرد که طعنه‌اش پوشیده نماند. با این لحن سکوت ناخوشایندی بر سالن حکمفرما شد. حاضران روی نیمکت‌های چوبی قهوه‌ای‌رنگ که جای راحتی نبود نشسته بودند. نیمکت‌ها پشتی نداشت. قاضی که وارد شد همه برخاستند. حاج زینب، در جایگاه متهم، کنار پلیسی مسلح نشسته بود. قاضی، چندان از حاج زینب دور نبود و زینب را می‌دید که سرش عرق می‌ریزد. زینب لباس پر زرق و برق و گران‌قیمتی پوشیده بود. لباسش آبی رنگ بود و کفشش خاکستری. سرتاسر لباس بلندش منجوق‌دوزی شده بود. زینب با خود می‌گفت: «لباسی بی‌پوشم که در خور این گرفتاری‌ها باشد.» اما محمود در این فکر بود: «اگر محکوم و زندانی‌اش کنند، تکلیف من چه می‌شود؟»

صدای قاضی سکوت فضای سالن را شکست:

در شماره ۲۰۴، بخش اصلی پرونده توسط دکتر کازم ودیعی نوشته شده بود. در این بخش، پاراگراف اول که توضیح تحریریه هفته بود، به اشتباه از بقیه مطلب جدا نشده و به این ترتیب این نوشته از نوشته دکتر کازم ودیعی قابل تفکیک نبود. از این بابت از دکتر ودیعی و خوانندگان گرامی پوزش می‌خواهیم. / تحریریه هفته

خوب که بنگریم پوتین در خدمت ایران است



ولادیمیر پوتین دیگر به سوریه سلاح نمی‌دهد، اما به ساحل سوریه نیروی دریایی گسیل می‌دارد. وی به بهانه «حاکمیت ملی» نظام اسد، روسیه را به عهد شوروی شبیه ساخته است و در سه جبهه: مخالفان درون روسیه و افشاگران انتخابات، صنایع هسته‌ای ایران، و سوریه منقلب درگیر کرده است.

در جبهه داخلی، پوتین به مدد دوست خود، ژنرال الکساندر باستری کین: A. Bastrykin نه تنها دست به تأسیس سازمانی مخوف‌تر از کا.گ.ب عهد شوروی زده است، بلکه مجلس «دوما» را تحت فشاری غیرعادی برای تصویب قوانینی نهاده است که به هر حال اپوزیسیون را از مدار مخالفت خارج، و به خط و راهروهای زندان ارسال بدارد.

مجلس روسیه طی دو هفته سرانجام با اکثریتی وسیع «434 رأی موافق از کل 450 تن نماینده» آنچه را باب طبع سرکش و انتقام‌جویانه پوتین بود به تصویب رساند و حزب اتحاد روسیه ثابت کرد که فرهنگ سیاسی شوروی در روسیه پوتین به قوت و شدت پابرجاست و قادر است مختصر تعدیلات عهد مدودف را هم پایمال کند.

در آخرین تظاهرات مسکو 60000 نفر شرکت کردند و شگفت‌آور است که در یک کشور میلیون نفری با 18 میلیون کیلومتر مربع وسعت، چنین تظاهرات کم‌بعد و نفر را نظام تحمل نکند، و انگاری ایران.

روسیه که به سیمای ولادی‌وستوک 600 هزار نفری در انتهای شرقی سیبری اخیراً می‌نازید و ناگهان مسکو

دریافت استاندار سرگی دارکین، مظهر مهترین فساد مالی است، البته در وسعت شکناست و در مدیریت نیز. اینک خبر می‌رسد که روسیه پاییز ملت‌همی را در پیش دارد.

چند تن از آخرین روزنامه‌نویسان رسمی که هنوز خود را مهار نکرده‌اند فریاد برآورده‌اند که: آزادی بیان مرد. دولت به تمام سایت‌ها و ONG‌های مخالف انگ عامل خارجی را چسبانیده است. وقتی میکائیل فدوتوف، مشاور مسأله حقوق بشر شخص پوتین و کرملین به خود اجازه سخن دهد در همین ایام از ترس پوتین به خفقان می‌رود (گزارش P. AVRIL از مسکو).

لیلا چراتسوا L. Chevtsova، سیاست‌شناس عضو مؤسسه کارنگی Carnegie می‌گوید، مجلسی‌ها در وحشت‌اند و از ترس پوتین به او و لایحه‌های دولت او رأی می‌دهند.

دو رهبران بزرگ مخالفان به نام‌های الکس ناوالنی A. Navalny و سرگی اودالتون S. Ouoactsov در کانون خطراند. محاکمات به شیوه سال‌های 1936-7 در جریان است و کسی به فردای خود یقین ندارد.

گویی نمی‌بینند که در سوریه بشارالاسد به انکای خاندان علوی بر کمتر از 3% از مردم سوریه حکومت کرده است، و مخصوصاً گویی آقای پوتین متوجه نیست که ایران مایل است دست غرب را در جنگی علیه سوریه بند کند. ولی غرب هشیار، تن به این خطا نمی‌سپارد. به دلیل رگ و ریشه‌های استوار فساد در شجره موذی نظام اسد، مسلماً آثار انقلاب عرب دیر به این سرزمین رسیده است و اروپای غربی به سوریه لشکر نمی‌کشد. این نظام خود قبرکن خود است.

ولادیمیر پوتین باور کرده است که نسق‌گیر یا نسق‌چی خاور میانه و احیاکننده دو بلوک شرق و غرب جدید است. نکند وی قدرت خود را در مساحت وسیع روسیه می‌بیند و به یاد نمی‌آورد که روسیه همیشه مانع رشد سیبری بوده است، به سبب تزاربسم مستعمره‌گر و به سبب فن‌آوری‌های بسیار ابتدایی همان روسیه.

در 2010 انفجار در متروی مسکو سکه‌ای بود دو رویه به امضای «دو کوعمراف» چینی، به انتقام از کشتار دولتی مردان و زنان انگوشی. از آن سال به این طرف نظام به هر بهانه خود را امنیتی نظامی‌تر ساخته و می‌سازد، تا هرگونه آزادی در نطفه خفه شود. این فشار

کار خود را کرد و مردم را متوجه جنبش‌های اعتراض ملی در همه‌جا نمود.

روسیه نفت و گازفروش، با آن همه وسعت و استعداد هنوز 30% گوشت مورد نیاز و 20% لبنیات و 70% میوه را از خارج تهیه می‌کند، درحالی‌که اراضی قابل کشت وسیعی بی‌بهره مانده‌اند. روسیه پوتین از درآمد نفت و گاز و فروش اسلحه می‌زید.

در مورد سوریه ترک‌ها تردیدهایی دارند بر وجود سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، زیرا بعید نیست ایران و روسیه جدا جدا در کمال پنهان‌کاری این جبهه را آراسته باشند.

اما در سرشت شخص ولادیمیر پوتین، جوهری از خود محوری‌هاست که مایل است به بهانه ضدیت با غرب از خود و هم‌جنسان خود جبهه‌ای بسازد در برابر افق باز دموکراسی آرمان‌گرای مردم جهان. او ازین غرب‌ستیزی چه سود می‌برد، جز ایجاد تنش و پراکندن سم اجتماعی در جو جهان. روسیه ممکن نیست بی همکاری با غرب و بدون تحریک مردم و رهبران خاورمیانه درهاله احترام جهانی بزند. چه سود از این همه بازی‌های تنش‌زا با حق و تویی که در عهدی خاص و در شرایطی متفاوت از امروز نصیب شوروی شد و میراث آن به پوتین رسید.

مردم مسلمان خاور میانه در حرکت ضددیکتاتوری خود بعید است سر تسلیم به دیکتاتوری تازه روسیه فرود آورند. آنها حتی در اقدام احکام شریعتی خود کوشا هستند.

مسأله این نیست که جبهه دیکتاتورها به آقای پوتین رو کرده و استدعای کمک کند. بشارالاسد به تنهایی بهتر از خود دفاع می‌کند تا با جماعت روسیه‌ای که چهل سال است به روسیه داده و از آن کشور هیچ نگرفته است.

روس‌ها با مصر بازی‌ها کردند و به جایی نرسیدند. ایران امروز هم واقعاً به حمایت کشوری که در گذشته سرزمین‌های بسیار از آن گرفته و پس نداده و برای تجربه‌ها و امتیازات نفتی هزار توطئه تنیده است، نیاز ندارد. در حقیقت روسیه بیهوده مایل است خود را نزد ما عزیز کند. ایران به هر حال عزت خود را از روسیه کسب نخواهد کرد و دفاع روسیه از ایران در اجلاس‌ها، سرپوشی است بر تقاضای امتیازات کشور روسیه از غرب. روس‌ها بر کشتار اسد، فرار ارتشیان، پشت کردن سفرا به قدرت سیاسی حاکم سوریه که هم امروز 150 نفر



آقای سرجون ساوریس S. J. Sawers حتی می‌گوید که سران ایران از ماه مارچ 2012 درین راه‌اند. وی اضافه می‌کند که ایران اوقات هدررفته را جبران کرده است. این است بهره‌ای که ایرانیان از های و هوی پوتین برده و می‌برند. حتی در قضیه سوریه ایران بسیار مایل است دست غرب را بیشتر بند کند و روسیه و غرب را در دریای مدیترانه به جان هم اندازد.

رفتن کوفی عنان به تهران به سود ایران و به ضرر کوفی عنان تمام شد. زیرا ایران طرح غیرقابل عمل او را تأیید کرد و وقتی کوفی عنان از تهران برگشت، در مذاکرات با اسد به توافقی رسید. او فکر کرد در پیروزی است، درحالی‌که دو روز بعد اسد بی‌اعتنا به همان تعهدات به کشتار در تریمس Treimsa دست زد و حیثیت کوفی عنان لطمه خورد. زیرا در محاسبات عقلانی و پرحسن نیت او وزنه‌های اسد و تهران به حساب گرفته نشد.

اسد درین کشتار آخرین جان 150 تن مبارز را گرفت و وزیر خارجه پوتین این جنایت و عهدشکنی اسد را به حساب «عوارض جنگ» نهاد.

درین قضایا غرب بر تدابیر آقای دبیرکل سازمان ملل سرزنش‌ها کرد، ولی از مأموریت کوفی عنان هنوز ماهی مانده و کاری نمی‌شود کرد.

چرا آقای زیواری، وزیر خارجه عراق در سفر خود به پاریس می‌گوید کشورش در آستانه قطع رابطه با سوریه است و چرا سفیر سوریه در عراق به دمشق پشت می‌کند؟

حقیقت آن است که القاعده‌ای‌ها در سوریه مشغول به تدارکاتی‌اند که در صورت خلاء قدرت، قد علم کنند. دنیای عرب از ترس اتهام برادرکشی بیم دارد در سوریه دخالت کند.

پوتین تا آخر مأموریت خود می‌رود. ولی پوتین درخواهد یافت که نه علیه غرب، بلکه در خدمت ایران بوده است ■

خود باشند. به همین دلیل در قضیه ظهور قدرت تروریستی در مالی احتمال بسیار می‌رود که کشورهای همسایه مالی با ائتلافی نظامی دست به حمله سراسری در مالی AZAWAD بزنند. کافی است الجزیره اراده کند تا مالی، مالی شود. به قول ماننیا دیوارا Mantnia Dlawarr، نویسنده و رئیس مؤسسه مطالعه روابط آفریقا آمریکا وابسته به دانشگاه نیویورک، چون رهبر تروریست‌های مالی الجزیره‌ای بود، نظام الجزیره می‌باید تا بچنبد، وگرنه همین روزها آقای پوتین خود را وکیل و قیم آنها هم می‌سازد.

برگردیم به اصل هیولایی پوتین که باور کرده است با دفاع از سوریه بشارالاسد هم به خود خدمت می‌کند و هم به اسد و هم به ایران ولایی.

درحالی‌که ایران مشکل عمده‌اش سوریه اسد نیست و سوریه برای ایران جز سرپلی در تسخیر سیاسی و روانی عراق و لبنان حزب‌اللهی نیست. اما ایران روسیه را می‌نوازد تا در اجلاسی جهانی بر آمریکا بتازد؛ پس ایران وقت پیدا کند و صنایع هسته‌ای و استحکامات خود را در سراسر کرانه‌های خلیج فارس و تنگه هرمز و بحر عمان به سطح دفاعی لازم برساند، آن هم در برابر هر مهاجم.

اما ایران در عرصه صنایع هسته‌ای به سبب هوشیاری غرب و فن‌آوری‌های پیشرفته و اخلاص‌ها، برنامه‌هایش شش سال عقب افتاده است.

این است که به زمان بیشتر و مساعدتری احتیاج دارد. پس هرچه بیشتر پوتین، غرب را سرگرم چانه‌زنی‌ها و مذاکرات کند به سود ایران است.

اینک محافل انگلیسی معتقدند که ایران در سال 2014 به بمب خود می‌رسد. این اطلاع مستندش اظهارات رئیس سرویس اطلاعات بریتانیا (MI6) است. وی می‌گوید در ایران این فکر که باید به سلاح مؤثر و فن‌آوری لازم بروند، قطعاً وجود دارد.

را کشت، بی‌اعتنایند و پوتین نمی‌بیند که نمایندگان او در سازمان ملل و یونسکو تا چه حد شرمسار همکاران و هم‌تاهای خوداند.

وقتی بانو کلینتون از سقوط نزدیک اسد حرف می‌زند و روسیه و چین را متهم به مانع از کار و کمک جامعه جهانی به رفع مظالم اسدی می‌نماید، به معنای مرگ ادعاهای هر دو نظام دیکتاتوری است.

وقتی در بعضی محافل شایع می‌شود که انگلستان از اروپا جدا و به خاور میانه به مدد روسیه برمی‌گردد، این دیگر ساخته عوامل مسکوی است. در خاورمیانه دیکتاتورمنشی ذوب می‌شود، حتی اگر برآمده از بنیادگرایی‌ها باشد. چرا سارا بنت طلال بن عبدالعزیز، پرنسس سعودی پشت پا می‌زند به همه چیز، و تقاضای پناهندگی خود را به مقامات لندن داده است و از خاندان خود شرم دارد و می‌گوید: من تهدیدی بودم برای نظام، چون رو به اصلاحات کردم؟ چنین است پدیده‌های کهن که در حال ذوب شدن است.

باری، اسد هنوز 275 هواپیما دارد. وی قادر است دست به بمب شیمیایی برد و این را آقای جفری وایت، وابسته به مؤسسه واشنگتن احتمال داده است.

اسد، لشگری از شبه نظامیان علوی دارد و توپخانه او سرحال است؛ توپخانه‌های حاوی توپ‌های 180 میلیمتری و راکت‌اندازه‌هایی با کالیبر 333 میلیمتری.

ولی اسد همین ارتش را دارد و مردم پشت ارتش نیستند، پس ارتش اسد به تحلیل می‌رود و ارتش رهایی‌بخش نیرو می‌گیرد.

در جهان اسلام عرب بشار الاسد متحدی ندارد. کشورهای عرب مسلمان در سرزنشش با اویند که برادری اسلامی را رعایت نمی‌کند. درس بزرگی که کشورهای اسلامی از وضع سوریه و حرکات تروریستی با رنگ و لعاب اسلامی گرفته‌اند این است که، خود حلال مشکل

پینک فلوید و موسیقی که همچنان میخ کوب می‌کند به بهانه‌ی حضور راجر واترز در مونترال

شکل‌گیری و سال‌های ابتدایی (۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸)

پینک فلوید از یک گروه راک قدیمی‌تر به وجود آمد که در سال ۱۹۶۵ تشکیل شده بود، و در دوره‌های مختلف با نام‌های سیگما ۶، مگادثز، آرکیتکچرال ابدبز، اسکریمنگ ابدبز، و به بیان ساده‌تر ابدبز خوانده می‌شدند. وقتی گروه از هم پاشیده شد، بعضی از اعضای گروه، گیتاریست‌ها باب کلوز و راجر واترز، درامر نیک میسن و نوازنده پیانو و ارگ ریچارد رایت، گروه جدیدی به نام «تی بست» تشکیل دادند. بعد از یک دوره کوتاه که کریس دنیس، خواننده گروه، رهبری گروه را به عهده داشت، سید برت به عنوان خواننده و گیتاریست به گروه پیوست و واترز نوازنده‌ی گیتار باس، گروه شد.

وقتی اعضای گروه فهمیدند نام گروه دیگری نیز «تی بست» است، سید برت نام «آوای پینک فلوید» را پیشنهاد کرد که از اسم دو موزیسین بلوز، پینک اندرسون و فلوید کانسل مشتق شده بود. تا مدتی پس از این، اعضای گروه برای انتخاب اسم بین «تی بست» و «آوای پینک فلوید» مردد بودند که در نهایت «پینک فلوید» انتخاب شد.



دوران رهبری سید برت (۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸)

در سال ۱۹۶۶ گروه اولین کارهای خود را در کلوب‌های زیرزمینی لندن آغاز کرد. در سال ۱۹۶۷ اولین آهنگ گروه به نام آرنولد لین منتشر شد و جزء بیست آهنگ پرفروش انگلستان قرار گرفت. در ماه مه ۱۹۶۷ «آهنگ نواختن امیلی را ببین» منتشر شد و برای نخستین بار گروه را در مقام ششم جدول بهترین‌های موسیقی انگلستان قرار داد.

پس از مدتی سید برت ۲۱ ساله که از سوی هواداران راک با اقبال فراوان مواجه بود، به دلیل افراط در مصرف مواد مخدر نتوانست نقش خود را در گروه ایفا کند. محبوبیت بیش از حد، سید برت را تحت فشار قرار داد و باعث شد که به تدریج به یک رهبر غیرقابل استفاده بدل شود. در سال ۱۹۶۸ سید برت پذیرفت که از گروه جدا شود و دیوید گیلر در کنار سه عضو دیگر قرار گرفت.

راک (Psychedelic Rock) است که از سال ۱۹۶۵ به رهبری سید برت، نوازنده گیتار، شروع به کار کرد و در دهه ۷۰ میلادی به اوج شهرت خود رسید. دیگر اعضای گروه، راجر واترز (گیتار باس)، ریک رایت (کی‌بورد) و نیک میسن (درام) بودند. سید برت در سال ۱۹۶۸ به دلیل عوارض ناشی از سوء مصرف ال‌اس‌دی و ناتوانی در حضور مؤثر در اجراهای زنده (و حتی در استودیو) عملاً از گروه کنار گذاشته شد و دیوید گیلر که گیتاریست توانمندی بود، جایش را گرفت.

در سال ۱۹۷۳ پینک فلوید با آلبوم نیمه تاریک ماه توانست خود را در ایالات متحده آمریکا نیز به فوق‌ستاره موسیقی تبدیل کند. در سال ۱۹۸۵ راجر واترز که پس از سید برت نقش اصلی در آهنگسازی و سرودن شعرهای پینک فلوید را بر عهده داشت، به دلیل اختلاف با اعضای گروه از آن‌ها جدا شد.

یکی از بارزترین ویژگی‌های سبک پینک فلوید استفاده از صداهای الکترونیکی و جلوه‌های ویژه در آهنگ‌هایشان بود، و دیگری شعرهای ساده و کودکانه اما نافذ.

یکی از محبوب‌ترین گروه‌های راک جهان «پینک فلوید» است که بعد از نیم قرن هنوز جذابیت خود را برای مخاطب‌هایش از دست نداده است. تور The Wall ۲۰۱۲ راجر واترز که اجرای مونترالی آن در Bell Centre با استقبال کم‌نظیر روبه‌رو شد، شاهد این ادعاست. از محبوبیت دنباله‌دار گروه که بگذریم، بی‌تردید آثار این گروه پرفراز و نشیب در موسیقی راک تاریخ‌ساز شد و The Wall یکی از آثاری است که به جهت معنا‌نازگی دارد و به جهت فرم، برای بسیاری از مردم دل‌پذیر است.

همه این‌ها و به‌ویژه کنسرت مونترال این گروه سبب شد در صفحه موسیقی هفته، «پینک فلوید» را آهنگ کنیم.

پینک فلوید (Pink Floyd) یکی از مشهورترین، ماندگارترین و خلاق‌ترین گروه‌های موسیقی راک انگلیسی و خالق سبک و موج جدیدی در موسیقی راک، تحت عناوینی چون پراگرسو راک (Progressive Rock)، اسپیس راک (Space Rock) یا سایکلدلیک

که دیوید گیلور روی دیوار بلندی در حال نوازندگی است و راجر واترز هم پایین دیوار در حال خوانندگی، و اینجاست که با بهره جستن از جدیدترین جلوه‌های سمعی و بصری بیننده را مبهوت خود کرد»

دوره رهبری دیوید گیلور (۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵)

در سال ۱۹۸۶ واترز رسماً خروج خود از گروه را اعلام کرد و گروه در این ایام بیشتر درگیر دعوای حقوقی بود. دیوید گیلور گروه را به همراه ریک رایت و نیک میسون دوباره تشکیل داد. گروه در سال ۱۹۸۷ آلبوم‌های «لغزش آنی در عقل» و «غرش ظریف رعد» را منتشر کرد و آخرین آلبوم ترکیب جدید گروه در سال ۱۹۹۴ با نام «ناقوس جدایی» منتشر شد.

اجرای Live ۸ ۲۰۰۵

پس از دو دهه، در سال ۲۰۰۵ گروه به همراه راجر واترز کنار هم جمع شدند تا در کنسرت لایو ۸ شرکت کنند. این کنسرت به منظور مبارزه با فقر و برای تشویق هشت کشور ثروتمند جهان برای کمک به کشورهای فقیر صورت گرفت. دوازده کنسرت در روزهای ۲ و ۶ و ۷ جولای ۲۰۰۵ در شهرهای مختلف هشت کشور صنعتی جهان برگزار شد و اعلام شد که درآمد آنها برای کاهش فقر مصرف خواهد شد.

اجرای لایو (۲۰۱۱)

آخرین کنسرت این گروه، ۲ مه ۲۰۱۱ در لندن بود که با اجرای فوق‌العاده‌ای از نور و صدا همراه بود و بنا به گزارش‌ها جمعیت را میخ‌کوب کرده بود. اوج این کنسرت در قطعه Comfortably Numb بود

پس از سید برت (۱۹۶۹ تا ۱۹۹۵)

پس از کنار رفتن سید برت از گروه، راجر واترز نقش محوری خود در ساخت آهنگ‌ها و تنظیم اشعار را ایفا کرد. او که نگاهی عمیق، دقیق و باکیفیت به موسیقی داشت، جریان‌های تازه در موسیقی راک انگلستان به وجود آورد.

در بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۷ آلبوم‌های اوم‌ماگوما، مادر قلب اتمی، پوشیده در ابرها، فضولی و نیمه تاریک ماه منتشر شدند که آلبوم آخر به یکی از پرفروش‌ترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی راک تبدیل شد. آلبوم «ای کاش این‌جا بودی» یادآور سید برت شد و «حیوانات» مجموعه‌ای از آهنگ‌ها درباره انسان و سفری درونی برای کشف آدمی بود. در سال ۱۹۷۷ آلبوم «دیوار» منتشر شد. این آلبوم موفقیت عجیبی برای پینک فلوید به وجود آورد و همین باعث اختلافات درونی در گروه شد.

دوره رهبری راجر واترز (۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴)

در سال ۱۹۸۳ آلبوم «ضربه آخر» توسط واترز سامان داده شد. رایت و میسون در ۱۹۸۴ از گروه کناره گرفتند و گروه در معرض نابودی قرار گرفت. بعد از انتشار ضربه آخر که آلبومی است سیاسی و کل سیاستمداران مطرح جهان را به تمسخر گرفته، ملکه بریتانیا دستور اخراج این گروه را از خاک انگلیس داد.

آلبوم‌شناسی گروه پینک فلوید

- نی‌زن بر دروازه‌های سپیده‌دم (۱۹۶۷)
- آنتن رادیو تلسکوپی پر از راز (۱۹۶۸)
- موسیقی متن فیلم بیشتر (۱۹۶۹)
- اوم‌ماگوما (۱۹۶۹)
- مادر قلب اتمی (۱۹۷۰)
- فضولی (۱۹۷۱)
- پوشیده در ابرها (۱۹۷۲)
- نیمه تاریک ماه (۱۹۷۳)
- ای کاش این‌جا بودی (۱۹۷۵)
- حیوانات (۱۹۷۷)
- دیوار (۱۹۷۹)
- ضربه آخر (۱۹۸۳)
- لغزش آنی در عقل (۱۹۸۷)
- ناقوس جدایی (۱۹۹۴)

آموزشگاه موسیقی سارنگ

Sarang Academy of Music

با مجوز رسمی در کانادا و در ایران و با ارایه گواهینامه معتبر فروش انواع ساز، تعمیرات و کوک کردن

- کمانچه: سعید کامجو
- تنبور و سه تار: پوریا پورناظری
- ویلون، ویلون آلتو و پیانو: بابک نامور
- سنتور: کوروش عشیق
- تار و دو تار: ایمان صادق زاده
- پیانو و کیبورد: مسعود بطحایی
- تنبک: حسام دادآفرین
- گیتار الکتریک: سعید مرادزاده
- گیتار کلاسیک و پاپ: رضا رضایی

514.677.8358

1396 Ste Catherine St. West #308, Montreal, QC H3G 1P9

ساعت‌های کاری: دوشنبه تا شنبه از ۱ بعدازظهر تا ۹ شب

sarangmusicacademy.ca

راه دشوار زنان به دشت ستاره‌ها هم‌زمان با درگذشت سالی رایید



سالی رایید، نخستین زن آمریکایی که عازم فضا شده بود، روز دوشنبه هفته گذشته و در سن ۶۱ سالگی و در حالی که مدت‌ها از ابتلا به سرطان پانکراس رنج می‌برد، بدرود حیات گفت. سالی، نخستین زن آمریکایی بود که پس از سال‌ها مبارزه زنان برای ورود به برنامه‌های فضایی، سرانجام قدم به فضا گذاشت. راهی که زنان در آمریکا طی کردند تا بتوانند سرانجام ۲۰ سال پس از رقیب شرقی خود، شوروی، قدم به فضا بگذارند راه دشواری بود. اگرچه راه سفر به فضا هیچ‌گاه مسیر آسانی نبوده، اما برای زنان این راه دشواری بیشتری داشت.

اگرچه در شوروی خیلی زود والنیتینا ترشکوا به مدار زمین رفت، اما در ایالات متحده ۲۰ سال پس از ترشکوا بود که سالی رایید، به عنوان اولین زن فضانورد آمریکایی عازم مدار زمین شد. برخی از مردم گمان می‌کنند زنان برای ورود به عرصه فضا در دیگر کشورها، به‌خصوص در ایالات متحده، راه آسانی را پشت سر گذاشته‌اند، اما شاید جالب باشد بدانید، در قوانین فضانوردی آمریکا، مرد بودن یکی از شرایط اصلی فضانورد شدن بود

والنیتینا ترشکوا: آغازگر سفر زنان به فضا

والنیتینا ولادمیرونا ترشکوا، ۶ مارس ۱۹۳۷ در روستای کوچکی در غرب اتحاد جماهیر شوروی به دنیا آمد. پدر او راننده تراکتور و مادرش کارگر یک کارخانه

پارچه‌بافی بود. والنیتینا از بچگی عاشق چتربازی بود و در نزدیکی محل زندگی خود تمرین‌هایی کرد و سال ۱۹۵۹ اولین پرش خود را انجام داد. والنیتینا تحصیل خود را تمام نکرده بود، اما تقدیر بر این بود که برگ پرافتخاری از تاریخ به نام او ثبت شود. زمانی که شوروی، برنامه فضایی خود را با پرتاب اسپوتنیک ۱ و سپس اسپوتنیک ۲ به رخ غرب کشاند، که حامل سگی به نام لایکا، اولین موجود زنده زمینی مسافر فضا بود، در سال ۱۹۶۱ گام بلند بعدی را برداشت و یوری گاگارین را به فضا فرستاد تا اولین بار انسانی قدم به فضای بیرون زمین بگذارد و عصر سفرهای فضایی انسان آغاز شود. برنامه فضایی شوروی از سوی مغز متفکری به نام سرگئی کورولوف، هدایت می‌شد. او پس از موفقیت پرواز گاگارین تصمیم گرفت تا افتخار اعزام نخستین بانوی فضانورد را نیز به خود اختصاص دهد و به همین دلیل شروع به انتخاب داوطلب‌هایی برای این کار کرد و والنیتینا نیز یکی از این داوطلبان بود. بعد از تحقیقات فراوان از بین چند صد نفر، سرانجام ۵ نفر وارد برنامه فضایی شوروی شدند و در بین آن‌ها والنیتینای ریزنقش،



برنده این رقابت بود. او با توجه به تجربه پرش با چتر، قد کوتاه‌تر از ۱۷۰ سانتی‌متر و وزن کمتر از ۷۰ کیلوگرم، بهترین گزینه ممکن بود. از آن پس تمرین‌های فشرده والنیتینا آغاز شد. پس از سپری شدن دوره‌های مختلف تمرینی، قرار شد در اولین پرواز هم‌زمان با فضاییماهای وستوک ۵ و وستوک ۶، ترشکوا خلبانی وستوک ۶ را به عهده بگیرد. بامداد ۱۶ ژوئن ۱۹۶۳ ترشکوا به سکوی پرتاب وستوک ۶ رسید و با نام رمز چایکا (به معنی مرغ دریایی) پرواز تاریخی خود به فضا را آغاز کرد. ترشکوا ۲ روز و ۲۲ دقیقه را در فضا سپری کرد، ۴۸ بار به دور زمین سفر کرد و به زمین بازگشت تا برای اولین بار در تاریخ، بانویی از زمین از مرزهای فضا عبور کند. ترشکوا پس از بازگشت، تحصیلات خود را به پایان رساند. او پس از سفر خود به نمادی از شوروی تبدیل شد و تلاش‌های زیادی را برای زنان انجام داد و جوایز زیادی را از آن خود کرد و اکنون در سن ۷۱ سالگی در روسیه زندگی می‌کند. او در مراسم عبور مشعل المپیک بازی‌های ۲۰۰۸ پکن، یکی از نمایندگان روسیه بود که در میدان سنت‌پترزبورگ مشعل المپیک را حمل کرد. ترشکوا به تازگی در گفت‌وگویی مطبوعاتی گفته است: آرزو دارم به مریخ سفر کنم، حتی اگر این سفر، سفری یک‌طرفه باشد. رقبای آمریکایی شوروی‌ها، ۲۰ سال پس از ترشکوا، سالی رایید را به فضا فرستادند، اما تا آن موقع روس‌ها نخستین راهپیمایی فضایی برای زنان خود را نیز تدارک دیده بودند.

اسویتلنا ساویتکایا: نخستین پیاده‌روی زنانه در فضا

اسویتلنا، در ۱۸ اگوست ۱۹۴۸ در مسکو

دین در برابر فلسفه: یک تعارض اشتباه گفت‌وگوی روزنامه دووار با ژان گروندن (۱)

بخش اول از دو بخش

در روزگاری که دین به عنوان مخالفتی با هر گونه تفکر فلسفی معرفی می‌شود، چگونه می‌توان به فلسفه دین پرداخت.

ژان گروندن، Jean Grondin، استاد فلسفه دانشگاه مونترال کانادا، متخصص فلسفه آلمان، تاریخ متافیزیک و هرمنوتیک است. او فیلسوفی شناخته‌شده در سطح بین‌المللی است و کتاب‌هایش به چندین زبان ترجمه و چاپ شده است.

روزنامه دووار چاپ مونترال، در اواخر ماه آوریل ۲۰۰۹ مصاحبه‌ای با این اندیشمند کانادایی انجام داده است که ترجمه آن در زیر می‌آید.

برخی متفکران، از جمله لئو اشتراوس، فلسفه را به آتن



استاد فلسفه دانشگاه مونترال Jean Grondin لژان گروندن.

ربط می‌دهند و دین را به اورشلیم. از یک‌سو، انسانی ایستاده که از فکرش استفاده می‌کند و از سوی دیگر انسانی زانو زده که سجده می‌کند. آیا شما در سفر خود موفق شدید آشتی میان آتن و اورشلیم ایجاد کنید؟ یا به اشتباه ما فکر می‌کنیم که اینها از دست هم عصبانی هستند؟

این به عهده بنده حقیر نیست که آنها را با هم آشتی دهم. فکر می‌کنم آنها همیشه دیالوگی پربار و زاینده با هم داشته‌اند. به قول شما، به اشتباه گمان می‌کنند که آنها از دست هم عصبانی هستند (البته، برخی چهره‌های لجباز در آتن یا اورشلیم از دست هم عصبانی هستند، اما آنها ضرورتاً نمایندگان این دو، یعنی فلسفه و دین نیستند). مسأله این است که تفکر یکی از اینها (فلسفه) بدون وجود دیگری ممکن نبوده است (دین قبل از فلسفه وجود داشته). وقتی فلسفه و علم به وجود آمدند، این منجر به ایجاد تغییر در دین و پالایش دین شد.

افلاطون و ارسطو اورشلیم را نمی‌شناختند، اما تفکرات

متافیزیکی آنها (که بر اساس آن، جهان توسط یک ساحت برتر که فکر به آن دسترسی دارد اداره می‌شود)، مدیون و مرهون سنت دینی خودشان بود، که آنها با این سنت دینی با احترام برخورد کردند، اما در جایی که سنت دینی آنها سخنان غیرعقلانی را بسط می‌داد، افلاطون و ارسطو آن را به نقد می‌کشیدند. بنابراین، این انتقاد از دین همیشه جزئی از تجربه دینی محسوب می‌شد: اشاره کنیم به انتقاد از بت‌ها در یهودیت، انتقاد از دغدغه یهودیت برای انجام شریعت دینی در مسیحیت، انتقاد از تثلیث (سه‌گانگی) مسیحیت در اسلام، و همچنین پروتستانتیسم و رفرم‌های درون خود پروتستانتیسم.

کمی آتن در اورشلیم هست و کمی اورشلیم در آتن.

به نوعی. من در اثر خود به نام فلسفه دین، سعی می‌کنم به دیون فلسفه به دین و دیون دین به فلاسفه اشاره کنم. اوگوستین قدیس دین خود (دین واقعی) را بهترین فلسفه می‌دانست، زیرا به زعم او دین، نتیجه جستجوی حکمت است. جستجوی حکمت همان فلسفه است. سیسرون به نوبه خود میان دین و خرافات تمایز قائل بود و می‌گفت دین نیاز به بازخوانی دقیق و عقلایی دارد. خلاصه، ایده عقلانی بودن جهان مربوط به فلسفه (آتن) ارتباط زیادی با میراث اورشلیم دارد. اما وقتی اورشلیم باید حکمت خود را بیان می‌کرد، از دایره لغات فلسفه بسیار استمداد جست. البته صحبت میان پل مقدس و فیلسوفان آتن به جایی نینجامید. اما نوشته‌های مهم پل مقدس نشان می‌دهد که فلسفه زمان خود را به خوبی می‌شناخت. در مورد فلاسفه این دوره باید گفت که آنها مدت‌ها به تأویل مجدد و عقلانی سنت اسطوره‌ای خود می‌پرداختند. اساساً، آنها فلسفه را مکتب حکمت می‌دانستند (پیرهادوت و میشل فوکو به این مسأله اشاره کرده‌اند) و می‌دانستند که فلسفیدن به دین بسیار نزدیک بوده است.

آتن و اورشلیم فقط از نادیده گرفتن هم رنج می‌برند. البته این را می‌گویم چون که نادیده گرفتن جدیدی از دو طرف در حال شکل‌گیری است. هم فلسفه و هم دین از این مسأله رنج بردند و خواهند برد: فلسفه دیگر الهام‌بخش نیست و دین نیز در خطر فرورفتن به بی‌خردی و دوری از خرد قرار دارد.

اخیراً منجم معروفی به نام پیر شاستنی نوشت: کلیسا با عذرخواهی از گالیله می‌خواهد تا دیالوگی را با علم ایجاد کند... تا بتواند همان‌طور که مدیر رصدخانه

واتیکان به آن اشاره کرد، بهتر عمل کند. اما دین می‌تواند ادعا کند که علم را آگاه می‌کند؟ در این مورد، چه فکر می‌کنید؟

دیالوگ با دانشمندان همیشه پربار و برانگیزاننده است، اما گفت‌وگو با طرفداران علم و علم‌گرایان این‌طور نیست، زیرا آنها دکتربین‌هایی دارند که عقیده مخالف را تحمل نمی‌کنند. متأسفانه یک نوع افراط‌گرایی علمی وجود دارد که به مانند افراط‌گرایی‌های دیگر، منفور است.

مطمئناً من وارد بحثی که از دادگاه تفتیش عقاید این عصر دفاع کند نمی‌شوم تا از گالیله انتقاد کنم. من طرفدار گالیله هستم، به شرطی که همان گالیله‌ای نباشد که در نهایت نوشت، این خدا است که کتاب طبیعت را با زبان ریاضی نوشت. همین ایده در در نیوتون و دانشمندان برجسته دیگر مثل انشتین می‌بینیم. اما علم‌گرایان هرگز آثار برجسته گالیله را نمی‌خوانند. در عصر گالیله، جدال میان دین و علم نبود. این توهمی بیش نیست (صلیبیون ایدئولوژیک همیشه از این توهم رنج بردند). این جدال میان دو شیوه توضیح حرکت اجرام آسمانی، یعنی شیوه کپرنیکی و شیوه بطلمیوسی بود. (شیوه بطلمیوسی نیز در آن زمان طرفداران خاص خود را داشت). فرضیه گالیله بسیار بهتر بود و اغلب دانشمندان و افراد فرهیخته آن زمان این را می‌دانستند. با این‌که اتهاماتی که در دادگاه به گالیله تفهیم شد، به خودی خود جالب هستند، دادگاه تفتیش عقاید از همین زمان مورد سخره قرار گرفت. تا آن‌جایی که من می‌دانم، گالیله آخرین دانشمندی در این مقیاس بود که به این شیوه محکوم شد. همان‌طور که آقای پیر شاستنی در کتاب زیبای خود نوشته است، درست نیست که بگویم در زمان گالیله: «فرمان‌های مهر و موم‌شده‌ی پاپ وزن بیشتری در ترازو داشتند تا آنچه مردم در مورد جهان خارج فکر می‌کردند». برای این کار باید با دقت و سخت‌گیری علمی صحبت‌های دانشمندان جدی را که فرمان‌های پاپ را جدی گرفتند، یادآور شد. آقای شاستنی به درستی قبول دارد که گالیله با دین مخالف نبود. بلکه برعکس، دین الهام‌بخش اصلی او بود. به جای ماندن در بحث‌های ایدئولوژیک سطحی، بهتر است زحمت خواندن آثار خود گالیله را به خود بدهیم.

/ ادامه دارد ■

منبع: دووار
<http://www.ledevoir.com/societe/ethique-et-religion/247434/religion-contre-philosophie-une-fausse-opposition>

خبرهای کوتاه از جهان سینما

■ فرانک پیرسون متولد ۱۲ مه ۱۹۲۵ در آمریکا، فیلمنامه‌نویس برنده اسکار و رئیس اسبق آکادمی اسکار درگذشت. فیلمنامه‌های او به آثار کلاسیک سینما تبدیل شدند. او برای نوشتن فیلمنامه‌های «بعدازظهر سگی»، «لوک خوش‌دست» و «کت بالو» نامزد جایزه اسکار شد و برای «بعدازظهر سگی»، جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی را هم در سال ۱۹۷۶ کسب کرد.

■ نامزدهای اسکار تلویزیونی (امی) که شصت و چهارمین دوره آن برگزار می‌شود، برای رقابت در رشته‌های مختلف اعلام شد و شانس سریال «Mad Men» در این میان بیش از سایر رقابیش است و ممکن است برای پنجمین دفعه موفق به کسب جایزه بهترین سریال درام شود، ضمن اینکه فیلم تلویزیونی بسیار موفق «وحشت آمریکایی» با ۱۷ نامزدی هم از مدعیان اصلی به شمار می‌رود.

■ «کابوس پیش از کریسمس»، عنوان جدیدترین انیمیشن تیم برتون است که گفته می‌شود فضای آن بسیار به «عروس مرده»، دیگر انیمیشن موفق او نزدیک است. در این کار جدید، ونیونا رایدنر، کاترین اوهارا، کریستوفر لی، مارتین لاندو و... صدپیشگی کرده‌اند. گفته می‌شود این انیمیشن برگرفته از فیلم کوتاه برتون به سال ۱۹۸۴، درباره ویکتور، دانشمند جوانی است که سعی دارد با کمک آزمایش‌های فراوان، اسپارکی، سگ محبوبش را دوباره زنده کند و به دنبال آن رفتارهای عجیبی از اسپارکی سر می‌زند؛ انیمیشنی سیاه و سفید که قرار است ۵ اکتبر ۲۰۱۲ اکران عمومی شود.

■ آل پاچینو بعد از یک دوره افول و دریافت جایزه تمشک طلایی بدترین بازیگر، قرار است در فیلم جدید جوزپه تورناتوره به نام «لنینگراد» ایفای نقش کند.

■ جانی دپ، جود لائو، آدرین برودی، ادوارد نورتون، ویلم دافو، اوون ویلسون و جف گلدبلوم، گروهی از ستارگان هالیوودند که قرار است در فیلم «گراند هتل بوداپست» به کارگردانی وس اندرسون جلوی دوربین بروند.

■ دارن آرنوفسکی (کارگردان «قوی سیاه») قرار است با هزینه فراوان فیلم «نوح» را بسازد. در این اثر بحث‌برانگیز، ستارگانی همچون: راسل کرو (در نقش نوح!)، جنیفر کانلی و آنتونی هاپکینز بازی خواهند کرد؛ فیلمی که گفته می‌شود برای اکران در مارس ۲۰۱۴ ساخته خواهد شد.

نگاهی به: «شوالیه تاریکی برمی‌خیزد»



کارگردان: کریستوفر نولان، فیلمنامه: جانانان نولان، نویسندگان: کریستوفر نولان و دیوید گویر، بازیگران: کریستین بل (بروس وین - بت‌من)، مایکل کین (آلفرد)، گری اولدمن (کمیسر گوردون)، تام هاردی (بین)، جوزف گوردون لویت (بلیک)، آن‌هاوای (سلینا - دختر خفاشی)، ماریون کوتیارد (میراندا)، مورگان فریمن (فاکس)، جو نوتمیل (دختر باهوش شهر) و لیام نیشن (رئیس غول‌ها)، موزیک اصلی: هانس زیمر، تدوین: لی اسمیت، کارگردانان هنری: توبی بریتون، کیت گریمل و زاک گروبلر، طراح لباس: لیندی همینگ، فیلم‌بردار: والی پی فیستر، ژانر: اکشن، درام و تریلر، پخش‌کننده: برداران وارنر، تهیه‌کنندگان: کریستوفر نولان، چارلز روون و اما توماس، تاریخ اکران در آمریکا: ۲۰ جولای ۲۰۱۲، بودجه: ۲۵۰ میلیون دلار، زمان: ۱۶۴ دقیقه.

خلاصه داستان فیلم The Dark Knight Rises: هشت سال بعد از داستان ژوکر، بین، تروریست جدیدی است که شهر گاتهام را مستأصل کرده است و شوالیه تاریکی برای حمایت از شهری که او را به عنوان یک دشمن جلوه داده، دوباره ظاهر می‌شود. بین، طی ماجرای مجروح شده و مجبور است برای کاهش دردش گازی را استنشاق کند و او با زندانی کردن پلیس شهر، فضای آخرالزمانی را پدید می‌آورد... سرانجام انتظارها به سر رسید و فیلمی که فیلم‌برداری‌اش در آوریل ۲۰۱۱ شروع شده بود و حرف و حدیث‌های زیادی به دنبال داشت، در ۲۰ جولای اکران شد و علاقه‌مندان زیادی را به سالن‌های سینما روانه کرد. نولان که تا به حال کارگردانی «بت‌من آغاز می‌کند»، «شوالیه تاریکی» و همین فیلم را برعهده داشته، توانسته علاوه بر پرداختن به جنبه‌های سرگرمی و اسطوره‌ای و ابرقهرمانی شخصیت «بت‌من» و به دست آوردن دل عامه تماشاگران، ایده‌های جدید خود را همراه فیلم‌برداری عالی پی فیستر و استفاده از تکنیک‌های خاص خودش، پیاده کرده و نظر مثبت منتقدان را به خود جلب کند. علاوه بر این کارگردان‌های پرآوازه و معروفی همچون: تیم برتون، روبرت ویات، وس اندرسون، نیل مارشال، پیتر برگ، زاک اسنایدر، گرت ادواردز و... همه ضمن اشاره به توانایی و مهارت ویژه نولان، فیلم او را تحسین کرده و آن را زیبا و هوشمندانه توصیف نموده‌اند. در ژانری که از گستردگی و تنوع زیادی برخوردار است، کار او ضمن برانگیختن حس هم‌دلی ما نسبت به ابرقهرمان «بت‌من»، در این ژانر جاودانه باقی می‌ماند و این از دید قوی و خلاقانه نولان نشأت می‌گیرد که در کنار کاراکترهای عمیق و بازی‌های سطح بالا، باعث می‌شود که آثار دیگر این ژانر معمولی به نظر بیایند.

اما چیزی که نمایش این فیلم نولان را بسیار تحت تأثیر قرار داد، اقدام جنون‌آمیز جیمز هولمز ۲۴ ساله، دانشجوی رشته علوم اعصاب دانشگاه کلرادو دِنور بود که هنگام پخش شبانه فیلم در سینمای

Multissage

Centre d'activités éducatives,
culturelles et éditoriales

سازمان آموزشی مولتی ساژ

با همکاری بهترین دانش آموزان دانشگاهی

کلاسهای زیر را برگزار می کند:

۷ روز هفته
با پارکینگ
رایگان



■ کمک درسی (دیستان، دبیرستان، کالج)
فرائسه، ریاضی، فیزیک، انگلیسی و علوم طبیعی

■ آماده سازی آزمونهای

TFI, TEF, TEFaQ
OQLF برای داوطلبان ورود به نظامهای صنفی
TOEFL, IELTS



■ تمرین آزمونهای عملی و نظری

OIIQ ویژه پرستاران
MCCQE (Part II) ویژه پزشکان



■ ترجمه متون دانشگاهی
فارسی به فرانسسه و انگلیسی

■ ویرایش متون دانشگاهی
انگلیسی و فرانسسه

Suite 250
3333, Cavendish Bd.
Montréal (Qc), H4B 2M5
Tél. : (514) 770 1771
Email : direct@multissage.ca
www.multissage.ca



قرن شانزده شهر آرواری کلرادو، درحالی که ماسک ضدگاز زده بود، با گشودن آتش به روی تماشاگران باعث کشته شدن ۱۲ نفر و زخمی شدن ۵۸ نفر گردید؛ کسی که هنگام دستگیری خود را ژوکر معرفی کرده بود! پرداختن به جنبه روانشناختی این عمل فجیع، کاری است که باید متخصصان امر انجام دهند و کاری کنند که این همذات پنداری با شخصیتها توسط تماشاگران از بین برود و به قول معروف فیلمها خیلی جدی گرفته نشود. شرکت برادران وارنر ضمن ابراز تأسف شدید از وقوع این حادثه دردناک، مراسم فرش قرمز این فیلم را در شهرهای پاریس، توکیو و مکزیکوسیتی لغو کرد و کشور فنلاند آگهی تبلیغاتی این فیلم را به حالت تعلیق درآورد.

کریستین بل، بازیگر اصلی به همراه همسرش نیز از بازماندگان دلجویی کرد و از این فاجعه اظهار تأسف نمود. کریستوفر نولان که همزمان با اکران جهانی فیلم، کتابش تحت عنوان «هنر و ساخت سه گانه شوالیه تاریکی» منتشر می شود، اعلام کرد که برای همیشه با کارگردانی «بت من» خداحافظی می کند! نولان گفته: «هیچ وقت فکر ساختن قسمت دوم «بت من» را نمی کردم، چون هیچ وقت اعتقادی به دنباله های سینمایی نداشتم، ولی وجود کریستین بل که بعد جدیدی به شخصیت «بت من» داد، به من اجازه فکر کردن به شخصیت های ضدقهرمان دیگر و آشوب های جدید را داد.»

در قسمت سوم همه چیز دوباره برگشته بود، همان چهره های آشنا ولی بالطبع، مسن تر و پخته تر، و بروس وین به اشتباه فکر می کرد که دیگر به وجودش نیازی نیست، درحالی که شیطان جدیدی از زیرزمین بیرون آمده بود و «بت من» شوالیه تاریکی باید دوباره برمی گشت.

یکی از احساساتی ترین جملات نولان در رابطه با سه گانه «بت من» و خداحافظی اش از کارگردانی «بت من» این جمله است: «ساخت «بت من» بی اغراق جالب ترین تجربه ای بود که یک فیلم ساز می تواند آرزویش را داشته باشد. دلم برای «بت من» تنگ می شود، خیلی دوست دارم فکر کنم که دل او هم برای من تنگ می شود، اما او اصولاً احساساتی نیست!»

هرچند کشتار کلرادو، باعث شوک عمومی شد ولی نتوانست در روند فروش «بت من»، چه در آمریکا و چه در نقاط دیگر جهان تأثیر منفی چشم گیری داشته باشد و منابع آگاه سینمایی خبر از فروش بیش از ۳۳۷ میلیون دلاری این فیلم در کشورهای جهان می دهند.

اکثر منتقدان بنام از تاد مک کارتی و ریچارد کورلیس گرفته تا راجر ایبرت و جیمز براردینلی، امتیاز کامل به این فیلم نولان داده اند و آن را بی نقص و آرمانی توصیف کرده اند؛ فیلمی که به شدت دیدنی است و تماشاگر را با خود بسیار همراه می کند. این فیلم، اثری پر از لحظات عاطفی و جذابیت های بصری فراوان و نمونه کاملی از یک بلاک باستر تابستانی است که برای همه مردم در هر سنی جذابیت دارد.

هرج و مرج دنیایی که در آن زندگی می کنیم، هر لحظه بیش از پیش به گاتهام سیتی شبیه می شود، در جایی که برای نجات بشر آرزو می کنیم: ای کاش «بت من» واقعاً وجود داشت! ■

منابع: سایت های IMDb و Bat Man

اخبار کوتاه ورزشی

◀ جواد نکونام، کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران، سرانجام به لیگ برتر فوتبال ایران بازگشت. نکونام که یکی از مهم‌ترین بازیکنان ایران در دهه گذشته محسوب می‌شود، با این قرارداد با توافقی یک‌ساله پیراهن استقلال را بر تن می‌کند.

◀ جواد محبوب، دومین سهمیه المپیک جودوی ایران، به دلیل «عقوت حاد دستگاه گوارشی» المپیک را از دست داد. برخی رسانه‌های ایرانی، تلویحاً حضور جودوکار اسرائیلی «پتاتیکوا» در همین وزن و محرومیتی را که ورزشکار ایرانی در اثر روبه‌رو نشدن با ورزشکاران اسرائیلی با آن مواجه می‌شد، از دیگر دلایل احتمالی کناره‌گیری ناگهانی نماینده ایران در جودو معرفی کرده‌اند. پیش از این، دیگر نماینده ایران در رقابت‌های جودوی المپیک، محمدرضا رودکی هم به علت آسیب‌دیدگی ماهیچه پا، این بازی‌ها از دست داد و در نتیجه ایران با دو سهمیه کمتر، یعنی ۵۲ ورزشکار در لندن حضور خواهد داشت.

◀ رئیس کمیته ملی المپیک لیبی، یک هفته پس از روبرو شدن در طرابلس، آزاد شد. احمد نبیل به همراه یکی از همکارانش داخل ماشین بود که دو موتورسوار مسلح با لباس رسمی، خیابان را بستند و او را ربودند.

◀ اولین گروه از ورزشکاران کاروان المپیک ایران وارد لندن شدند. نماینده‌های تیراندازی، دوچرخه‌سواری، پینگ‌پنگ، تیر و کمان، روئینگ و شمشیربازی ایران، بامداد روز دوشنبه به وقت لندن، از طریق فردوگاه هیترو وارد این شهر شدند. تیم دوچرخه‌سواری ایران، در حالی پا به مسابقات المپیک گذاشت که فدراسیون دوچرخه‌سواری ایران از سوی فدراسیون بین‌المللی این رشته تعلیق شده است.

◀ مدال‌های بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن که برای ساخت آنها از هشت تن فلز طلا، نقره و مس استفاده شده، سنگین‌ترین و گران‌ترین مدال‌ها در تاریخ بازی‌های المپیک هستند. وزن یک مدال طلا حدود ۴۱۰ گرم است که فقط ۶ گرم یعنی ۱/۳۴ درصد آن را طلا تشکیل می‌دهد و بقیه از نقره (۹۲/۵ درصد) و مس تشکیل شده است.

◀ کمیته بین‌المللی المپیک برای اولین بار به یک دونده بی‌وطن اجازه داد که با پرچم المپیک در بازی‌های لندن رقابت کند. ماریال، در منطقه‌ای که امروزه سودان جنوبی نامیده می‌شود متولد شده

است. وی در دوران کودکی به آمریکا مهاجرت کرد و در حال حاضر در این کشور زندگی می‌کند، اما گذرنامه آمریکایی ندارد و شهروند این کشور محسوب نمی‌شود. سودان جنوبی نیز اگرچه سال گذشته از سودان جدا شد و استقلال خود را کسب کرد، اما هنوز یک کمیته ملی المپیک مستقل ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند در بازی‌های المپیک حضور داشته باشد.

فابیو کاپلو، سرمربی سابق تیم ملی انگلیس، با قراردادی دوساله، هدایت تیم ملی روسیه را برعهده گرفت. این مربی ایتالیایی که در دوران پرافتخار مربی‌گری‌اش هدایت تیم‌هایی مانند میلان، یوونتوس و رئال را نیز برعهده داشت، دستمزدی ۱۰ میلیون یورویی برای هر سال حضور روی نیمکت روسیه دریافت خواهد کرد.

یکی از اعضای کاروان المپیک ترکیه در لندن پیش از آغاز رسمی رقابت‌ها درگذشت. غریب ایرکویومجو، داور بوکس این کشور که قرار بود تعدادی از مسابقات بوکس را داوری کند، پیش از آغاز رسمی رقابت‌ها درگذشت. وی که ۷۳ ساله بوده، پنج‌شنبه شب گذشته، بی‌جان در اتاق هتلش پیدا شد و بر اساس گزارش‌ها به دلیل عارضه قلبی درگذشته است.

◀ یکی از اعضای تیم المپیک سودان از انگلیس درخواست پناهندگی سیاسی کرد. این ورزشکار خود را به مرکز پلیس «برایدویل» رساند و خواستار پناهندگی سیاسی در این کشور شد. مسئولان انگلیسی از انتشار نام این ورزشکار خودداری و فقط اعلام کردند که وی متعلق به تیم المپیک سودان است. تیم المپیک سودان با مشارکت ۶ ورزشکار در المپیک لندن حضور یافته است که دو نفر از این ورزشکاران، زن هستند.

◀ فدراسیون بین‌المللی جودو اعلام کرده که یک زن جودوکار سعودی، بدون حجاب در مسابقات المپیک شرکت می‌کند. وجدان شهرخانی پنج‌شنبه دوازدهم مردادماه (دوم ماه اوت) در وزن بالای ۷۸ کیلوگرم مبارزات خود را آغاز می‌کند.

◀ مقامات دولت انگلیس مانع از حضور رئیس فدراسیون تیراندازی جمهوری اسلامی در لندن شدند.

◀ برگزارکنندگان مسابقات المپیک لندن، به دلیل درج پرچم کره جنوبی در بالای تیم فوتبال بانوان کره شمالی، از این کشور عذرخواهی کردند. ■

رطوبت، باران، گوسفند و ترافیک المپیک لندن از دید گزارشگران رسمی ایران



ندا شهسواری پینگ پنگ تک نفره در برابر رقیب نیجریایی، المپیک لندن ۲۰۱۲

المپیک ۲۰۱۲ لندن بالاخره کلید خورد و جهان از چشم لندن، به حلقه‌های صلح و برابری و همت و انسانیت نگریست.

هزاران ورزشکار از سراسر جهان برای رسیدن به هدفی که حداقل ۴ سال پیش آن را ترسیم کرده‌اند، به پایتخت انگلیس آمده‌اند تا حق خود را از ارباب حلقه‌ها بگیرند و در این میان ایران نیز با ۴۸ مرد و ۸ زن و خبرنگاران و مقامات ورزشی و غیرورزشی خود در دهکده المپیک اردو زده است.

ما به طور مشخص در رشته‌های کشتی، وزنه‌برداری، پرتاب دیسک و چند رشته رزمی مدعی هستیم و ایرانیان در سراسر جهان، فارغ از رگه‌های سیاسی المپیک و مسائل حاشیه‌ای، هم‌دل و یک‌جهت، منتظر کسب افتخار از سوی فرزندان ایران‌زمین هستند.

بیش از ۴۰۰ سایت رسمی از کشورهای مختلف جهان، اخبار مربوط به المپیک را دقیقه به دقیقه، به‌روزرسانی می‌کنند و اگر به این تعداد، رقم ۱۸۰۰ ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و هزاران روزنامه تخصصی را نیز اضافه کنید، به نویسنده حق می‌دهید که با تکرار اخبار مربوط به المپیک وقت شما را نگیرد، اما در این میان نکته‌ای ظریف و قابل تأمل زیر ذره‌بین قرار گرفته که بد نیست از نظر خوانندگان نیز بگذرد.

رسانه‌های ایرانی و خبرنگارانی که اکثراً سردبیران و سفارش‌شدگان برای حضور در کاروان ایران بوده‌اند، از چند روز قبل از آغاز بازی‌ها، پروژه بسیار واضحی را به نام «تخریب لندن» آغاز کردند.

514-834-2095
alirvakili@yahoo.com

آموزش تنیس علی وکیلی



تخفیف برای دانشجویها و دانش آموزان

آموزش گیتار الکتریک

سعید مرادزاده



(514) 655 8445
(514) 677 8358

هر روز هر روز

مونترال < > تورنتو < > مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخ‌های باور نکردنی

Montreal : 514-887-0432

پویا برگزار می‌کند:

کلاسهای تقویتی

فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست شناسی،
فرانسه، انگلیسی

برای دوره های دبستان و دبیرستان

3418 Stanley, Montreal H3A 1R8
metro Peel

514-802-9485 514-690-6343



از این که رابطه ایران و بریتانیا به خصوص پس از تعطیلی سفارتخانه‌های دو طرف، به مرز صفر نزدیک شده، کافی است بدانیم مشخصاً از بریتانیا و دهکده المپیک خبر خوبی به ایران نخواهد رسید و هر چه هست، رسوایی و ناامنی و بدبختی مقامات بریتانیایی خواهد بود.

اما در این میان، نوع خبررسانی خبرنگاران ایرانی از دهکده المپیک گاه به حدی مبتدیانه است که هر ببنده‌ای اغراق عمدی در آن را به راحتی متوجه می‌شود. در یک ساعت، اتفاقات تلخ و عجیبی در لندن رخ می‌دهد که گویا همه دنیا را تکان داده و انسان‌های کره زمین، همه فاجعه‌ای که در لندن رخ داده نگران شده‌اند.

این اتفاقات تکان دهنده که با تکان دادن سر گزارشگر ایرانی همراه می‌شود، عبارتند از: بارانی که در لندن می‌آید، ترافیکی که به خاطر ازدحام مردم ایجاد شده، رطوبت بالای هوا، حضور نظامیان در اطراف ورزشگاه و حتی حضور گوسفند در مراسم افتتاحیه!

باید از خبرنگاری که حضور نظامیان در استادیوم و پرواز هلیکوپتر در آسمان لندن را گزارش می‌دهد و با چهره‌ای متعجب برای انگلیسی‌ها ابراز تأسف می‌کند، پرسید: خبرنگار محترم! مگر شما تا به حال مسیرت به استادیوم آزادی تهران نیافتاده؟ مگر ندیده‌ای که برای یک بازی ساده، گارد ویژه مهار و بازداشت اصفهان و تهران چگونه چندین ورودی استادیوم را تحت کنترل دارند؟

یکی از خبرنگاری‌ها می‌نویسد: «بلومبرگ با اشاره به دست و پنجه نرم کردن انگلیس با بحران اقتصادی اعلام کرد، دولت انگلیس یک چهارم هزینه المپیک ۲۰۰۸ پکن را برای المپیک لندن اختصاص داده و مراسم افتتاحیه را در یکی از فقیرترین نقاط لندن برگزار خواهد کرد.»

و در ادامه: «مراسم افتتاحیه امروز که برای اجرای آن هزینه چندان زیادی نشده، در یکی از فقیرترین نقاط لندن برگزار خواهد شد. در نمایش افتتاحیه المپیک لندن، ۷۰ گوسفند و ۱۲ اسب به ایفای نقش خواهند پرداخت و یک قطعه شعر با قدمت ۲۰۰ ساله اجرا خواهد شد. این در حالی است که چهار سال قبل، ۱۴ هزار نفر در مراسم افتتاحیه المپیک پکن در استادیوم آشیانه پرند ایفای نقش کردند و ۳۰ هزار فشفشه آتش‌بازی پرتاب شد.»

حالا هم که یک نفر پیدا شده تا کمی صرفه‌جویی کند و فخرفروشی را کنار بگذارد، نویسنده عصبانی این متن ره‌ایش نمی‌کند و گویی آبروی خبرنگاران ایرانی در گرو خوب برگزار شدن مراسم افتتاحیه است که تا این حد نگران آن هستند. و در انتهای این گزارش سراسر منفی درباره المپیک لندن می‌خوانید: «اگر مقامات انگلیسی می‌دانستند که این کشور وارد یک بحران اقتصادی چهار ساله خواهد شد، برای کسب میزبانی المپیک ۲۰۱۲ اعلام آمادگی نمی‌کردند.» و نکته جالب این که نویسنده این گزارش، هیچ اطلاعی درباره سود پیش‌بینی شده نجومی انگلیس از این میزبانی ندارد!

یکی از گزارشگران شبکه تلویزیونی ایران، گزارش خود را در کنار ریل قطار تهیه می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه آلودگی صوتی در این شهر به ما اجازه تهیه مناسب گزارش را نمی‌دهد!» و سؤالی که پیش می‌آید این که، چرا سایر خبرنگاران، یعنی بیش از ۸۰۰ خبرنگار دیگر هرگز چنین مشکلی ندارند؟!

رفتار خبری خبرنگاران ایرانی از سوی هر خبرنگار مستقل و منطقی قویاً رد می‌شود و هر فرد منصفی از این تخریب یک‌جانبه‌جا خواهد خورد. به هر حال مشخص است که میزبانی لندن بدون ایراد نیست و نخواهد بود، همان‌طور که میزبان‌های دوره‌های قبلی نیز به اندازه خود مشکل داشتند؛ چین در میزبانی ۴ سال گذشته در دو روستای پرجمعیت نزدیک به دهکده المپیک، حتی آب آشامیدنی کافی برای گردشگران در اختیار نداشت، اما هیچ خبرنگار ایرانی در آن روزها به فکر انتقاد از چین نبود!

جالب‌تر این که، حتی بارش باران در مراسم افتتاحیه که از هفته‌ها قبل از سوی خود انگلیسی‌ها پیش‌بینی شده بود، از سوی خبرنگاران و نویسندگان ایرانی نشانه ضعف مقامات برگزارکننده این مراسم توصیف شد! ■

رواج قاچاق اعضای بدن انسان

بازار خرید و فروش اعضای بدن، که تا چند سال قبل در کشورهای جهان سوم و به علت فقر مادی رواج داشت، امروز جهان گیر شده و یکی از پردرآمدترین نوع قاچاق است.

طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، در هر ساعت یک عضو از اعضای بدن در گوشه‌ای از دنیا به فروش می‌رسد و به طور کلی فروشنده این اعضا مردمانی هستند که قادر نیستند در این دنیای ناعادلانه لقمه نانی تهیه کنند و خریداران آن، نیازمندی هستند که برای زنده ماندن مجبور به دریافت عضوی از بدن مثل کلیه، ریه و... می‌شوند. اما در این میان دلالت و قاچاقچیان هستند که برایشان جان دیگران، ارزش چندانی ندارد و به هر طریقی افراد نیازمند را با پول خود می‌خرند و از اعضای بدنشان استفاده می‌کنند و بیشترین سود و بهره را به دست می‌آورند و مبلغ ناچیزی به دهنده عضو پرداخت می‌کنند.

طبق مدارک موجود، یکی از کمپانی‌های رسمی که با یکی از بیمارستان‌های آمریکا قرارداد دارد، کلیه را از اسرائیل به مبلغ ده هزار دلار خریداری می‌کند و به بیمارستان مورد بحث به مبلغ ۱۶۰ هزار دلار می‌فروشد. این یک قلم از قاچاق کلیه است که در قلب کشور آمریکا و به طور رسمی گزارش شده است. تخمین زده شده که هر ساله در دنیا بیش از ۳۲ بلیون دلار درآمد قاچاق اعضای بدن است که قسمت اعظم آن به جیب قاچاقچیان واریز می‌شود و متأسفانه هیچ قانونی در منع این نوع قاچاق در هیچ جای دنیا وجود ندارد.

انجامیده و حدود ۲۳ هزار نفر از آنها به نوعی سرطان پوست (Basal Cell) دچار شده‌اند معلوم ساختند که مصرف قهوه کافئین‌دار امکان بروز این نوع سرطان را کاهش می‌دهد. البته نوشیدنی‌هایی مانند چای و



بسیاری از نوشابه‌های گازدار و همچنین شکلات نیز حاوی مقداری کافئین هستند، ولی برخی از آنها مانند نوشابه‌های گازدار علاوه بر کافئین مقدار زیادی مواد شیمیایی، رنگ و فندهای مصنوعی دارند که مصرف آنها توصیه نمی‌شود.

در گزارشی که توسط این پژوهش‌گران به چاپ رسیده اشاره شده که قهوه‌های بدون کافئین خاصیت ضدسرطان پوست را ندارند که همین موضوع نقش کافئین را در این مورد ثابت می‌کند.

یانسگی زودرس و بیماری‌های قلبی

یکی از فواید یانسگی زودرس تقلیل بروز سرطان سینه است که به وضوح ثابت شده. خبرگزاری رویترز از پژوهش‌گران دانشگاه آلاباما گزارش می‌کند که زنانی که قبل از سن

۴۶ سالگی یانسگی می‌شوند، دو برابر آنها که دیرتر یانسگی می‌شوند به سکنه‌های قلبی و مغزی دچار می‌گردند. این خبر باعث نگرانی زنانی می‌شود که به طور مصنوعی (از طریق جراحی یا داروها) و به خاطر مبتلا نشدن به سرطان سینه، یانسگی زودتر را تدارک می‌بینند.

در یک بررسی علمی، پژوهش‌گران مورد بحث بیشتر از ۲۵۰۰ نفر از زنانی را که به بیماری‌های قلب و عروق دچار نبودند زیر پوشش قرار داده و به مدت ۵ سال آنها را پیگیری کرده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد، زنانی که به هر دلیل زودتر از سن ۴۶ سالگی یانسگی شده‌اند، دو برابر بیشتر از دیگران به سکنه‌های قلبی و مغزی دچار می‌شوند. شاید مهمترین عامل ازدیاد سکنه‌های مغزی و قلبی در این دسته از زنان، کاهش هورمون استروژن باشد، زیرا در این دوره از زندگی زنان، میزان هورمون‌های زنانه به تدریج کاهش می‌یابد، و تخمدان‌ها فعالیت طولانی خود را متوقف می‌سازند. با وجود این اگر زنان در این مرحله به هورمون‌های مصنوعی پناه برند باز تغییری در میزان بروز سکنه‌های قلبی و مغزی در آنها به وجود نمی‌آید که خود نشانه وجود عوامل دیگری است که در کنار هورمون طبیعی استروژن، عمل کرد دارند که هنوز آن عوامل مشخص نشده‌اند.

× دکتر پرویز قدیریان، استاد دانشگاه مونترال در تغذیه، استاد دانشگاه مک‌گیل در سرطان‌شناسی و کارشناس سازمان بهداشت جهانی است و با چند نشریه معتبر تخصصی همکاری دارد.

www.allnaturalremedies.net
www.cancerriskinfo.com

کافئین قهوه از بروز نوعی

سرطان پوست جلوگیری می‌کند

پژوهش‌گران دانشگاه هاروارد طی بررسی علمی بر روی حدود ۱۱۳ هزار نفر که به مدت ۲۰ سال به طول

THREE SEEDS معجون ۳ دانه

برای سفارش جزئی و کلی
با شماره‌ها، ایمیل و تارنمای زیر تماس بگیرید:

514.223.3336 (تپش) مونترال
905.709.2788 تورونتو
604.825.3603 ونکوور

epidemioresearch@yahoo.com
www.allnaturalremedies.net

داشتن سیستم ایمنی سالم و قوی موثرترین روش پیشگیری و درمان بیماری‌هاست

محصولی از دکتر پرویز قدیریان
سیاه‌دانه و هسته‌انگور و تخم‌کتان

برای تقویت سیستم ایمنی بدن
و پیشگیری بسیاری از بیماری‌ها به بازار آمد



نام؟

قاضی، حاج زینب را مورد خطاب قرار داده بود. وجود بی‌سروصدا بودن سالن، حاج زینب نشنید. قاضی تکرار کرد. حتی بار دوم و سوم هم صدا به گوش حاج زینب نرسید و جوابی نداد. محمود از کوره در رفت و جواب داد: «حاج زینب ایوب». قاضی با لحنی عصبی داد زد: «کی به شما اجازه حرف زدن داد؟ مگر اینجا طویله است؟ از دادگاه بیرونش کنید. اخلال در دادگاه! یک پوند جریمه‌اش کنید یا ده ضربه شلاقش بزنید.» محمود بی‌آنکه ترسی به خود راه دهد با عصبانیت گفت: «جریمه‌ی اهانت!» و همراه گروهبان از دادگاه بیرون رفت، درحالی‌که فقط یک پوند در جیب داشت. انگار قاضی دادگاه قصد داشت جیب محمود را خالی کند. محمود به فکر فرو رفت. آیا می‌تواند ضربه‌های شلاق را تحمل کند؟ ضربه‌ها هر چقدر هم سخت و دردناک باشد تحملش آسان‌تر از جیب خالی است.

فضای دادگاه آکنده از ترس و هراس بود. سنگینی فضا، حاج زینب را از افکارش بیرون آورد. نگران بود مبادا سر محمود بلایی بیاورند. شاید شلاق خوردن باعث شود که اندکی از بی‌خیالی و بی‌مبالائی محمود کاسته شود. «وای که امروز چه روز بدی است.» شنیدن کیفرخواست تقریباً نیم ساعت طول کشید، قاضی پس از شنیدن دفاعیات دستور داد کلیه‌ی کالاهای توقیف شده مصادره شود و پنجاه پوند جریمه تعیین کرد. دادگاه که تمام شد، جمعیت به سرعت سالن را ترک کردند و قاضی هم به دفتر خود برگشت. کسی متوجه محمود نشد که بعد از رفتن مردم وارد دادگاه شد، هیچ‌کس ندید که حاج زینب با این‌که ترسش ریخته بود با چه حال نزاری در جایگاه متهم کز کرده است: «مفت و مسلم، دولت سیصد پوند کالای من را ضبط کرد. آیا دولت به خودش زحمت داده بود که دور خانه طواف کند؟... در عرفات چادر بزند؟... یا به زیارت قبر حضرت محمد برود؟ از دریای شور عبور کند؟ حالا که همه‌ی دار و ندار مرا مصادره کرده، لاقبل جریمه‌ام نمی‌کرد...» محمود که اندوه در سرتاپای وجودش موج می‌زد به سالن دادگاه برگشت. همه‌جا ساکت بود. نیمکت‌های قهوه‌ای زمخت سالن بود و میز تحریر قاضی و دیگر

هیچ پنجره‌ها باز، چشم‌های محمود و زینب به افق‌های دور دست خیره مانده بود، نسیم با شتاب از پنجره‌ای وارد می‌شد و انگار که عجله داشته باشد و با شتاب هم بیرون می‌رفت.

محمود به فکر فرو رفت: «موقعیت من در برابر همسرم رقت‌بار است. من آدم مستقلی به اسم محمود نیستم. من همسر زینب هستم. مردم مرا این‌طور می‌شناسند. حق دارند... حق با آن‌هاست. هویت آدم‌ها به کاری است که انجام می‌دهند. اگر از من بپرسند که کار من چیست چه جوابی دارم بدهم؟ هیچ‌کاره‌ام، هر چند، هم قوی هستم و هم تندرست. گاهی می‌گویم من واسطه هستم. گاهی هم به دروغ می‌گویم من مدیر یک پروژه‌ی کشاورزی در ساحل نیل سفید هستم. این جور جواب‌ها آدم‌های دوروبر را بیشتر کنجکاو می‌کند. بعد بی‌درنگ می‌پرسند: «در کشت و کار پنبه هستی؟ خدا را شکر... نانت توی روغن است.» تخیلات محمود همچنان ادامه دارد: «ولی پروردگار عالم شاهد است، در این سرزمین پهناور من جایی را نمی‌شناسم. حتی نمی‌دانم کوستی (۴) و ماروی (۵) در کجای این سرزمین واقع شده‌اند. حتی اگر بر حسب تصادف هم گذارم به ساحل نیل سفید برسد، فرقی را با قسمت‌های دیگر زمین خدا تشخیص نمی‌دهم.» در این دم چشمش به چشم حاج زینب افتاد. محمود نگاه تیز و سوزان حاج زینب را حس کرد، که با ورنانداز کردنش دارد نقاب از چهره‌اش برمی‌دارد و به درون او پی می‌برد. حاج زینب پرسید: «آن یک پوند جریمه را پرداخت کردی؟» بعد آرام و با نگاهی نافذ به او چشم دوخت. حاج زینب دوباره ادامه داد: «کار ما ساخته است. دولت دار و ندار مرا تصاحب کرده. خدا می‌داند که آیا همین حالا سرگرم تقسیم مال و منال من بین خودشان هستند یا نه.» محمود منگ بود و چیزی نمی‌گفت. بی‌آنکه به جای خاصی نگاه کند، نگاهش متوجه فضای آن سوی دیوارهای دادگاه بود. محمود حس کرد بغضی در گلویش دارد او را خفه می‌کند.

حاج زینب گفت: «هر چند همه چیز دست خداست، ولی جریمه دادن خیلی بهتر از زندان رفتن است.» محمود در تخیل خود، او را در لباس زندانی تجسم می‌کرد. لباسی با آستین‌های بلند بر تن زینب که

با هم قطارهای زندانی دیگر فرقی نداشت. «حاج زینب روزهای جمعه می‌آیند به ملاقات. شاید توی زندان هم بتوانی تنباکو یا چیزهای دیگر به زندانی‌ها بفروشی... آه... ولی تحمل تنهایی در شب‌ها دشوار است.» این افکار در مغز محمود می‌گذشت درحالی‌که چشم‌هایش به جایی نامعلوم خیره مانده بود. میل او به رهایی و آزاد شدن هر دم بیشتر می‌شد. او همچنان غرق در افکار خود بود: یک زندگی ساده... با همسری جوان که وقت و انرژی‌اش را صرف او کند. حتی اگر بتواند خانه‌ای آن دوردست‌ها، میان تپه‌ها دست و پا کند، بدک نیست. برای عملی کردن این‌گونه رؤیایا باید کار کرد و انرژی صرف کرد، و او اصلاً حال و حوصله‌ی کار ندارد. انگار داشت خودش را مؤاخذه می‌کرد: «محمود، تو جسمی قوی داری ولی ترسو هستی! کمی تلاش و حرکت حس حقارت را از روح و جان تو می‌زداید. تو می‌توانی به نیروی دریایی ملحق بشوی یا با روزی سی غروش (۶)، برای جاده‌سازی کار کنی. دست‌های تو خلاق نیستند و قادر نیستند چیزی بیافرینند... کار کردن در جاده‌ها در مقابل آفتاب سوزان...»

صدای زینب رشته‌ی افکار محمود را پاره کرد: «بیا برویم بیرون و کمی قدم بزنیم.» محمود جوابی نداد. انگار بغض کرده بود. او با جسارت چشم‌هایش را به زینب دوخت و آهسته‌آهسته اسکناس یک پوندی‌ را از جیبش درآورد و به زینب برگرداند. زینب از تعجب چهار شاخ ماند: «تو شلاق خورده‌ای!» لحن زینب دلسوزانه بود، ولی محمود جوابی نداد. سرش را برگرداند با قدم‌هایی آرام به طرف در خروجی رفت. محمود سنگینی نگاه زینب را پشت سرش حس می‌کرد. وارد خیابان شد و در برابر پرتو آفتاب سوزاننده گام برمی‌داشت... تنها، در آفتاب آزاردهنده ■

پانوش:

1. Ali al- Makk
2. Nubian
3. Bigben
4. Kosti
5. Marwi
6. Piastres

پیاستر: غروش، واحد پول در بعضی کشورهای عربی

خاطره تحویل‌داری یکتا

مترجم رسمی کبک، کانادا و ایران

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرم‌ها و خدمات مرتبط در اسرع وقت
khaterehyekta@yahoo.ca

۰۶۹۴-۰۶۷۵ (۵۱۴) ۰۶۹۴-۳۹۰ (۴۳۸)



به دنیا آمد. او ۱۵ ساله بود که مردم جهان، پرواز والتینا ترشکوا به مدار زمین را جشن گرفتند. اسویتلنا که آموزش‌های خلبانی دیده بود، در سال ۱۹۸۰ وارد برنامه فضایی شوروی شد و در ۳۴ سالگی از مرزهای فضا گذشت. او اگرچه ۱۹ سال پس از والتینا به مدار می‌رفت، اما دومین فضانورد زن شوروی‌ها به شمار می‌رفت و شاید هیچ‌گاه خود او هم زمانی که پرواز ترشکوا را تماشا می‌کرد، تصور نمی‌کرد عنوان دومین کیهان‌نورد زن شوروی را از آن خود کند. او اولین پرواز خود را با سایوز T ۷ در سال ۱۹۸۲ انجام داد، اما برخلاف ترشکوا باز هم عازم فضا شد. اسویتلنا در ۲۵ جولای سال ۱۹۸۴ و درحالی‌که در ایستگاه فضایی سالیوت حضور داشت، لباس فضایی خود را به تن کرد تا نام خود را در کتاب تاریخ عصر فضا ثبت کند. زمانی که محفظه‌های هواپند باز شدند، اسویتلنا ساویتکایا نخستین زن زمینی شد که در فضا راهپیمایی می‌کرد. او ۳ ساعت و ۳۵ دقیقه را در بیرون از سالیوت سپری کرد و در کل مأموریت‌هایش ۱۹ روز و ۱۷ ساعت و ۶ دقیقه را در فضا سپری کرد. هم‌تای آمریکایی او، کاترین دواپر سولیوان بود که در سال ۱۹۸۴ نخستین زن آمریکایی لقب گرفت که در فضا راهپیمایی نمود.

سالی رایید: زنان آمریکایی را به فضا برد

سالی کریتین رایید در ۲۶ می ۱۹۵۱ به دنیا آمد و در رشته فیزیک تحصیلات عالی خود را انجام داد. زمانی که ناسا سرانجام تسلیم مبارزات زنان برای مشارکت در برنامه‌های فضایی شده بود، سالی، یکی از ۸ هزار و ۹۰۰ نفری بود که به دعوت ناسا برای برنامه

فضایی زنان پاسخ داد و پس از چندین مرحله آزمون‌های مختلف، در سال ۱۹۷۸ به ناسا پیوست. پس از طی دوره‌های تمرینی فشرده، سالی رایید آماده بود تا در برنامه فضایی شرکت کند. در دومین و سومین پرواز شاتل هاف، سالی مسئول ارتباطات با شاتل‌ها در مرکز کنترل پرواز بود و سرانجام در روز ۱۸ ژوئن ۱۹۸۳ او قدم به کابین شاتل فضایی چلنجر گذاشت تا در هفتمین پرواز شاتل‌های فضایی، عنوان نخستین زن فضانورد آمریکایی و سومین زن فضانورد جهان را از آن خود کند. جالب این است که در ۲ دهه‌ای که تا آن زمان از حضور زنان در فضا می‌گذشت،



تنها ۲ زن پیش از سالی به فضا رفته بودند. اما پرواز سالی رایید با شاتل‌های فضایی و باز شدن درهای برنامه فضایی ناسا به روی زنان این روند را سرعت بخشید، به طوری که در ۲۵ سال بعد ۳۷ زن دیگر به فضا سفر کردند.

سالی رایید در مجموع ۲ مأموریتی که به فضا سفر کرد، ۱۴ روز و ۷ ساعت و ۴۶ دقیقه را در مدار زمین به سر برد. وی چند روز پیش و در اثر ابتلا به سرطان پانکراس فوت کرد.

ایلین کالینز: فرمانده پیش‌گام

ایلین ماریا کالینز در ۱۹ نوامبر ۱۹۵۶ در نیویورک به دنیا آمد. او یکی از پرافتخارترین زنان فضانورد تاریخ به شمار می‌رود. ایلین نه تنها نخستین زن خلبان شاتل‌های فضایی و فرمانده مأموریت‌های شاتل بود، که پس از تراژدی سقوط شاتل فضایی کلمبیا و درحالی‌که ناسا حدود ۲ سال پرواز شاتل‌ها را به حالت تعلیق درآورده بود، برای فرماندهی مأموریت بازگشت شاتل‌ها به مدار زمین انتخاب شد تا نه‌تنها نخستین فرمانده زن شاتل‌های فضایی شود، که یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مأموریت‌های فضایی تاریخ

زمین رفت و در ایستگاه بین‌المللی فضایی ساکن شد؛ اما تجربه بالای او و رکورد طولانی او در راهپیمایی‌های فضایی و مهارت‌هایش باعث شد تا بار دیگر همراه خدمه ۱۶ ام ایستگاه فضایی به مدار زمین برود و بتواند فرماندهی ایستگاه فضایی



را به عهده بگیرد و این، اولین باری بود که فرماندهی این ایستگاه به عهده یک زن قرار گرفت. طی مأموریت STS-۱۲۰ و درحالی‌که شاتل فضایی با فرماندهی پام ملروی رهبری می‌شد، برای اولین بار در تاریخ، هم‌زمان فرماندهی ایستگاه و شاتل به عهده زنان بود.

انوشه انصاری: ایرانی صاحب‌نام در فضا

انوشه انصاری نه تنها به این دلیل در این فهرست قرار می‌گیرد که نخستین ایرانی و نخستین زن ایرانی است که به فضا رفته، بلکه به این دلیل است که او نخستین زنی بود که به عنوان توریست و گردشگر فضایی به ایستگاه فضایی رفت. انوشه انصاری، کارآفرین برجسته ایرانی آمریکایی است که پس از پایان تحصیلاتش در آمریکا وارد فعالیت‌های



حوزه مخابرات شد و به زودی توانست به همراهی همسرش، به یکی از فعالان اقتصادی برجسته جهان بدل شود. او که علاقه فراوانی به فعالیت‌ها و کاوش‌های فضایی داشت، عضو هیأت مدیره جایزه جهانی X شد و از جایزه انصاری X برای انجام اولین پرواز فضایی خصوصی

ناسا را فرماندهی کند؛ مأموریتی که در تمام مدت چتری از تشویب و دلپره و اضطراب بر آن سایه انداخته بود، چراکه شاتل‌ها پس از تغییرات زیاد پس از ۲ سال به فضا می‌رفتند و برخورد قطعه‌ای از پوشش تانک اصلی سوخت به زیر بال شاتل در تمام مدت مأموریت، احتمال تکرار حادثه مشابه کلمبیا را افزایش می‌داد. ولی ایلین کالینز، توانست مأموریت را با موفقیت رهبری کند. ایلین کالینز برای نخستین بار در سال ۱۹۹۵ در مأموریت STS-۶۳ و با شاتل فضایی دیسکاوری به فضا رفت و در همین مأموریت خلبانی شاتل را به عهده گرفت. در این مأموریت شاتل به ایستگاه فضایی میر ملحق شد. در مأموریت STS-۸۴ بار دیگر ایلین کالینز خلبان شاتل شد و سرانجام در مأموریت STS-۹۳ فرماندهی شاتل فضایی کلمبیا را قبول کرد که طی آن تلسکوپ فضایی پرتو X چاندرا در مدار زمین قرار گرفت. او در آخرین پروازش فرماندهی مأموریت بازگشت به پرواز شاتل‌های ناسا را در مأموریت STS-۱۱۴ به عهده گرفت و پس از پایان آن، از ناسا استعفا کرد تا بیشتر به فعالیت‌های اجتماعی و خانواده‌اش



بپردازد. کالینز علاوه بر دریافت عالی‌ترین نشان‌های افتخار، در کل مدت ۳۸ روز و ۸ ساعت و ۱۰ دقیقه را در فضا سپری کرد. او در آخرین پروازش در ارتباط ویدیویی مستقیم با نخست‌وزیر ژاپن، به او گفت: آقای نخست‌وزیر! از بار اولی که فضا آمده‌ام تا امروز چهره سیاره ما دگرگون شده است. اگر امروز فکری به حال سیاره‌مان نکنیم، آینده‌ای نخواهیم داشت.

پگی ویتسون: فرمانده جزیره تنها

پگی آنت ویتسون، که متولد ۹ فوریه ۱۹۶۰ است، یکی از بیشترین رکوردهای اقامت در فضا را در کارنامه دارد. پگی برای بار نخست، به عنوان یکی از خدمه پنجم ایستگاه بین‌المللی فضایی به مدار

در برنامه معلمان در فضا بودند، برای سفر به فضا و ترویج سفرهای فضایی پس از بازگشتش انتخاب شده بود، اما در انفجار سال ۱۹۸۶ جان خود را از دست داد. هفده سال پس از آن تاریخ و زمانی که شاتل فضایی کلمبیا آماده می‌شد تا پس از مأموریتی ۲ هفته‌ای فرود آید، به دلیل نقصی که هنگام پرتاب در بال چپ ایجاد شده بود، شاتل منفجر شد و ۷ فضانورد آن درگذشتند.

در میان آن‌ها لائورا کلارک ۴۱ ساله و کالیانا کوالا ۴۱ ساله و هندی‌الاصل هم حضور داشتند که هر دو از متخصصان و تکنیسین‌های اصلی مأموریت بودند. اگرچه این افراد جان خود را در راه فتح فضا و گسترش دایره دانسته‌های ما از جهان اطراف از دست دادند، اما در عین حال زندگی و مرگ آن‌ها نشان از هدف والایی داشت. آن‌ها و دیگر فضانوردان زن، نمونه‌هایی از زنان و مردمانی هستند که برای فتح جهان ناشناخته‌ها لحظه‌ای متوقف نمی‌شوند و اجازه نمی‌دهند هیچ مانعی آن‌ها را متوقف کند ■

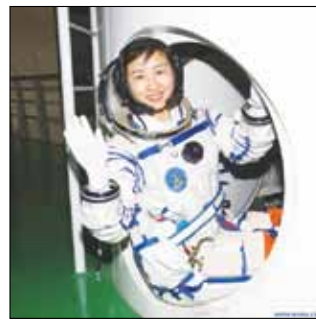
خرج شده است تا انسان بتواند به فراسوی مدار زمین برود. زنان هم سهم عمده‌ای در این هزینه‌ها پرداخته‌اند. دو شاتل فضایی چلنجر و کلمبیا، یکی چند ثانیه پس از پرتاب و دیگری چند ثانیه پیش از فرود، در برابر چشم مردم جهان منفجر و نابود شدند و هر بار ۷ نفر از بهترین فضانوردان را به کام مرگ کشیدند. هنگام حادثه انفجار چلنجر، کریستن

مک آلیف ۳۷ ساله و جودیت رزنیک



سالی کریستن رایب

که او هم ۳۷ سال سن داشت، در برابر چشمان خانواده‌های خود به مشت‌های خاکستر تبدیل شدند. کریستن مک آلیف یک معلم بود که از میان ۱۱ هزار معلمی که داوطلب شرکت



اولین ساکنان ایستگاه فضایی موقت این کشور، به نام قصر آسمانی باشند. این مأموریت اما به دلیل دیگری هم مورد توجه قرار گرفت و آن، حضور نخستین زن فضانورد چینی در این برنامه بود. لو ۳۳ ساله، با مشارکت در سفر شنجو ۹ موفق شد نام خود را در کنار والتین ترشکوا و سالی رایب قرار دهد. زنانی که نخستین بار به کمک پرتابه‌های ملی کشور خود به فضا سفر کرده‌اند.

قربانیان زن فضا

راه فتح فضا هیچ گاه راه همواری نبوده است. هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی

حمایت کرد تا عصر جدید پروازهای خصوصی در جهان آغاز شود. او سپس با ثبت نام در برنامه اعزام جهانگردان به ایستگاه بین‌المللی فضایی، که از سوی بنیاد اسپیس ادونچر طراحی شده بود، با راکت‌های سایوز به ایستگاه فضایی رفت. عمل کرد او باعث شد تا همراهان فضانوردش از رفتار حرفه‌ای او تمجید کنند. او نه تنها فیلم‌های آموزشی در پرواز خود تهیه کرد، که ارتباطات رادیویی با مراکز علمی و دانشجویی برقرار کرد و برای اولین بار مرزهای وبلاگ‌نویسی را از زمین به فضا برد. سفر او با توجه وسیع رسانه‌ها همراه بود و بسیاری از مردم ایران، پرواز او از فراز آسمان ایران را رصد کردند. انوشه در کل ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۴ دقیقه را در فضا سپری کرده است.

لو یانگ: بانوی چینی در قصر آسمانی

خردادماه امسال، چین گام دیگری در تکمیل برنامه فضایی خود برداشت. چینی‌ها که پیش‌تر تجربه اعزام انسان به فضا را داشتند، این بار گروهی ۳ نفره از فضانوردان را به مدار زمین فرستادند تا

بازرسی فنی ساختمانهای مسکونی و تجاری

حسین آذر نیک
بازرس رسمی املاک مسکونی و تجاری در کانادا
کلارک با توضیحات کامل تصویری

Hossein Azarnik, B.S.c
NACHI certified home & commercial inspector
Licensed building renovator
Service in Montreal, Ottawa, Quebec and Toronto
1-800-910-2990 438-990-4966
www.montrealhomeinspectorpro.ca

سورنا نوری
مدرس زبان انگلیسی، دارای مدرک آموزش زبان انگلیسی TEFL
آموزش زبان انگلیسی پیشرفته

- آمادگی آزمون‌های (TOEFL, IELTS, CONCEPT Concordia)
- دوره‌های تخصصی نگارش و مقاله‌نویسی برای دانشگاه‌ها
- آموزش زبان انگلیسی عمومی - روزمره

514-208-2944
soorenanoori@gmail.com

شیرینی بی‌بی

با شیرینی‌های سنتی، دسرهای ایرانی و غذاهای سرد ایرانی در جشن‌ها و مراسم گوناگون همراه شما هستیم.

514-334-6528 www.bibicookies.ca

Advanced Aesthetics
کلینیک استتیک پیشرفته

در آستانه سال جدید، زیباتر و جوان‌تر با پزشکان ایرانی با مدارک معتبر بین‌المللی و طب زیبایی از آکادمی طب زیبایی آمریکا
لیزر درمانی: رفع موهای زائد صورت و بدن، درمان آکنه مقاوم، جوان‌سازی پوست و درمان خال‌های عروقی کوچک

بوتاکس، ژل، انواع Peeling و...
با وقت‌هایی 514-639-1097 514-949-2116
700 Bord du Lac, Dorval, Quebec H9S 2B8

عکاسی رز Professional Photography
Since 1990
514-488-7121

عکس پاسپورتی، کانادایی، ایرانی، سبک‌ترین، شیب
مدیکال کارت، کارت PR
عکس‌های خانوادگی و فارغ‌التحصیلی
تبدیل VHS-MINIDV-Hi8 به DVD
(نمایش دکتری)، Metro Snowdon, 5301 Queen Mary, H3X 1T9

سیما کاویانفر
آموزش زبان فرانسه، خصوصی و نیمه خصوصی، عمومی و تخصصی
آمادگی آزمون‌های بین‌المللی زبان
آمادگی آزمون ورودی دانشگاه‌های فرانسه زبان
آمادگی آزمون شهروندی
514.577.4787 sima.kavianfar@gmail.com

صرافی خضر
1449 St. Catherine W. Guy
Montreal QC. H3G 1S6
Toll Free: 1-866 989 229
514-989-2229
514-289-9003
انتقال فوری ارز به ایران و برعکس و با تضمین بهترین نرخ روز
تبدیل و انتقال ارز بصورت عمده برای شرکت‌ها و موسسات تجاری

دکتر انوش عندیلی جراح دندانپزشک
CLINIQUE DENTAIRE VILLERAY
Chirurgien dentiste
514.270.0077
57, rue Villeray, Métro De Castelnu, Montreal, QC. H2R 1G2

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
هر روز به جز دوشنبه‌ها مرغوب‌ترین گوشت و مرغ و ماهی،
انواع برنج، چای، عرقی‌ها، سبزی خشک و ...
(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5780 Sherbrooke West, Montreal QC, H4A 1X1

سالن آرایش و زیبایی ايو با مدیریت جدید
EvE & M
با خدمات کامل / متخصص آرایش عروس
Cote-St-Luc Metro: Villa Maria 5393
514-481-6765 / www.eveandm.com

Maryam & Rose
استپیک الکترونیکی لیزر
4491-A St. Charles Blvd – Pfds, QC, H9H 3C7
(SPQ Concept)
514-833-1519 & 514-694-3735

خاطره تحویل‌داری یکتا
مترجم رسمی کبک، کانادا و ایران
کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت‌نامه، تکمیل فرم‌ها و خدمات مرتبط در اسرع وقت
khaterehyekta@yahoo.ca
514-694-675 (514) 390-0694 (438)

Five Star I.P.M Inc.
صرافی ۵ ستاره
Foreign Exchange & Transfer
اعتبار ما اعتماد شما است
انتقال سریع ارز به ایران و سایر نقاط جهان و بالعکس
تبدیل ارزهای رایج بین‌المللی با بهترین نرخ بدون کارمزد
صنوبر فریسان
2178 Ste-Catherine West Tel.: 514 585 2345 , 514 846 0221

Unisex سالن آرایش فریبا
• کات مو • فر • تاتو ابرو
• رنگ • هایلایت • ...
• بند و ابرو • مانیکور
3363 Cavendish • 514-487-0800

مینا صالحی
Real Estate Broker
مشاور املاک در مونتreal
مسکونی و تجاری
Sutton
(514) 792-4577

خدمات ارزی XportFX
با ۱۰ سال تجربه
در کمترین زمان
بهترین بها
514-844-4492
1405 Maisonneuve W. Guy  دانشگاه کنکوردیا

NASSER RENOVATION
شرکت تعمیرات ساختمان ناصر برای همه‌گونه
تعمیرات منزل و محل کارتان
ارزیابی رایگان
514-975-1515
www.nasser-renovation.com
م قیمت خدمات

مشاور خانواده و سکس تراپی
دکتر ملک
514-488-8454

فخاریان
• آموزش تخصصی پیانو (ایرانی - کلاسیک)
• کیبورد - تئوری موسیقی - سلفژ و صداسازی
از مبتدی تا حرفه‌ای - با ۱۵ سال سابقه تدریس
جلسه اول رایگان
514.660.0506

SHARIF EXCHANGE
ارز شریف
Tel: (514)561-6408 www.sharifexchange.ca
Tel: (514)223-6408 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

صابر جلیل زاده
آموزش سنتور
514 - 585 - 6178

سرگرمی و خانوادہ

گردآوری و تنظیم: حمیدہ غیاثوند

آشپزی ہفتہ:

خورش نعنای جعفری و قارچ



مواد لازم

گوشت ماہیچہ	۵۰۰ گرم
نعناع جعفری	۱ کیلو
قارچ	۵۰۰ گرم
روغن	۲۰۰ گرم
پیاز خردشده	۲ عدد
زعفران آبشده	۱ قاشق غذاخوری
نمک، فلفل، زردچوبہ	به مقدار کافی
آبغورہ	به مقدار کافی

نکتہ: چاشنی این خورش، گوجه سبز ہم می‌تواند باشد، کہ در این صورت به آبغورہ نیاز نیست. مقدار گوجه سبز بسته به ذائقہ شما دارد، ولی معمولاً برای این مقدار خورش، نیم کیلو گوجه سبز کافی است.

طرز تهیه:

ابتدا پیاز را در روغن تفت می‌دهیم. بعد نعنای جعفری خردشده را به آن اضافه می‌کنیم و قدری تفت می‌دهیم. زردچوبہ و نمک و فلفل را اضافه می‌کنیم، به اندازه‌ای کہ آب روی سبزی را بگیرد. آن را روی حرارت ملایم می‌گذاریم تا یک ساعت ریز بجوشد. سپس گوشت تکه‌شده را کمی تفت می‌دهیم کہ آب آن جمع شود و به سبزی اضافه می‌کنیم. قارچ را اسلایس می‌کنیم و در مقداری کرہ تفت می‌دهیم. بعد آن را به گوشت و سبزی اضافه می‌کنیم. حالا حرارت را ملایم می‌کنیم تا خورش جا بیافتد. سپس آبغورہ و زعفران را به خورش اضافه می‌کنیم. پس از ده دقیقه خورش آماده سرو است. در صورتی کہ از گوجه سبز استفاده می‌کنید، نیم

ساعت قبل از کشیدن خورش، گوجه سبزه را روی خورش بگذارید تا پخته شود. اما مواظب باشید تا له نشود و تغییر شکل ندهد. خورش را با دقت بکشید و گوجه سبز را روی آن بچینید

نکتہ ہفتہ:

این روی سکہ: درست گفتن در موضع قدرت، هنر نیست. مهم این است کہ در موضع ضعف، راست بگوی! آن روی سکہ: درست بودن ہم در موضع ضعف هنر نیست. مهم این است کہ در موضع قدرت درست باشی!

نقل قول ہفتہ:

ایمانوئل کانت: آنچه‌ان رفتار کن کہ رفتار تو بتواند به صورت قانون کلی درآید.

لطیفہ‌های ہفتہ:

● رئیس: خجالت نمی‌کشی تو اداره داری جدول حل می‌کنی؟ کارمند: چکار کنیم قربان، این سر و صدای ماشین‌ها کہ نمی‌ذارہ آدم بخوابه!

● یہ بابایی داشته خالی‌بندی خاطرہ تعریف می‌کرده، می‌گہ: ما سال چہل و نہ با دو نفر دعوا مون شد، زدیم دخل هر دو رو در آوردیم. هیچ‌کس هیچ واکنشی نشون نمی‌ده. برمی‌گرده می‌گہ: البتہ سال چہل و نہ کہ مثل الان نبود، دو نفر خیلی بود!

● یکی از این جوون‌های مغزقاطی، پارچہ می‌برہ خیاطی، می‌گہ: آقا اینو واسم کت شلوار بکن. فردا نیام بگی سوزنم شکست، چرخم خراب شد، حال نداشتم، اصلاً پدرسگ بده، نمی‌خوام بدوزی!

● مشتری: این کت چنده؟
فروشنده: ۱۰۰ هزار تومان
مشتری: وای! اون یکی چنده؟
فروشنده: وای وای!

جدول سودوکو

توضیح: خانہ‌های جدول روبرو را با عددہای ۱ تا ۹ چنان پر کنید کہ در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

1		7			5	8	3	
5	2		3		4			
8		3	1			2		
9	7			4				8
			2		7			
	3			6			7	5
		5			8	7		6
			7		2		9	8
	8	2	6			5		1

▲ آسان

		6	1		2			
	4				5			
3		9	4		7		6	2
7				4				
	6	4				5	7	
					7			4
2	9		7		4	6		3
			3					4
			9		8	7		

▲ متوسط

		2	8	4	7			
7					3			6
9				5				7
	4							7
3	9						1	8
5								3
	3				4			1
	6			1				9
				9	5	2	4	

▲ سخت

واژه هفته: دوست (۲)

● در انتخاب دوست شتاب موز و به تعجیل از آنان روی مگردان. / سولون

● در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر دوست، کس / هر دو عالم دشمن ما باد و ما را دوست، بس / اوحدی
● دشمن دوست چون تواند بود. / ابوالفضل بیهقی

● دل دوستان آزدن، مراد دشمنان برآوردن است. / سعدی

● دو چیز برای من به معنای زندگی است: آزادی و بانویی را که دوست دارم. / ولتر

● دوست آن دانه که گیرد دست دوست / در پریشان حالی و درماندگی / سعدی

● دوست آن است که معایب دوست / همچو آئینه روبه‌رو گوید / نه که چون شانه با هزار زبان / در قفا رفته، مو به مو گوید / نشانی دهلوی

● دوست خوب مانند درشکه در روز بارانی کمیاب است. / ولتر

● دوست را کس به یک بلا نفروخت / بهر گکی گلیم نتوان سوخت / سنایی

● دوست، شخصی است که صمیمانه به تو ضرر می‌زند. / استانیسلاو یرسی لخ

حکایت‌های هفته: داستان آدم هفت‌خط

ما معمولاً عادت داریم در توصیف اشخاص زیرک و باهوش و اکثراً رند و مکار، از اصطلاح آدم هفت‌خط استفاده کنیم. اما چرا؟

روایتی در مورد ریشه تاریخی اصطلاح «هفت‌خط» وجود دارد. این روایت برمی‌گردد به آئین شراب‌خواری در حضور پادشاه، در دوران ساسانیان. در آن زمان پیمان‌های ظریف و زیبایی از شاخ گاو یا بزکوهی درست می‌کردند که چون پایه نداشته است، کسی نمی‌توانسته آن را روی زمین یا میز بگذارد و از نوشیدن شراب ریخته‌شده در پیمان‌اش طفره برود. از این رو دارنده جام مجبور بوده است محتویات آن را لاجرمه سربکشد. اما برای این‌که کسی بیش

از اندازه ظرفیت خود باده‌گساری نکند و از سر مستی با حرکت یا گفتار خود، احترام و شأن مجلس شاهانه را از بین نبرد، هرکدام از مدعوین، پیمانه (شاخ) مخصوص خود را داشته که به جهت تعیین میزان توانایی او در باده‌گساری، خطی در داخل آن شاخ کشیده شده بوده که ساقی برای دارنده پیمانه، فقط تا حد همان خط، شراب در پیمان‌اش می‌ریخته است.

به مرور زمان تمامی پیمان‌های شراب را با هفت خط، مشخص و درجه‌بندی کردند. در مجالسی که پادشاه حضور داشته است، میهمانان معمولاً از ۳ تا ۶ خط شراب می‌نوشیده‌اند، اما بوده‌اند افرادی که «لوطی» نیز خوانده می‌شده‌اند که تا ۷ خط را شراب می‌نوشیدند، بدون آن‌که حالتی مستانه در آنها ظاهر شود که در پی آن دست به حرکاتی بزنند که موجب هتک حرمت حضور پادشاه در مجلس بشود. این قبیل افراد را «هفت‌خط» می‌نامیده‌اند، یعنی که آنها افرادی صاحب ظرفیت و زرنگ بوده و به کلیه رموز و فنون شراب‌خواری تسلط کامل داشته‌اند. این اصطلاح به مرور زمان جنبه عام و مجازی پیدا کرده و در فرهنگ عامه به افراد باهوش و زیرک و مرد رند «هفت‌خط» اطلاق گردیده

است. اضافه می‌شود که هر یک از خطوط هفت‌گانه جام شراب، اسم ویژه خود را داشته است:

۱. خط مزور، کمترین میزان شراب در جام
۲. خط فرودینه
۳. خط اشک
۴. خط ازرق (خط شب، خط سیاه یا خط سبز)، این خط کاملاً در وسط پیمانه بوده و خط اعتدال در شراب‌خواری محسوب می‌گردیده است.
۵. خط بصره
۶. خط بغداد
۷. خط جور که لب پیمانه بوده و جام بیش از آن، جا نداشته است. راست و دروغش با نویسنده‌ی وب سایت:

<http://dastanak88.blogfa.com>

پَن پَ — هفته:

● یارو عکسمو دیده می‌گه: دماغ خودته؟ پَ — نه پَ — دماغ اجدادمه که بینی به بینی، نسل به نسل منتقل شده، الان رسیده به من!

● رفتیم پایگاه انتقال خون. می‌گه: شمام اومدین خون بدین؟ پَ — نه پَ — ما پشه‌ایم، اومدیم مهمونی...! ■



Five Star I.P.M Inc.
صرافی ۵ ستاره
Foreign Exchange & Transfer
انتقال سریع ارز به ایران و سایر نقاط جهان و بالعکس
تبدیل ارزهای رایج بین المللی با بهترین نرخ بدون کار مزد
اعتبار ما اعتماد شما است
منوچهر قربانیان
2178 Ste-Catherine West Tel.: 514 585 2345 , 514 846 0221

Le Monde de la Langue française

جهت آموزش و تقویت زبان فرانسه

- کلاسهای تقویتی و کمک به انجام تکالیف مدرسه
 - درک مطلب و نگارش و
 - آماده سازی برای امتحانات ورودی به مدارس خصوصی
 - آماده سازی برای انتقال دانش آموزان از ueilclasse d'acc به مدارس عادی
 - کلاس های بزرگسالان به صورت نیمه خصوصی
- برای ثبت نام و اطلاعات بیشتر با خانم مینا طیرانی تماس حاصل فرمایید.

4915A Boul. St-Charles Pierrefonds H9H 3E4

Tel :514-961-4579

دارالترجمه فرهنگ رضا داودی

مترجم رسمی در کبک و ایران
عضو جامعه مترجمان رسمی در کبک و ایران

- مترجم رسمی دادگستری
- ترجمه رسمی مدارک و اسناد
- تصحیح و ترجمه مقاله ها و پایان نامه های دانشجویی به زبان فرانسه و انگلیسی

مراجعه با هماهنگی قبلی

1396 Ste Catherine St. West

Suite # 307, Montreal QC H3G 1P9

514-691-4383

rezadavoudi78@yahoo.fr



■ مهدی عسکری

ساکنِ اطلسِ دریازده آب اسید

برای جهانی که با سرعت نور به تاریکی می‌رود!

اسمشو چی می‌ذاری؟ فرزند ارشد میخ؟!
آچار فرانسه دهر، یا خلاصه تاریخ؟!

بی اسم و بی نشانه‌ست آدمک شنی ماسک
بگو تا کی خودش نیست گروه سنی ماسک؟!

آدمی که جدا از آدمای عادیه
حتی تو شهر فرنگ، تو دام آزادیه

اسمشو چی می‌ذاری؟ اراده تحت یوگا!
سارای مومیایی؟ نقشه گنج دارا؟

معرفی با بارکدا! کنترل از راه دور!
شربت خنده‌آور! مسکن سیانور!

آشتی با بوی باروت، با عطر حشره‌کش!
زمین به دست ما شد زندانی تنگ و ناخوش!

تاریخ مصرف دنیا رد شد
نودونه، هیپنوتیزم یک درصد شد

سیاهی لشکر شب، ستاره‌های آچمز
مهره سوخته ابر، رنگین‌کمون آب‌پز

بودن و یا نبودن، زندگی طبق فرمول
پس‌انداز برای قبر، سیاست برای پول

تحویلی سال تازه با پوستر پرستو
پیوند شبنم و گل، با چسبای دوقلو

جنایت معمولی، عاشقی موقت
طبقه سی و هفت آپارتمان شهوت

لیوان تکنولوژی، نیمه خالی بد
آشتی به خاطر نفت، دعوا بر سر درصد

رقص بندری شمع، تو شب بی‌عقیده
وقتی اشکای عاشق به جای آب، اسیده

عمر ما خلاصه شد تو فست‌فود
قرن بیستم واسه بشر زود بود! ■

آگهی ارزان برای مشتریان هفته: هر هفته فقط ۶ دلار

قابل توجه متقاضیان امتحان آئین نامه رانندگی

نرم افزار تخصصی سئوالات گواهینامه رانندگی ایالت کبک به زبان فارسی و انگلیسی به همراه جواب سئوالات

514-566-0178

حمل و نقل مسافر و بار

ارزان و مطمئن

داخل مونترال و خارج آن،
اتاوا، کبک، مرز آمریکا جهت
انجام کارهای ویزا و...

ترجمه رسمی و دعوت نامه شهریار بخشی

514-624-5609

514-889-3243

رضا

514-983-4828

مونترال <- اتاوا >- تورنتو

اداری - مسکونی - تجاری

416-995-6462

امیر

تدریس زبانهای
فارسی و انگلیسی
برای کودکان و

نوجوانان
با معلم با سابقه

514-935-8306

کلاس آمادگی آزمونها پزشکی
ویژه داوطلبان امتحانات عملی
MCCQE Part II, EACMC partie II
NAC-OSCE & ECOS-CNE
mordad1383@yahoo.com

514-941-5161

سازمانهای فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونترال

Tel: (514) 299-1787

Addrhi2005@gmail.com

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک

www.ajpq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت

با هدف بازشناساندن جشنهای باستانی
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال

نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح
8043 St. Hubert, 514-619 4648

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند

مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰
2900 Lake / Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل

سخنرانیهای ادبی، اجتماعی و تاریخی
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد

کنسرتهای موسیقی اصیل و سخنرانی
Tel: 514-678-4030

خانه ایران

1117 St. Catherine W #420
Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک

کالری - کتاب فروشی - کتابخانه
4438 De la Roche / Tel: (514) 373-5777

جمعیت دوستداران دانشنامه ایران - ایرانیکا

514-651-7955

کتابخانه نیما

5206 Decarie / Tel: (514) 485-3652

کافه لیت

www.Cafelitt.com / info@cafelitt.com

انجمن زرتشتیان کبک

www.zaqq.org

مدرسه ایرانی دهخدا

مدرسه فارسی - هر شنبه
4976 Notre Dame W / Tel: (514) 827-6364

دوستداران موسیقی کلاسیک (Dialogue)

514-484-8748 / Sheida.g@hotmail.com

بنیاد نیکوکاری ایرانیان مونترال - نیکو

5146244579 / farzint@hotmail.com

فرهنگسرای سینا

سالن سخنرانی، مراسم و مجالس
514-488-3000 / www.Seena.ca

کانون مهندسين و آرشیتکت های ایرانی در کبک

514-946-5739 / aieaq.mtl@gmail.com

مرکز فرهنگی هنری زاگروس

1396 Ste. Catherine W #309
(514) 690-6343 www.zagros.ca

انتشارات مولتی سازه

3333 Cavendish Blvd #250
(514)770-1771

ساوالان، گروه فرهنگی آذربایجان

(514)7685969

آموزش گیتار کلاسیک و پاپ توسط رضا رضایی

کیتاریست برگزیده

514-677-8358

تدریس گیتار پاپ

سامان

514-641-2379

تعلیم رانندگی نیما

با کمک مربی آزموده و با

سابقه، گواهینامه خویش

را به آسانی بگیری

سی دی آموزش رانندگی کبک به

زبان فارسی موجود است

514-513-5752

514-844-9731

کلاسهای رایگان محاوره انگلیسی و فرانسه در بهائی ستر مونترال

انگلیسی: شنبهها ۳ تا ۵ بعدازظهر

فرانسه: یکشنبهها از ۱:۳۰ تا ۳:۳۰ بعدازظهر

Address: 177 Pins avenue East, Montreal QC H2W 1N9 Tel: (514)849-07 53

چاپ رایگان : استخدام و آگهیهای غیر تجاری ، اجاره، خرید و فروش اتومبیل و ...

آپارتمان برای Sublet

یک خوابه شیک و روشن / نزدیک دانشگاه / شامل آب گرم و شوفاژ

از ماه آگوست / کرایه: ۹۰۰ دلار

۵۱۴-۶۹۱-۴۳۸۳

جویای هم خانه

از اول آگوست / آپارتمان دو اتاق

خوابه / اجاره شامل همه چیز:

۴۱۵ دلار

514-544-1298

استخدام

به یک آرایشگر باتجربه برای
کار در سالن نیازمندم

514-237-8448

سابلت آپارتمان

دو خوابه در کت د نژ، طبقه
هشتم با ویوی زیبا، قیمت قابل
مذاکره از سپتامبر تا نوامبر

514-834-1921

استخدام

کارگر ساده

514-894-8372

نیاز مندی ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه!
نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلور-وحید	۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه	بیمه و سرمایه گذاری	اتومبیل (فروش)
	طراحی	۷۸۷-۸۸۴۸	هفته	پژمان اسدی	Auto Highlander
۴۸۹-۸۶۸۶	زاگرس	۶۵۱-۹۸۹۴	شادی	علی پاکنژاد	اتومبیل (تعمیرگاه)
	عینک سازی	۹۹۶-۹۶۹۲	پیوند	نغمه ثابت	اتو رایدر
۵۰۹-۴۱۲۷	Ovu & Osu Optician	روستوران-پیتزا - کیتربینگ		پزشکی جایگزین	اطلس
	محضر رسمی	۴۸۹-۸۴۸۴	پریشیا	پروین زرساو-همیویت	اتومبیل (لوازم یدکی)
۸۳۱-۲۲۹۳	مونا کلابی	۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	چوپان کباب	ترجمه و دعوتنامه رسمی	لوازم یدکی آلفا
۹۰۳-۸۵۶۰	مونا صالحی	۳۴۳-۰۲۳۳	دابل پیتزا	شهریار بخشی	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
	مد و لباس	۴۸۵-۲۹۲۹	شیراز	خاطره تحویل داری	آمنه
۸۴۲-۵۶۰۸	HPadar	۲۷۰-۸۴۳۷	فاروس	نوشادجمال	فاطمه
	مراکز مذهبی	۹۳۳-۰۹۳۳	کباب سرا	رضا داودی	سوزان
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی	۴۸۳-۰۰۰۰	کیلی	جواهر فروشی	زهره
۳۴۱-۲۲۳۵	بنیاد آیت الله خویی	۴۸۴-۸۰۷۲	کلبه عمو جمال	نیک آذین	رویا
۲۶۱-۶۸۸۶	کلیسای ایرانی	۹۸۹-۸۳۸۳	کافه صوفی	چاپ و کپی	فریبا
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی- کشیش عادل	۸۴۶-۱۹۴۷	نیلوفر / فلافل	انتشارات فرهنگ	ارز
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان	۵۰۴-۶۴۲۲	Cafe Mon Plaisir	فتوکی ان دی جی	ExportFX
	مشاور املاک	۵۶۴-۹۷۹۰	شومینه پارس	حسابداری	پنج ستاره
۹۶۷-۵۷۴۳	مینو اسلامی	ساخت و ساز Builders		حسن انصاری	شریف
		۵۷۴-۵۷۴۳	علی خاقانی	سرور صدر	مانی واین
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	سی.دی - ویدئو		شکيب نیا	ازدواج و طلاق
۹۸۳-۵۴۱۵	مریم خالقی	۲۲۳-۳۳۳۶	تپش دیجیتال	نادر خاکسار	آژانس های مسافرتی
۵۳۱-۳۶۳۱	مهدی رحیمی	صوتی و تصویری		مسافر و بار - مونترال / تورنتو	فرناز معتمدی
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی	۴۵۰-۶۹۱-۴۰۸۶	آدیو ویدئو کبک	قربان	مهری صدوقی
۹۲۸-۵۴۱۵	حمید کاغذچی	عکاسی و فیلمبرداری		امیر	Sky Lawn
۴۵۱-۴۶۶۳	سیمین ماهری	۸۴۶-۰۲۲۱	فتو شاپ	حیوانات خانگی	آموزش
۵۷۱-۶۵۹۲	مسعود نصر	۴۸۸-۷۱۲۱	رز	آکوا تروپیکال	پروین عبائی- فارسی
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان	۳۵۸-۱۷۹۱	مرجان	خشک شویی و خیاطی	مدرسه فردوسی
	مشاور خانواده	فرش		Excel plus	مدرسه فرزاتگان
۴۸۸-۸۴۵۴	دکتر ملک	فروشگاه ها		خطاطی	مدرسه وست آیلند
	مشاور مهاجرت	۳۸۲-۸۶۰۶	ادونیس	دارو خانه	مدرسه دهخدا
۹۰۳-۴۷۲۶	علی مختاری	۴۵۰-۹۷۸-۳۳۲۳	ادونیس لاوال	دکوراسیون منزل و محل کار	زبان فرانسه
۲۸۹-۹۰۱۱	معصومه علی محمدی	۶۸۵-۵۰۵۰	ادونیس وست آیلند	میترا معینی	آموزش (راندگی)
	نان و شیرینی	۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور	دندان پزشکی	آموزش (موسیقی)
۳۳۴-۶۵۲۸	شیرینی و کیتربینگ	۳۶۹-۳۴۷۴	سن لوران	شهرزاد رضا نیا	گیتار - رضایی
۸۹۴-۸۳۷۲	نان سنکک شاطر عباس	۸۵۸-۶۳۶۳	میوه و تره بار سامی	راضیه رضوی	موسیقی-داوری
۵۶۲-۶۴۵۳	شیرینی سرو	۹۳۲-۲۰۹۹	نور	معصومه دولتشاهی	پیانو / فخریان
	نو سازی و تعمیرات ساختمان	۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	وطن	شریف نائینی	پیانو-قرچه داغی
۸۳۵-۶۲۳۳	تی.ام.ان	۸۴۹-۲۲۴۲	متروپولیس (تعاونی)	آذین طاهری	پیانو-میم بطحایی
۹۶۳-۷۹۷۸	Décor chez toi	کامپیوتر		علی شفیعی	ویلون و پیانو
۹۷۵-۱۵۱۵	ناصر	۲۵۸-۸۱۸۶	بیژن جلالی	رامین میر موجی	سنتور و عود
	وام مسکن	۸۴۹-۵۲۳۱	CompuXellence	انوش عندلیبی	سنتور - صابر جلیلزاده
۶۰۶-۵۶۲۶	بهرز آقاباباخانی	کتاب فروشی / کتابخانه		فریدون هرنیدیان	سنتور / عود-س
۹۹۵-۳۰۴۱	آتوسا تنکستانی فر	۳۷۳-۵۷۷۷	میک	سایه ناعم	آموزش (نقاشی)
	ورزش	۴۸۹-۸۶۸۶	زاگرس	ساسان بیات	حمیرا مرتضوی
۲۲۸-۱۳۱۱	بدن سازی بیژن	۴۸۵-۳۶۵۲	کتابخانه نیما	دندان سازی	انتشارات
	وکیل - مهاجرت	کلینیک		افخم هادی	مولتی ساژ
۹۶۱-۸۷۳۶	دیوید برگر	۹۳۳-۸۳۸۳	کلینیک آلفا	رسانه های گروهی	
۳۵۷-۴۶۹۲	سام بیات	کیتربینگ		بازار	
۸۷۸-۲۴۰۰	نیما حجازی	۵۶۴-۹۷۹۰	شومینه پارس		
۳۹۵-۰۵۲۲	علی غلامپور	۴۸۹-۸۴۸۴	پریشیا		
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والایی	گل			

Journal HafteH

Un magazine hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal
A weekly Magazine for the Iranian Community in Montreal
02 août 2012, numéro 208 – August 02.2012, issue No. 208

Index issue 208

Cover story: A young woman flying with the wings of science

An interview with Mina Danesh, the young Canadian Iranian Innovator

She was born in Montreal, Canada. Her mom is French (from France) and her father is Iranian. Her Iranian grandparents come from the province of Maazandaraan, in Northern Iran, near the Caspian Sea. Their origin may date back from 7000 years ago from the Mede Aryan people and she is a successful Canadian young woman. We have interviewed Mina Danesh on her Innovations.

By: Nima Habibzadeh & Parvin Zarsav

- **Word of the week: Mina Danehs an example for our youth in Montreal / editor**
- **Quebec and Canada news / Sima KavianFar**
- **News of Afghan & Iranian community in Montreal**
- **Photo report: The Summer Camp of Kolah Ghemezi in Montreal / Nafiseh Hosseini**
- **From our readers: A poem / Roxan Ariana**
- **From our readers: An strange time ... / Touraj Atef**
- **Viewpoint: A historic point of view: Iranian are Iranian but not Arian Part 7/ Mehrdad Memarzadeh Tehran**
- **Politics: Putin in service of Iran / Kazem Vadie**
- **Literature: Short story, The Trial by M. Ali Al Mak/ Translation into Farsi by M.H. Mamtiri**
- **Philosophy: Devoir's Interview with Jean Grondin on religion and philosophy / Translation into Farsi by Reza Davoudi**
- **Cinema: The dark knight rises / Atoosa Akhavan**
- **Sport: By Babk Sarani Azar**
- **Healthy life: Peach and plum, two anticancer / Dr Parviz Ghadirian**
- **Cooking with HafteH / Farideh Khoshatefeh**
- **Satire: Mehdi Askari**



We acknowledge the financial support of the government of Canada through the Canada Periodical Fund of the Department of Canadian Heritage



Publication/Publisher:
HafteH Journal

Rédacteur / Editor: **Mehdi Marashi**
Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**
Rédactrice/Editor Ottawa : **Dr. Maria Sabaye Moghadam**
Designer / Designer: **Behrouz Zamani** (BehGraphics.com)
Webmaster: **Payman Salimi & Shervin Barzegar**
Caricaturist: **Sirous Yahyaabadi**
Photographe/ Photographer: **Marjan Rahnavard**

ISSN 1918-4379 HafteH

Prix /Price: \$2.50 - À Montréal: **gratuit / In Montreal: Free**
02 Août 2012, numéro 208 – August 02.2012, issue No. 208

Community news: **Mahdieh Mostafaei**
Canada & Quebec news: **Reza Davoudi**
Cinéma / Cinema: **Atoosa Akhavan**
Sport: **Babak SaraniAzar, Shervin Barzegar**
Politic: **Dr. Kazem Vadie**
Fun & Family: **Mehdi Askari, Hamideh Ghiasvand**
Société/ Society: **Mitra Roshan**
Iran: **Masoud Bastani**

Remerciements particuliers à celles et ceux qui ont contribué à ce numéro
Special thanks to those who contributed to this issue:
Touraj Atef, Roxan Ariana, Mehdi Askari, Dr. Parviz Ghadirian, Hamideh Ghiasvand, Nima Habibzadeh, Sima Kavianfar, Mehrded Memarzadeh Tehran, & Pouria Nazemi,

Journal HafteH

1396 Ste Catherine St. West Suite # 306
Montreal QC H3G 1P9 Canada
Tel: (514) 787-8848



General: info@hafteh.ca
Editorial: editor@hafteh.ca
Advertising: ad@hafteh.ca
Local News: montreal@hafteh.ca



"میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سامی، جایی که می توانید سبد
خرید خود را پر از میوه کنید اما
کیف پولتان را خالی نکنید

▶ Laval

1550 Boulevard Daniel-Johnson
Laval, QC, Canada (450) 978-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه و یکشنبه ۸ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

▶ Lasalle

400 avenue Lafleur, Lasalle, QC H8R 3H6
(514) 368-1333

دوشنبه و چهارشنبه ۹ تا ۱۹:۳۰ پنجشنبه و جمعه ۹ تا ۲۱:۰۰
شنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰ یکشنبه ۹:۰۰ تا ۱۹:۳۰ سهشنبه تعطیل

▶ Nord-est Montréal

8200 19E Avenue, Montréal, QC H1Z 4J8
(514) 594-1333

شنبه تا چهارشنبه ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
پنجشنبه و جمعه ۸:۳۰ تا ۲۱:۰۰

▶ Head Office

1505 rue Legendre Ouest,
Montréal, QC H4N 1H6
(514) 858-6363

SAMI



FRUITS

GLWIZ

www.GLWIZ.com

LIVE TV CHANNELS | TV SERIES | MOVIES | RADIO | VOD | PAY-PER-VIEW



تماشای بیش از 400 شبکه تلویزیونی

ایرانی، عربی (از ۲۱ کشور عرب زبان)، افغانی، تاجیکی، کردی، آذری، ارمنی و آشوری

و بیش از 20,000 ساعت فیلم، سریال‌های متنوع و برنامه‌های جذاب ضبط شده که هر زمان که مایلید تماشا کنید



Connect with us on:



در حال حاضر سرورهای GLWIZ در کانادا و آمریکا و اروپا به صورت رایگان قابل نصب می‌باشد!

سرورهای مخصوص به خود



برای تهیه GLWIZ به وبسایت های www.GLWIZ.com یا www.GOLDLINE.com و یا به مراکز زیر مراجعه نمایید

AMK Telephone 514-273-1219

Globtech 514-952-8881

GL Group of GOLD LINE .com

www.GLWIZ.com

Customer Service
Tel: +1-905-762-5037
Toll Free: 1-866-236-2026
inf@glwiz.com

Reseller Inquiries
Tel: +1-905-762-5046
Toll Free: 1-800-803-4410
agentsupport@glwiz.com